

# مسجد مقدس محدثین

مسجدی که به دستور حضرت ولی عصر (عج) بنا شده است

پژوهش و نگارش:  
سید مرتضی میرسراجی

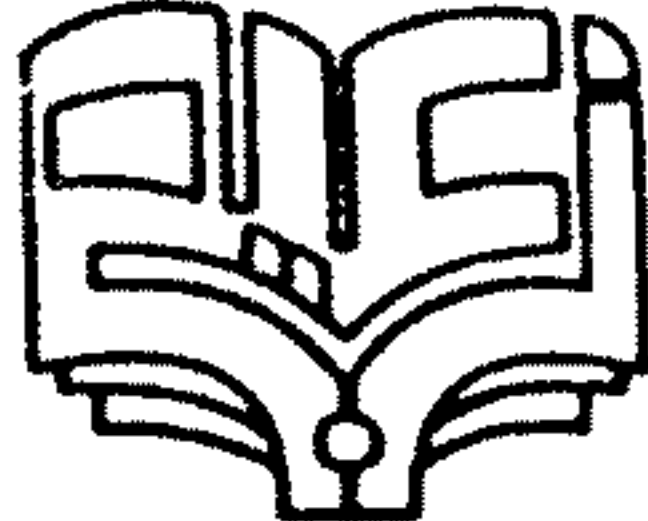


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مسجد مقدس محدثین

مسجدی کہ بہ دستور حضرت ولی عصر (عج) بنا شدہ است

سید مرتضیٰ میرسراجی



انتشارات زکیم

میرسراجی، مرتضیٰ، ۱۳۵۸ -  
مسجد مقدس محدثین: مسجدی کہ بہ دستور حضرت ولی عصر (عج)  
بنا شدہ است / سید مرتضیٰ میرسراجی۔ -- تہران: زعیم، ۱۳۸۴۔  
ح ۱۳۸، ص ۱۰: مصور، نقشہ۔

ISBN 964-8551-28-6:

فہرست نویسی براساس اطلاعات فیما.  
S.M. Mirseradji. The Mohaddesin mosque:  
The mosque is constructed on the order of the twelveth Imam.  
کتابنامہ: بہ صورت زیر نویس۔

۱. مسجد محدثین (بابل)، ۲. بابل --- مسجدہا، الف.ع.و.ج۔

۲۹۷ / ۷۵

BP ۲۶۱ / م ۸۵

۳۹۹۷۸-۸۴ م

کتابخانہ ملی ایران

\* عنوان: مسجد مقدس محدثین

\* پژوهش و نگارش: سید مرتضیٰ میرسراجی

\* ناشر: زعیم - ۰۹۱۲۱۳۲۷۰۸۸

\* نوبت چاپ: اول - تابستان ۸۵

\* لیتوگرافی: کاظمیان

\* چاپ: سماء رنگ

\* ناظر چاپ: صالح خوارزمی

\* شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

\* قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

\* شابک: ۹۶۶-۸۵۵۱-۲۸-۶

ISBN: 966-8551-28-6

## فهرست

مقدمه.....

### بخش اول

- موقعیت جغرافیایی شهر بابل (۲)، نقشه: موقعیت بابل نسبت به ساری (مرکز استان) و تهران (۳)، تاریخچه شهر بابل (۴)، موقعیت جغرافیایی مسجد محدثین (۵)، کروکی آزاد: مسجد مقدس محدثین در بابل (۶)، همجواری مسجد محدثین با دیگر مساجد (۷)، کروکی آزاد: موقعیت مسجد مقدس محدثین نسبت به مساجد همجوار (۷)، معماری مسجد (۸)، پلان تقریبی و آزاد: محوطه مسجد مقدس محدثین (۱۱)، تصویر ۱- شبستان پائین و تعداد کم نمازگزاران (۱۲)، تصویر ۲- حیاط جنوبی مسجد روبرو (مسجد)، چپ (مقبره) (۱۲)، تصویر ۳- حیاط شمالی مسجد (قبرستان)، روبرو (مقبره)، چپ (مسجد) (۱۳)، تصویر ۴- محراب سنگکاری جدید مسجد (۱۳)، تصویر ۵- مناره مسجد (۱۴)، تصویر ۶- مقبره (ایوان خارجی) (۱۴)، برخی منابع که به مسجد محدثین اشاره نموده اند (۱۵)، برخی منابع که به این مسجد اشاره نکرده اند (۲۸)، بررسی کتیبه ها (۳۳)، تصویر ۷- کتیبه لقدامر... (۳۳)، تصویر ۸ (۳۳)، تصویر ۹- کتیبه ای که به ماه و سال ایجاد بنا (شعبان

۱۱۳۶) اشاره دارد. (۳۳)، تصویر ۱۰- کتیبه ای که به سال ترمیم بنا (۱۲۹۵) و اسامی استادکاران اشاره دارد (ایوان مقبره) (۳۴)، تصویر ۱۱- کتیبه انافتحنا. . (ایوان مقبره) (۳۴)، تصویر ۱۲- کتیبه یا ابا عبدالله. . (ایوان مقبره) (۳۵)، تصویر ۱۳- کتیبه نصر من الله. . (ایوان مقبره) (۳۵)، چگونگی بنای مسجد به دستور حضرت ولی عصر (عج) (۳۸)، اسامی مختلف مسجد (۴۰)، بررسی علل قرار گیری مسجد در شهر بابل (۴۵)، چاه مسجد (۴۸)، تصویر ۱۴- چاه عریضه (ترمیم جدید) (۴۹)، محراب مقدس (معیار تعیین قبله شهر بابل) (۴۹)، معماری مقبره (۵۱)، تصویر ۱۵- صندوقچه چوبی مقبره ملانصیرا (۵۱)، تصویر ۱۶- مقبره ملانصیرا (نمای بیرونی- ایوان داخلی) (۵۳)

## بخش دوم

---

بانیان مقبره (۵۵)، ملانصیرا شخصیتی ناشناخته! (۵۷)، بررسی ابعاد زندگی شیخ کبیر [دوم] (شیخ محمد حسن) (۷۵)، تصویر ۱۷- شیخ کبیر (۷۶)، تصویر ۱۸- مدفن شیخ کبیر در اتاق مجاور مقبره ملا نصیرا که طبق وصیتش پائین تر از سطح مقبره ملانصیرا قرار گرفته است. (۸۹)



## بخش سوم

---

بهترین سند اعتبار مسجد (۹۱)، شکوائیه امام جماعت مسجد محدثین (۹۳)، اصل

نامه گلایه آمیز امام جماعت مسجد مقدس محدثین (۹۴)، علل مہجوریت و

گمنامی مسجد محدثین (۹۵)، رشد مسجد مقدس محدثین و آینده درخشان

آن (۹۶)، کرامات مسجد مقدس محدثین (۹۸)، تصویر ۱۹ - محراب قدیم (پیش از

ترمیم) (۱۰۸)، کلام آخر... (۱۱۵)

## منابع و مآخذ

---

کتاب (۱۱۷)، مجله (۱۲۱)، منابع شفاهی (۱۲۱)

پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هـ ق گاهی مقدس و استثنایی در تاریخ بشریت بود. زیرا نجات دهنده اسیران تاریکی و هدایت کننده آنها به سوی نور پا به عرصه وجود نهاد؛ اما شادی این وصل با وسوسه شیاطین و غبار افکندن آنها بر این آینه تمام نمای صفات الهی به غم هجران و روزگار غیبت، مبدل گشت.

### ◀ هدف پژوهش

انگیزه اصلی ما در این پژوهش بکر، جستجوی ردپای امام غائب، حضرت صاحب الزمان مهدی موعود (عج) در روزگار غیبت و زندگی پنهانی ایشان بود و همین طور احساس مسئولیتی که نسبت به شیعیان و شیفتگان ایشان داشتیم؛ عزم ما را جزم کرد تا ردپایی را که از این یوسف گمگشته در «مسجد المحدثین» شهر «بابل» یافته بودیم به رشته تحریر و زیور تحقیق در آورده و به جهت پویندگان و جویندگان حقیقت تقدیم نماییم.

## ◀ روش پژوهش

سبک و اسلوب در این پژوهش به دو شیوه کتابخانه ای و میدانی است. منابع و مأخذ در پانویشت و کتابنامه مذکور است و نیز عکسبرداری، تهیه نقشه و ترسیم کروکی های آزاد جهت تفهیم بیشتر مطالب لحاظ شده است.

در خاتمه فرض می دانیم که از مساعدتهای دوست عزیز آقای «امیر حسین ژیان» تقدیر و تشکر کرده و این کتاب را با احترام به همه زمینه سازان ظهور تقدیم می نمایم.

عیب است ولیکن هنریست از موری

پای ملخی نزد سلیمان بردن

سید مرتضی میرسراجی

تهران - پائیز ۸۴



بخش اول

## ■ موقعیت جغرافیایی شهر بابل<sup>۱</sup>

سرزمین سرسبز و خوش آب و هوایی که به صورت یک مجموعه جغرافیایی واحد و دیواری باریک در سواحل جنوبی دریای خزر واقع و به وسیله دیوار عظیم رشته کوههای البرز را از بقیه کشور جدا شده است از نظر تقسیمات کشوری به استان گیلان، مازندران و گلستان تقسیم شده است. شهرستان بابل بین ۳۶ درجه و ۵ دقیقه و ۳۶ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی از خط استوا (مدار مبدأ) و ۵۲ درجه و ۳۰ دقیقه و ۵۲ درجه و ۴۵ دقیقه طول شرقی از نصف النهار «گرینویچ» واقع شده است.

شهرستان بابل در ۲۱۰ کیلومتری شمال شرقی تهران واقع است و از شمال به شهرستان «بابلسر» و از جنوب به خط الرأس کوههای البرز از جنوب به شهرستان «آمل» و از شرق به شهرستانهای «قائمشهر» و «سواد کوه» محدود می شود، مساحت این شهرستان حدود ۱۴۳۰۱ کیلومتر مربع است که تقریباً ۵/۹۴ درصد کل استان را در بر می گیرد.<sup>۲</sup>

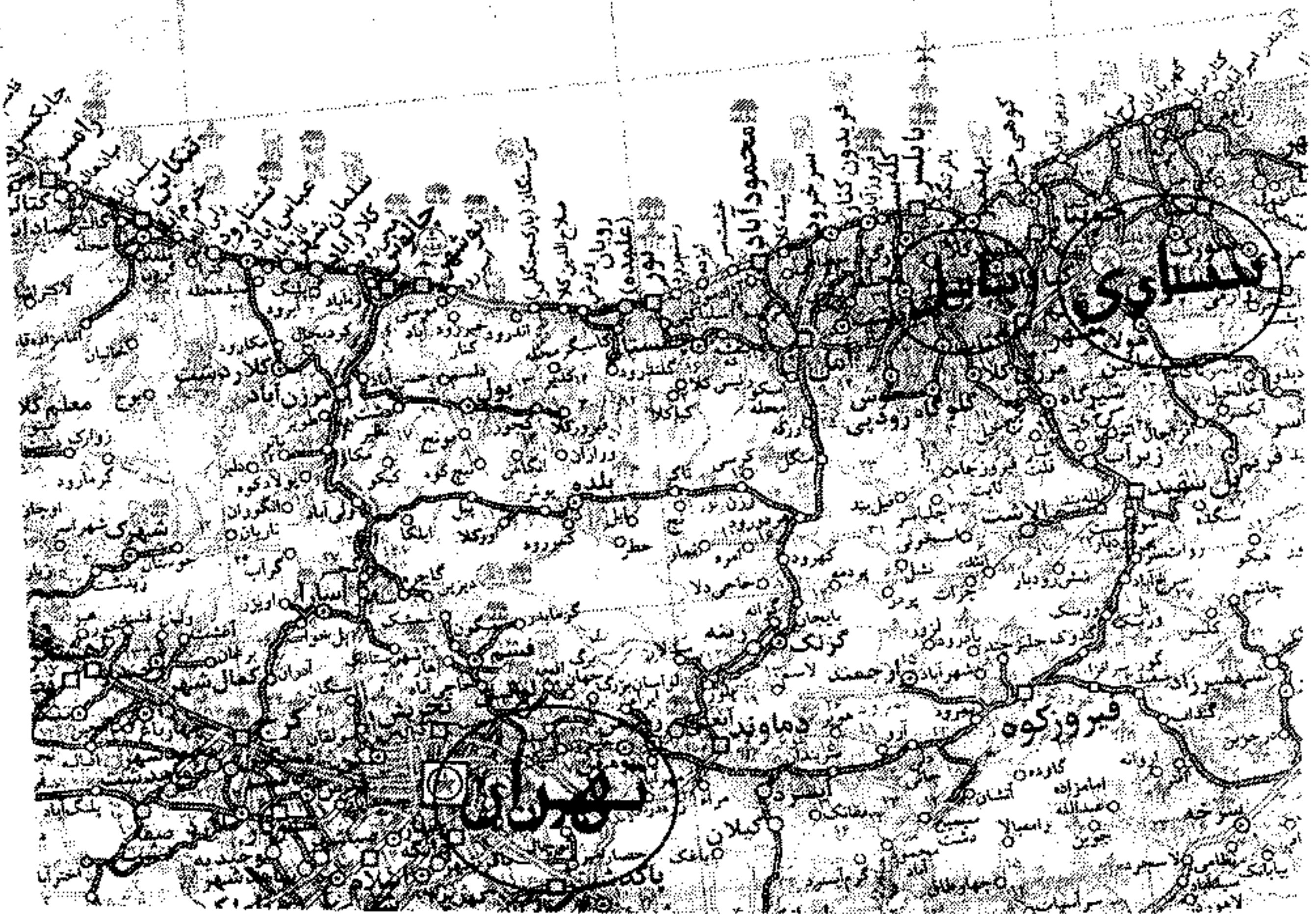
۱- مأخوذ از (بابل شهر بهار نارنج)، گروه مؤلفان، نشر چشمه- تهران، ۱۳۷۹ ش، صص ۲۴-۲۵

۲- سازمان برنامه و بودجه استان مازندران، «آمار نامه استان مازندران» معاونت آمار و اطلاعات، ۱۳۷۴ ش، صص ۱-۷۲ تا ۱-۷۵

به موجب آخرین تقسیمات اداری استان مازندران، شهرستان بابل در سال ۱۳۷۷

شامل سه بخش، ده دهستان، دو شهر و پانصد و پنجاه و شش آبادی است.<sup>۱</sup>

# دریای خزر



نقشه موقعیت بابل نسبت به ساری (مرکز استان) و تهران

۱- مرکز آمار ایران، «سرشماری عموم نفوس و مسکن - ۱۳۷۵ ش، استان مازندران، شهرستان بابل»، سازمان

## ■ تاریخچه شهر بابل

نامهای «مامطیران»، «مامطیر»، «بار فروش ده»، «بار فروش» و «بابل» شناخته شده است. اولین نام این شهر «مامطیر» بود که در قرن دهم هجری، «بار فروش ده» در محل آن بنا شده و هنگامی که «محمد خالد» حاکم آن بود بازار و عماراتی در آن بنا کرد. در سال ۱۶۰ هجری قمری «مازیار ابن قارن» مسجد جامع آنرا بنا نهاد.

بار فروش بعنوان مرکز تجاری به ویژه در دوره صفوی از رونق، آبادی، وسعت و گستردگی برخوردار شد. «شاه عباس اول»<sup>۱</sup> فرمان داد «باغ ارم» را در قسمت جنوبی شهر بنا کنند. بابل در زمان «فتحعلیشاه»<sup>۲</sup> قاجار نیز اهمیت قابل توجهی پیدا کرد. قبل از انقلاب اکتبر روسیه، بابل از طریق بندر مشهدسر (بابلسر) با کشور روسیه ارتباط تجاری داشت و به یکی از مراکز مهم بازرگانی استان مازندران تبدیل شده بود. بابل امروزی شهری آباد و زیباست.<sup>۳</sup>

---

۱- ملقب به بزرگ (کبیر) ابن محمد خدابنده، پنجمین پادشاه خاندان صفوی (جلوس: ۹۹۶، فوت: ۱۰۷۲ هـ.ق)، (فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، ج ۵ (اعلام)، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ ۱۳۷۷، ش، ص ۱۱۲۸)

۲- ابن حسینقلی خان، دومین پادشاه سلسله قاجار (جلوس: ۱۲۱۲، فوت: ۱۲۵۰ هـ.ق) وی برادر زاده آغامحمد خان (سر سلسله قاجاریه) بود. معین، ج ۶ (اعلام)، ص ۱۳۰۴

۳- مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، استان مازندران، حسن زنده دل و دستیاران، نشر ایرانگردان، ۱۳۷۹ش، صص ۳۱-۳۲

لازم به ذکر است که در شهریور سال ۱۳۱۴ بنا به تصویب هیئت وزیران، نام «بارفروش» به «بابل» بدل گردید.<sup>۱</sup>

### ■ موقعیت جغرافیایی مسجد محدثین

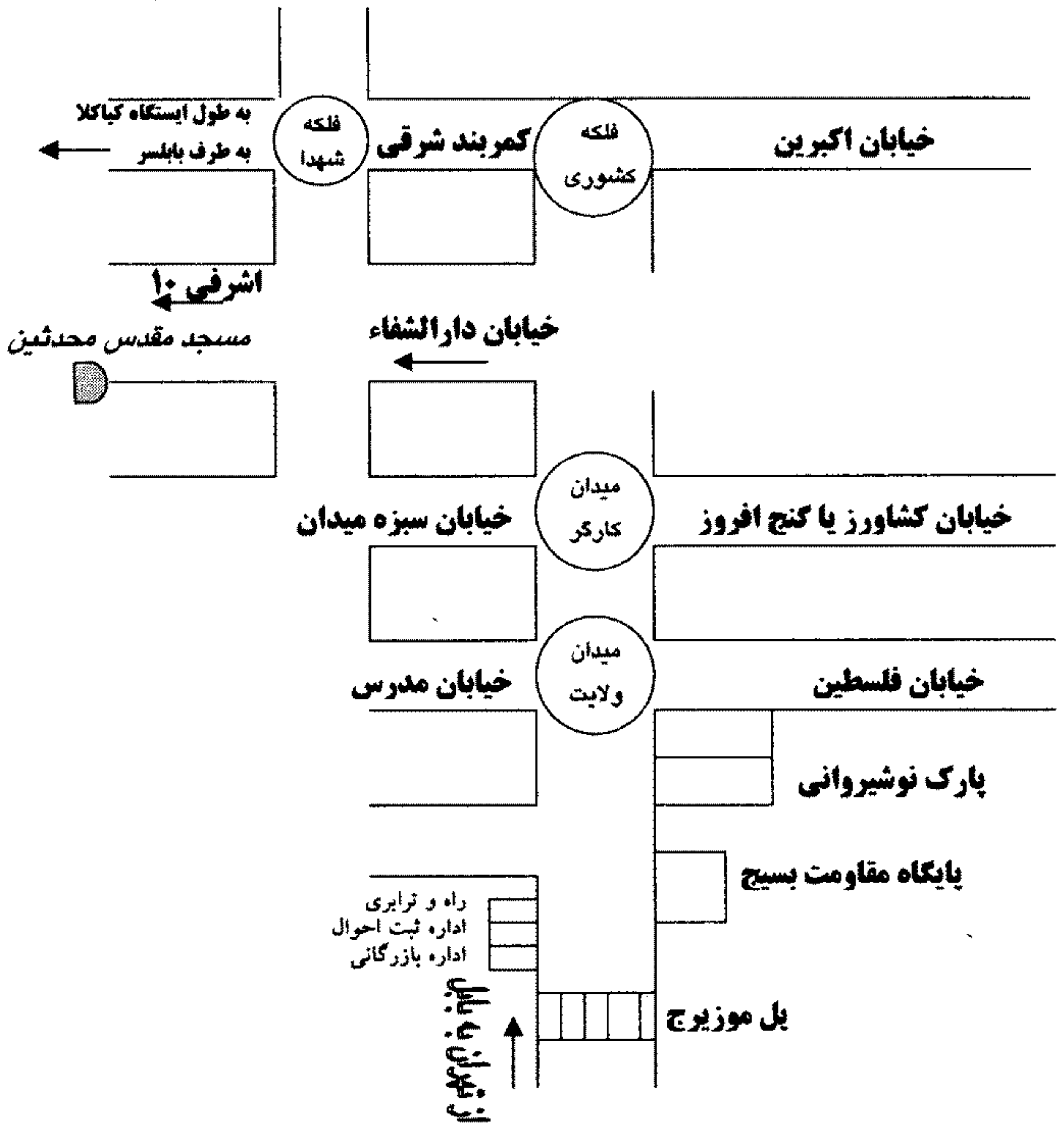
«مسجد مقدس محدثین» در محدوده مرکزی شهر بابل خیابان شیخ کبیر (افرا دار بن = زیر درخت افرا) واقع شده است.

از سمت شمال به محله «سر حمام» و از سمت شرق به محله «شهید گدازگر» (شمشیر گر محله) و از سمت غرب به محله «شهید روشن ضمیر» (طوقداربن) و از قسمت جنوب به فاصله تقریبی دویست متر به خیابان اصلی «نواب صفوی» و چهارراه «گلشن» می باشد.<sup>۲</sup>

---

۱- فرهنگ معین، ج ۵، ص ۲۲۵

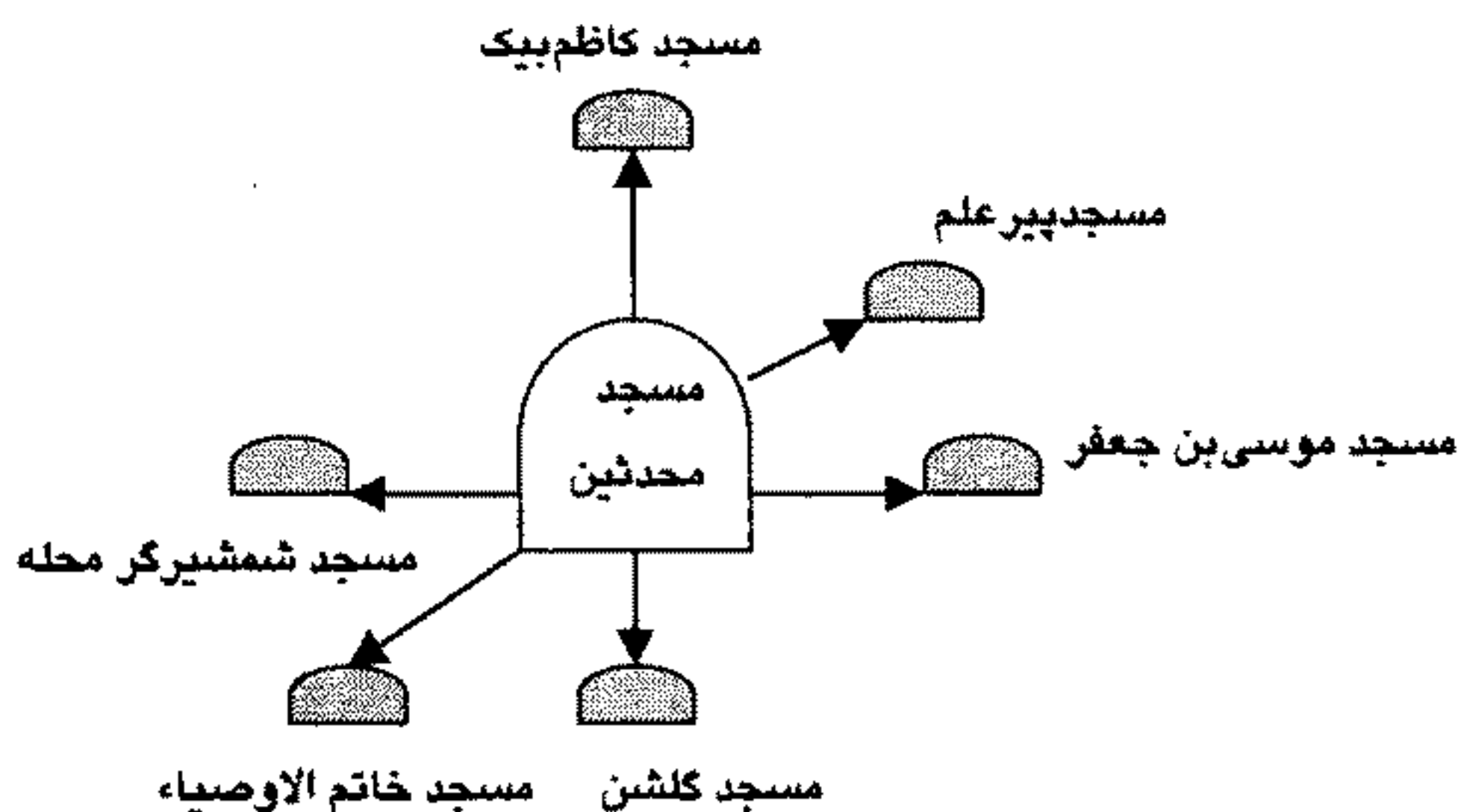
۲- خورشید پنهان، حجه الاسلام عسکر نصیرایی، بابل، انتشارات مبعث، بهار ۱۳۸۴ ش، ص ۱۸



کروکی آزاد: مسجد مقدس محدثین در بابل

### □ همجواری مسجد محدثین با دیگر مساجد

مساجد متعددی اطراف مسجد مقدس محدثین واقع شده است که مانند حلقه انگشتر آن را احاطه نموده اند. این مسجد از شمال به مسجد «کاظم بیک» و از شمال شرقی به مسجد «پیر علم» و از شرق به مسجد «موسی ابن جعفر» (ع) و از غرب به مسجد کوچک (شمشیرگر محله) و از جنوب به مسجد «گلشن» و از جنوب غربی به مسجد «خاتم الاوصیاء» (عج) (بیسر تکیه) می‌رسد که میانگین فواصل این مسجد با مساجد دیگر حدود ۳۰۰ متر می‌باشد.<sup>۱</sup>



کروکی آزاد: موقعیت مسجد مقدس محدثین نسبت به مساجد همجوار



## ■ معماری مسجد

◀ به نقل معمرین از مؤمنین این محل، بنای قدیمی آن با ستونهای چوبی بدون دیوار بود و سقف آن را با حصیر محلی می پوشاندند و اطراف آن را با همان حصیر، حصار می کردند.

از آنجا که منزل مسکونی مرحوم «ملانصیرا»<sup>۱</sup> در جوار این مسجد بود و اکنون نیز مقبره ایشان و مرحوم «شیخ کبیر»<sup>۲</sup> و قسمتی از خیابان درب پشت را در بر می گیرد؛ استنباط می شود که زمین مسجد برای آن مرحوم بوده و شاهد بر این مطلب، همجواری خانه مسکونی و مرحوم ملانصیرا با مسجد است که درب کوچکی از خانه آن مرحوم به مسجد باز می شد و آن مرحوم از آن در به مسجد، برای نماز و رسیدگی به طلابی که در حجره ها ساکن بودند؛ می آمد. الان جای آن، در بزرگ قرار دارد.<sup>۳</sup>

---

۱- توضیحات مبسوط راجع به این دو شخصیت در بخش دوم کتاب آمده است.

۲- پیشین صص ۱۹-۲۰

◀ مسجد دارای بنای آجری کرسی دار است. فیله‌هایی که در بالا با هلالی نعل درگاه شده اند و در چوبی در داخل آن قرار دارد. سقف چوبی و بام را شیروانی کرده اند. هنوز امکان تعمیر اصولی وجود دارد ولی بی توجه رها شده است.<sup>۱</sup>

◀ چنانکه در سال ۱۳۴۳ ش گزارش شده است؛ این مسجد و شبستان آن تقریباً خراب بوده و توسط شخصی به نام «علی حقوقی» وکیل دانشمند و متدین دادگستری بابل از نو ساخته شده و ایشان با صرف مبالغ هنگفتی از کیسه فتوت خویش، مسجد المحدثین مذکور را به سبکی بسیار مجلل و با شکوه ساختمان کردند.<sup>۲</sup>

گویا ایشان قصد ایجاد یک کتابخانه و تعمیر مقبره (ملانصیرا و شیخ کبیر) نیز در سر داشته اند که روزگار ناسازگار، همدست با اجل به ایشان فرصت عمل به این نیت خیر را نمی دهد و کار ایشان نیمه کاره می ماند. معهداً همان تعمیر شبستان مسجد برای ایشان کفایت که نامشان را جاودانه سازد.<sup>۳</sup>

---

۱- بابل شهر بهار نارنج، ص ۵۱۹

۲- شهر بابل (متن کامل سخنرانی پوراندهخت حسین زاده راجع به شهر بابل در جلسه ۲۷ آذر ۱۳۴۲ ش)، تهران، دانشگاه تهران، صص ۱۲۴-۱۲۵

۳- بابل (شهر زیبای مازندران)، دکتر جعفر نیاکی با همکاری پوراندهخت حسین زاده، چاپ اول، بهار ۱۳۷۹ ش، نشر رامرنگ، ص ۵۰۰. آنچه ما تحقیق کردیم و از امام جماعت جدید مسجد، دکتر نصیرایی پرسش نمودیم نتیجه این بود که در حال حاضر کتابخانه ای در مسجد وجود ندارد. در قدیم نیز نبوده است مگر ←

◀ وضعیت مکانی مسجد اکنون چنین است:

مساحت کل مسجد حدود ۱۶۰۰ متر است که از چند قسمت تشکیل شده است:

۱- شبستان پایین (که این مکان با همت مرحوم حقوقی و مؤمنین تجدید بنا

گردید که امروز، شبستان پایین را تشکیل می دهد) و شبستان بالا (که در سال

۱۳۸۰ ش توسط افراد نیکوکار، ضمیمه آن گردید. هر دو شبستان به همان

اندازه ای است که برای بنای قدیمی و چوبی آن نقل می کنند).

۲- قبرستان، (حیاط مسجد) که از زمینهای مرحوم ملانصیرا بود.

۳- مقبره علماء که مرحوم ملانصیرا و شیخ کبیر در آن مدفون هستند.

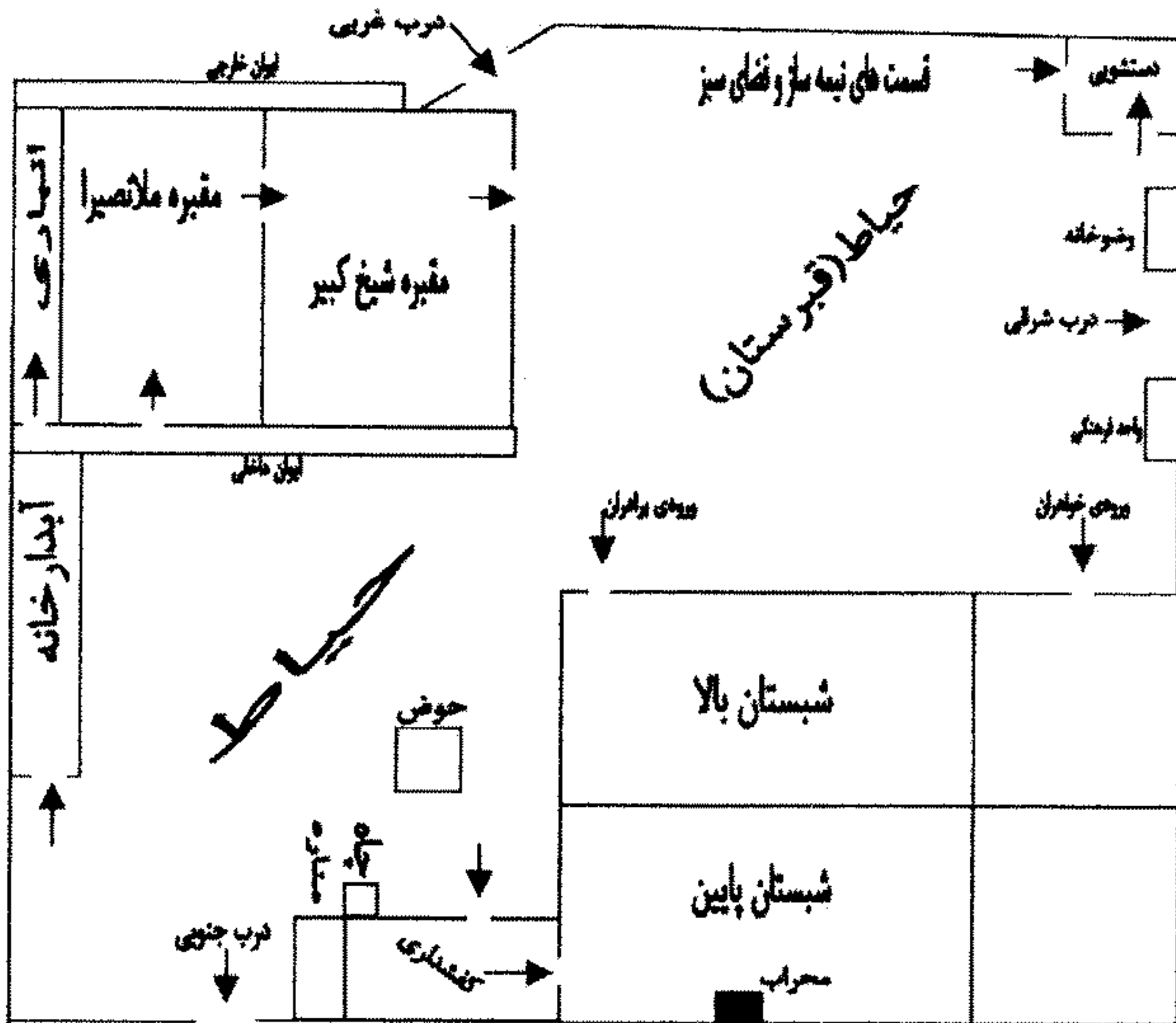
۴- کفشداری

۵- مناره قدیمی

---

← عده ای کتاب که در قفسه های جنب در ورودی و پشت کفشداری و قسمت زنانه قرار دارد که آنها نیز کتابهای مذهبی خاص چون قرآن و مفاتیح و ادعیه و ... هستند. طبق آنچه در پاورقی کتاب بابل (شهر زیبای مازندران) یافتیم: دکتر سید محمود مرعشی فرزند آیت الله مرعشی نامه ای به دکتر نیاکی نوشته اند و در آن تأکید شده است که پدرشان مقداری کتاب به کتابخانه مسجد محدثین وقف کرده اند. (نامه مورخ رمضان ۱۲۸۴، ۵۸۲) (بابل شهر زیبای مازندران ص ۵۰۰ پاورقی) با تحقیقی که ما از دکتر نصیرایی انجام دادیم ایشان اظهار داشتند: ما حتی در ضریح و قبر چوبی ملانصیرا و جاهای دیگر را جستجو کرده ایم و چیزی نیافته ایم و معلوم نیست چه سرنوشتی برای آنها رقم خورده است. کلاً نشان می دهد که آیت الله مرعشی به این مسجد واقف بوده اند.

در ضمن این مسجد دارای سه درب شرقی و غربی و جنوبی می باشد.<sup>۱</sup>



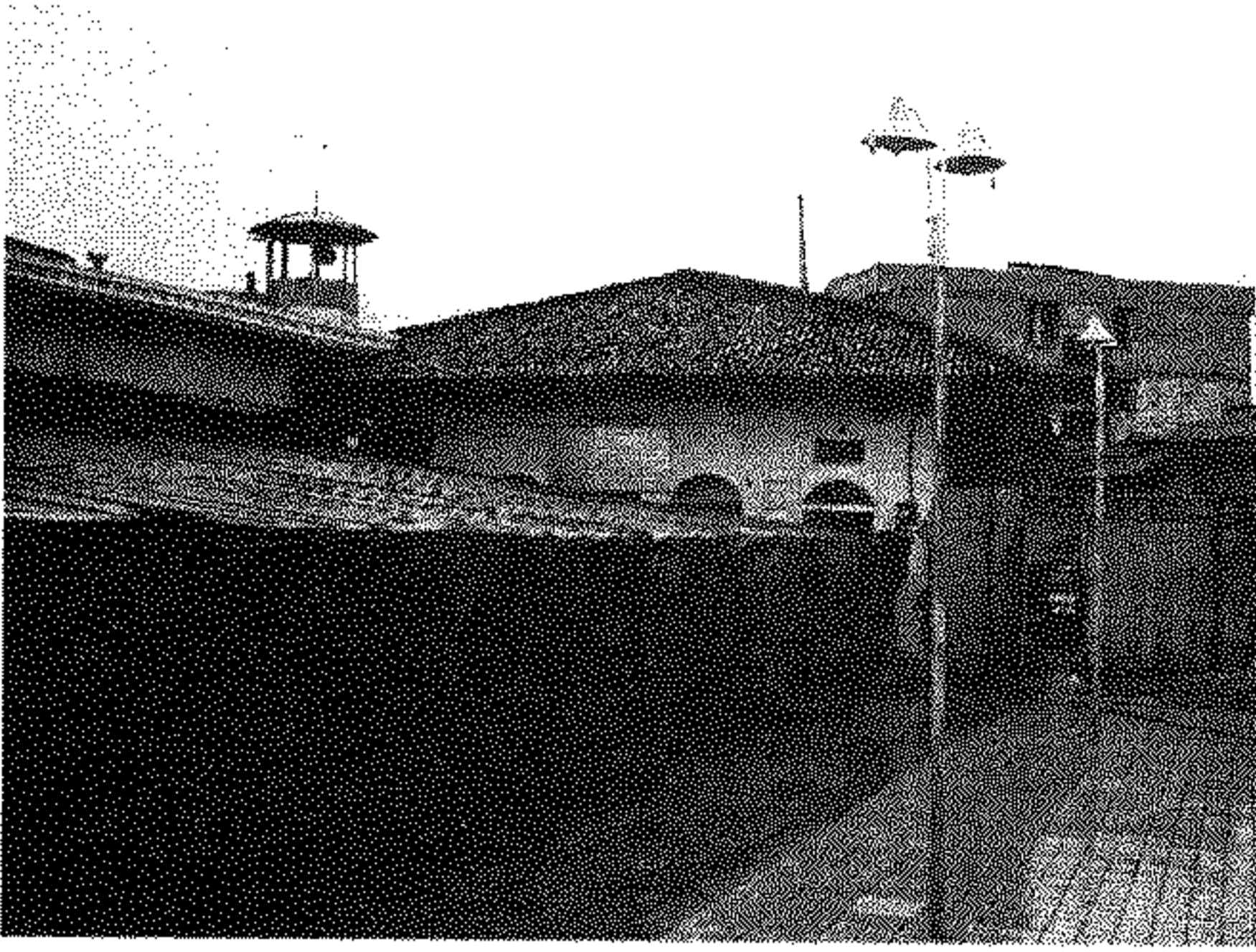
پلان تقریبی و آزاد: محوطه مسجد مقدس محدثین



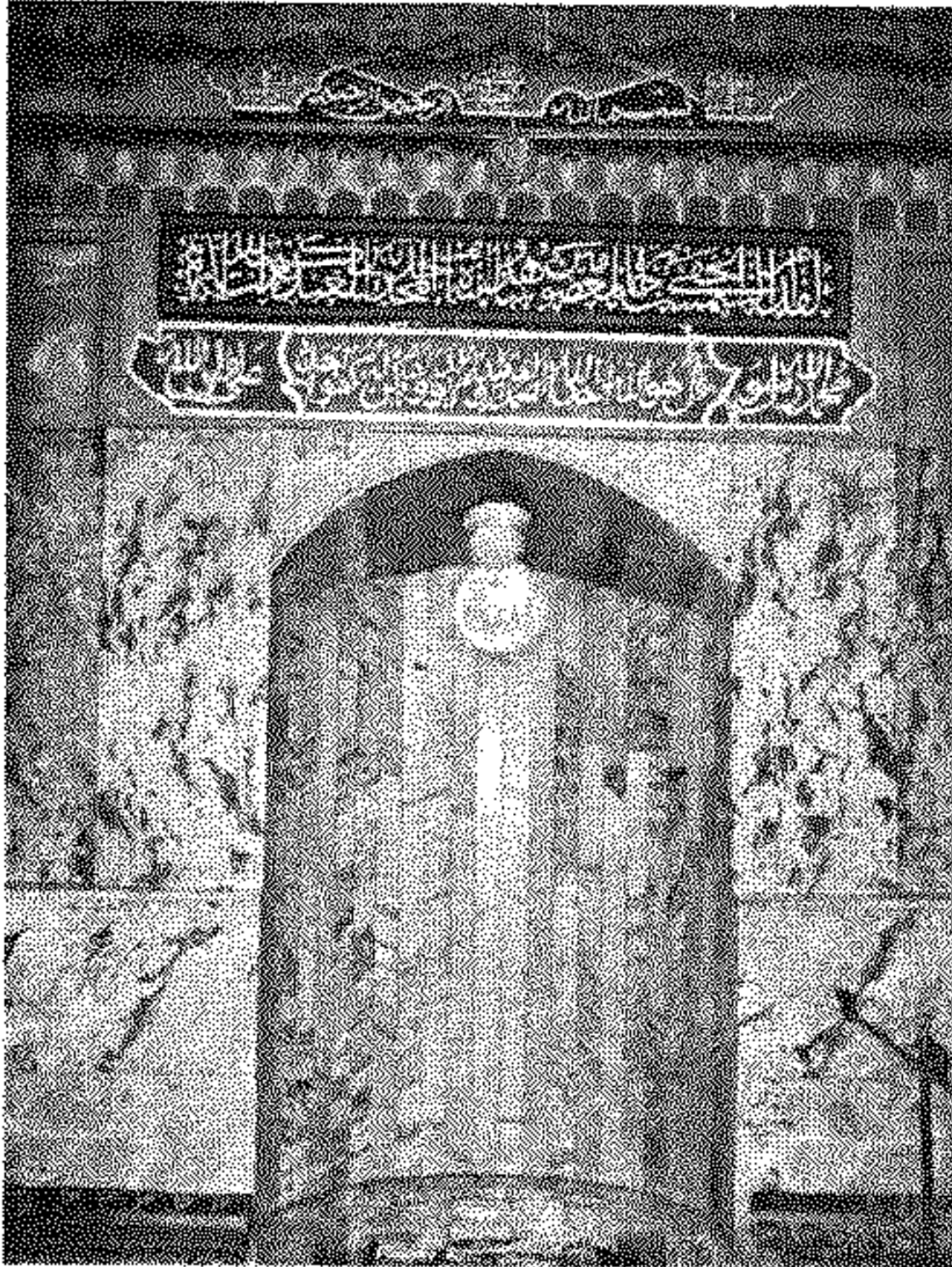
تصویر ۱- شبستان پائین و تعداد کم نمازگزاران



تصویر ۲- حیاط جنوبی مسجد روبرو (مسجد)، چپ (مقبره)

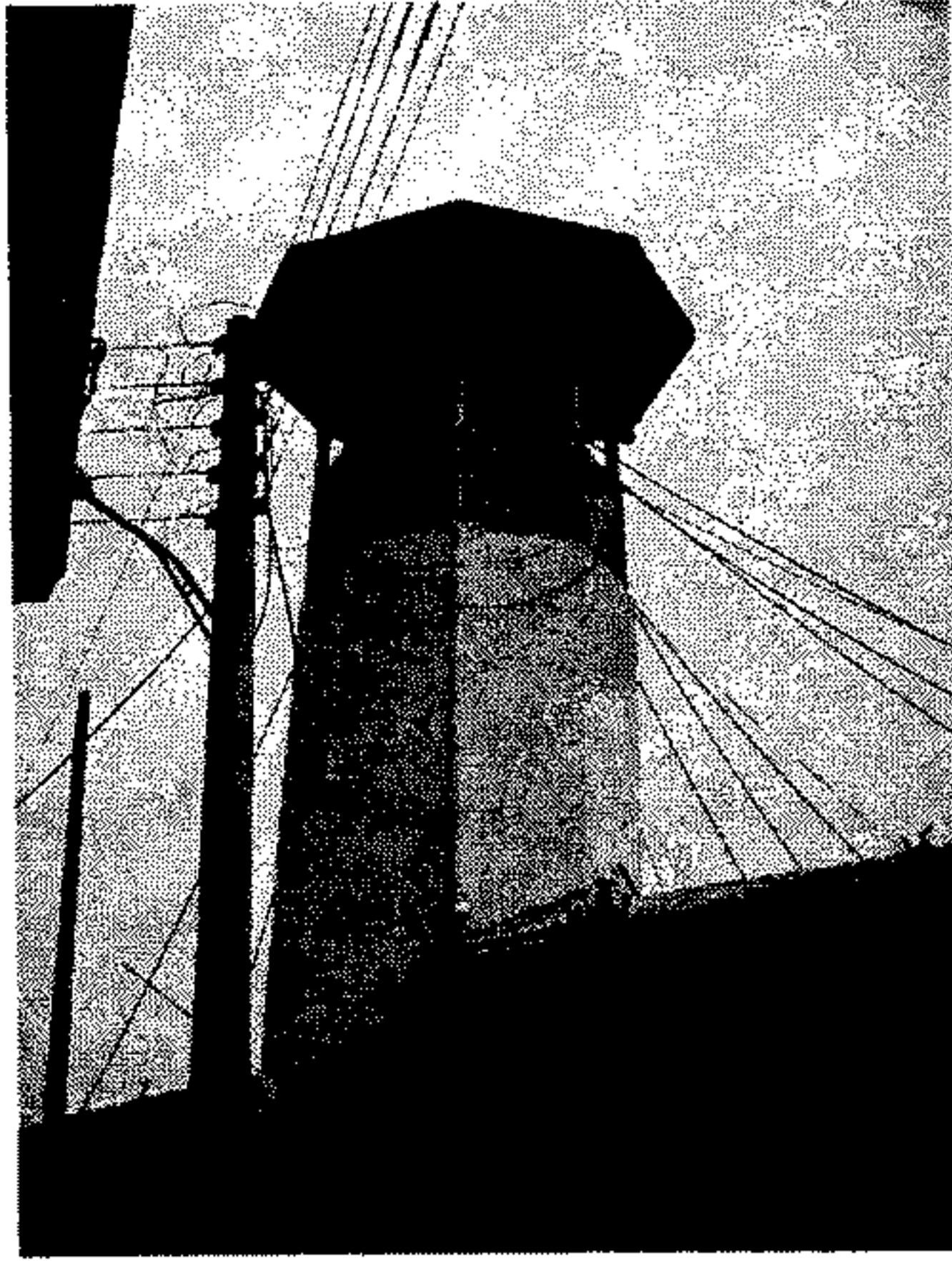


تصویر ۳- حیاط شمالی مسجد (قبرستان)، روبرو (مقبره)، چپ (مسجد)



تصویر ۴- محراب سنگ کاری جدید مسجد





تصویر ۵- مناره مسجد



تصویر ۶- مقبره (ایوان خارجی)



□ برخی منابع که به مسجد محدثین اشاره نموده اند:

### ◀ شهر بابل (۱۳۴۳ ش)<sup>۱</sup>

ملانصیرا در زمان حیات خود در جنب مقبره حاضر [که قبر ایشان آنجاست] مسجدی به نام «مسجد المحدثین» ساخت که سه کتیبه گچی آن اکنون بر بالای محراب تقریباً سالم مانده است. بر روی کتیبه اولی نوشته شده: «شهر شعبان النبی ۱۱۳۶» و این می رساند که او در اواخر عهد صفویه می زیسته است.

بر روی کتیبه سوم که بالای محراب (پایین تر از کتیبه دوم) است؛ نوشته شده: «لَقَدْ أَمَرَ الشَّمْسُ الخَفِي خَاتَمُ المَعصومين بِنَاءِ هذا و سَمَاهُ بِمَسْجِدِ المُحَدِّثين كَتَبَهُ العَبْدُ نِعْمَتُ اللهِ ابنِ الجَعْفَرِ»<sup>۲</sup>

---

۱- ترتیب کتابها بر اساس سال نشر و چاپ آنهاست. بعید نیست کتابی یافت شود که سالها قبل از چاپ به رشته تحریر در آمده باشد.

۲- شهر بابل، ص ۱۲۴- ترجمه متن کتیبه این است: «محققاً امر فرمود شمس خفی (خورشید پنهان) [مقصود حضرت مهدی است]، خاتم المعصومین (آخرین معصوم) به بنای این مسجد و نام آن را [حضرت مهدی (عج)] مسجد «محدثین» (روایت کنندگان حدیث) نهادند.» سپس نام کاتب نعمت الله ابن الجعفر ذکر شده است. متأسفانه در این کتاب به ترجمه متن عربی نپرداخته و مطلب برای خوانندگان فارسی زبان ناشناخته تلقی می شود. لازم به یادآوریست که در بعضی منابع نقش کتیبه ها به هر علتی تفاوت هایی دارد که از نظر می گذرد.

◀ گوشه ای از زندگی حضرت آیت الله حاج شیخ محمد کوسانی (۱۳۵۱ش)

در کتاب مذکور ذیل معرفی «شیخ کبیر» مدفون در صحن مسجد محدثین آورده است:

«... در «بار فروش» مقبره دارد که مزار خواص است و در جوار مقبره مسجدیست از بناهای آن مرحوم که او را «مسجد المحدثین» نام گذارده. معروف است که آنرا به اشاره امام زمان (عج) ولی عصر ساخته. در بالای محراب نوشته است: «قد أمر الشمس الخفی ببناء هذا المسجد»<sup>۱</sup>

این متن، خالی از اشتباه و سهو نیست چرا که «شیخ کبیر» بانی مسجد نیست. از متن کتیبه موجود در مسجد که تأکید به دستور بنای مسجد توسط حضرت ولی عصر (عج) دارد نامگذاری مسجد توسط ایشان نیز استفاده می شود و این مطلب با متن بالا تضاد دارد. از سوی دیگر متن کتیبه «قد أمر الشمس الخفی ببناء هذا المسجد» نیست بلکه کاملتر است.

---

۱- گوشه ای از زندگی حضرت آیت الله حاج شیخ محمد کوسانی، حاج شیخ اسدالله ربانی، ناشر: سید عبدالعلی هاشمی، چاپ حکمت، قم، ۱۳۵۱ش، ص ۷۵

◀ گنجینه دانشمندان ۳/ (۱۳۵۳ ش)

در این کتاب بعد از یادکرد شیخ کبیر و بقعه ایشان در پایان آورده است:

«... و در جنب قبر او مقامی به نام حضرت صاحب الزمان (عجل الله فرجه)

می باشد»<sup>۱</sup>

آنچه پیدا است هیچ تصریحی به مسجد و نام آن و نام بانی آن (طبق مشهور

ملانصیرا) صورت نگرفته است.

◀ از آستارا تا استارباد/ ۴ (۱۳۶۶ ش)

در این کتاب ذیل مبحث «مسجد محدثین - مسجد شیخ کبیر» چنین آمده است:

«در محله طوقدارین (توغ دارین) بارفروش، مسجد محدثین شامل حیاطی بزرگ

است که در جانب جنوبی آن محرابه مسجد است. درازی محرابه سی متر و پهنای

آن هفت متر است. این مسجد به دست ملانصیرا ساخته شده است و گور خود او

در حیاط همین مسجد است.»<sup>۲</sup>

---

۱- گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ اسلامیة، ۱۳۵۲ ش، تهران، ج ۲، ص

۲- از آستارا تا استارباد، منوچهر ستوده، انتشارات آگاه، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۶ ش، ج ۴، ص ۲۴۷

آنگاه صاحب کتاب فوق به توضیح کتیبه محراب مسجد و جریان ساخته شدن مسجد به دستور حضرت ولی عصر (عج) می پردازد.

◀ طبقات اعلام الشیعه (الکواکب المنتشرة - قرن ۱۲) (۱۳۷۲ش)

در این کتاب از شخصی به نام «آخوند جان البار فروشی» صاحب مقبره معروف در بار فروش (بابل) یاد می شود که در این شهر مسجدی بنا کرده و بر محراب آن چنین نوشته شده است: «انی بنیته بأمر صاحب الزمان علیه السلام و اقیم الجمعه فیه بنیه الوجوب بفتواه علیه السلام» (این مسجد را به دستور حضرت مهدی (عج) بنا کردم و در آن نماز جمعه را به نیت نماز واجب به فتوا و دستور ایشان برپا می کنم).

شیخ آغا بزرگ (متوفی ۱۳۹۰ق)، سپس منبع نقل این خبر را کتابی از «الحسن ابن محمد علی نهمنی<sup>۱</sup> الجیلانی» (۱۲۴۵، ۱۲۰۳) موسوم به «ارشاد المتعلمین» معرفی

۱- در اصل: کهدمی، رک: طبقات اعلام شیعه القرن ۱۲، المطبعة العلمیه فی النجف، ۱۳۷۴ هـ-ق-۱۹۵۴م، تألیف: شیخ آغا بزرگ تهرانی، (متوفی: ۱۳۹۰ق)، (صص ۲۴۴-۲۴۶)

می‌نماید که صاحب کتاب مذکور تأکید کرده: «... انی رأیت مقبرته و مسجده»

(من مقبره و مسجد آخوندجان بارفروشی را دیدم).<sup>۱</sup>

نکته دیگری که در این مجال، قابل بررسی و تأمل است؛ این می‌باشد که شیخ آغا

بزرگ در صفحاتی بعد در همین کتاب از شخصی به نام «محمد نصیر البارفروشی»

یاد می‌کند که همان ملانصیرای مشهور و معروف است و از نسخه ای از

کتابهایش در کتابخانه «مدرسه بروجردی» اسم اصل او را «مولی میر محمد نصیر

ابن المیر محمد معصوم المشهدی» معرفی می‌کند.<sup>۲</sup>

آنچه علی التحقیق می‌توان گفت: اکنون چنین کتیبه ای با مضمونی که در فوق

آمده در مسجد نیست و چه بسا متن فوق، نقل یک مضمون یا خبری باشد که عیناً

۱- آخوند جان بارفروشی: صاحب المقبره المعروفه هناك. قد بنی بها مسجداً کتب علی محرابه: [انی بنیته بأمر صاحب الزمان (علیه السلام) و اقیم الجمعه فیه بنیه الوجوب بفتواه (علیه السلام)] حکى ذلك الحسن ابن محمد علی الكهدمی (النهمی) الجیلانی (۱۲۰۳-۱۲۴۵) من اولاد زرافه... فی مختصره الموسوم «بارشاد المتعلمین»... و ذکر انی رأیت مقبرته و مسجده. (کتاب ارشاد را آغا بزرگ در کربلا به خط مؤلف دیده است. ر.ک: طبقات. قرن ۱۲، ج ۱، صص ۳۴۶-۳۴۴)، (طبقات اعلام الشیعه، الکواکب المنتشره فی القرن الثانی بعد العشره) الشیخ آغا بزرگ الطهرانی، تحقیق ولده: علی نقی منزوی، ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، (دی ماه ۱۳۷۲) (چاپ اول) صص ۱۲۹-۱۳۰

۲- محمد نصیر البارفروشی: الأخباری المشرب المتأخر عن العلامه المجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰) لنقله فی تصانیفه عن البحار، ... و یتظهر من نسخه «نور الیقین» الموجوده فی مکتبه (مدرسه البروجردی) ان اسمه المولی المیر محمد نصیر ابن المیر محمد معصوم المشهدی (طبقات، القرن ۱۲، ص ۷۷۹)، لازم به ذکر است از این که در ابتدای نام خودش و نام پدرش «میر» آورده احتمال ضعیفی وجود دارد که او از سادات نیز بوده است. والله اعلم بحقایق الامور

در کتیبه نبوده است. در مبحث «محمد نصیر بار فروشی»، شیخ آغا بزرگ نیز به مسجد محدثین و مسائل مرتبط با آن اشاره ای نکرده و ما احتمال اتحاد دو شخصیت «آخوند جان بار فروشی» و «محمد نصیر» را می دهیم چرا که هر دو در یک قرن و از طرفی مسجد و مقبره طبق مشهور و بنا به نقل بعضی منابع منسوب به محمد نصیر (ملا نصیرا) است. خصوصاً آخوند جان علی الظاهر یک لقب است پس نتیجتاً لقبی برای همان ملانصیرای مذکور بوده است.

راجع به مطلبی که بنا به قول «الحسن ابن محمد الجیلانی» در کتیبه بوده و طبق آن ملا نصیرای یاد شده با فرض صحت مطلب، نماز جمعه را در آن مسجد به دستور و فتوای حضرت مهدی (عج) به نیت وجوب می خواننده است؛ می توان چنین اظهار کرد که مطلب قابل تأملی است چرا که در بر پایی نماز جمعه در روزگار غیبت حضرت صاحب الزمان (عج) در بین علما و مراجع اختلاف زیادی وجود دارد.

برخی از فقها واجب تعیینی، برخی تخییری، بعضی از آنها حرام و بعضی دیگر غیر مشروع دانسته اند. بعضی به قصد رجاء و به امید مطلوبیت فتوی به جواز داده اند و غالب مراجع عصر در صورت اقامه نماز جمعه، احتیاطاً نماز ظهر را نیز لازم

دانسته اند و برخی در صورتی نماز جمعه را از نماز ظهر مکفی می دانند که امام جمعه، مجتهد عادل و یا منصوب از طرف مرجع تقلید برای اداء نماز جمعه باشد.<sup>۱</sup>

### ◀ فرزندگان مازندران (۱۳۷۷ش)

در این کتاب در ذیل مبحث شیخ کبیر، اشاره ای نیز به ملانصیرا شده و مطلب مسجد المحدثین را به کتاب «زندگی آیت الله کوسانی» که از نظر گذشت؛ ارجاع داده است.<sup>۲</sup>

### ◀ آشنایی با فرزندگان بابل در سه قرن اخیر (۱۳۷۷ش)

برحسب تاریخی که از کتیبه محراب «مسجد محدثین» بابل معروف به «مسجد مقبره» به دست می آید؛ این مسجد در زمان حیات آن بزرگوار (مقصود ملانصیرا است) و به دستور حضرت ولی عصر (عج) بنا گردید و سرپرستی و اتمام ساختمان مسجد با نظر مستقیم و نظارت ملا نصیرا (ره) بوده است و صورت کتیبه

---

۱- مأخوذ از پاورقی کتاب جزیره خضراء و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا، نویسنده: ناجی النجار، ترجمه و تحقیق: علی اکبر مهدی پور، موسسه انتشارات رسالت، چاپ، ۱۲ تابستان ۱۳۸۲ش، قم، ص ۱۷۳

۲- فرزندگان مازندران، گلبرار ریسی آتنی، ناشر: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران، چاپ اول، ۱۳۷۷ش، ص ۲۴۷



چنین است: «لقد أمر الشمس الخفی خاتم المعصومین ببناء هذا و سماه بمسجد  
المحدثین شهر النبی شعبان المعظم ۱۱۳۶» (یعنی: خورشید پنهان و خاتم  
معصومین امام زمان (عج) به ساخت این ساختمان امر فرموده و نام آنرا «مسجد  
محدثین» نهاد. ماه رسول اکرم (ص)، شعبان المعظم ۱۱۳۶)<sup>۱</sup>

### ◀ بابل سرزمین طلای سبز (۱۳۷۸ش)

«مسجد محدثین در مرکز شهر بابل و در یکی از محله های قدیمی به نام  
«افرادارین» قرار دارد. بر سر در «مسجد محدثین» کتیبه ای سنگی به این مضمون  
نوشته شده است: «لقد أمر الشمس الخفی خاتم المعصومین ببناء هذا و سماه  
بمسجد المحدثین کتبه العبد نعمت الله ابن الجعفر شهر شعبان النبی ۱۱۳۶».  
کتیبه ای به همین عبارت قبلاً در داخل شبستان مسجد نصب شده بود که به  
صورت گچی و در بالای محراب مسجد قرار داشت و زیر آن نوشته شده بود:  
«محمد هادی قزوینی». این کتیبه گچی در تعمیرات مسجد از بین رفته است. این  
مسجد تاکنون چند بار مورد تعمیر و مرمت قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

۱- آشنایی یا فرزندگان بابل در سه قرن اخیر، صص ۱۱-۱۲

۲- بابل سرزمین طلای سبز، صمد صالح طبری، انتشارات فکر روز، چاپ تهران، ۱۳۷۸ش، صص ۲۳۹-۲۴۰

◀ دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی ۳/ (۱۳۷۹ ش)

مؤلفین کتاب، مطلب مورد نظر را از کتاب «از آستارا تا استارباد» اخذ کرده اند.<sup>۱</sup>

◀ راهنمای جامع ایرانگردی - استان مازندران (۱۳۷۹ ش)

-مسجد محدثین (شیخ کبیر) بابل

«این بنا در محله «طوقداربن» واقع شده و در سال ۱۱۳۶ هـ ق توسط شخصی به نام

«ملا نصیر» ساخته شده است. این مسجد حیاطی وسیع و شبستانی بزرگ دارد و بر

بالای محراب آن سه کتیبه گچبری به تاریخ ۱۱۳۶ هـ ق دیده می شود. در دوره

اخیر آنرا باز سازی و تعمیر کرده اند.»<sup>۲</sup>

چنانکه ملاحظه شد در این کتاب به دستور بنای مسجد توسط حضرت ولی عصر

(عج) اشاره ای نشده است.

---

۱- دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی ۳/، کاظم ملازاده و مریم محمدی، ناشر: حوزه هنری سازمان

۲- راهنمای جامعه ایرانگردی استان مازندران، ص ۹۸

◀ بابل شهر بهار نارنج (۱۳۷۹ ش)

در این کتاب در بخش (ادبیات، هنر، و فرهنگ عامه) در ترجمه «ملانصیرای بابلی» آمده است:

«مسجد محدثین در مرکز شهر بابل در محله قدیمی «افراداربن» به کوشش او بنا گردید.»<sup>۱</sup>

و در بخش (آثار و بناهای تاریخی) ذیل مبحث «مسجد محدثین» چنین آورده اند:

«در ۱۱۳۶ توسط ملانصیرا ساخته شد و مقبره وی نیز در آن قرار دارد و در پشت «طوقداربن» است.»<sup>۲</sup>

در این کتاب که محصول تحقیقات گروه مؤلفان و محققان بابل شناس است به دستور و امر حضرت ولی عصر (عج) به بنای این مسجد اشاره ای نشده است!!!

◀ بابل (شهر زیبای مازندران) (۱۳۷۹ ش)

در جنب مقبره [ملانصیرا] مسجدی وجود دارد به نام «مسجد المحدثین» و در بالای محراب مسجد، سه کتیبه گچی تقریباً سالم، دیده می شود.

---

۱- بابل شهر بهار نارنج، ص ۲۲۲

۲- پیشین، ص ۵۱۹

سواد یکی از کتیبه ها که در قسمت فوقانی محراب قرار دارد: «عمل محمد هادی قزوینی» و سواد کتیبه دیگر که در وسط محراب و پایین تر از کتیبه اولی قرار دارد: این است: «شهر شعبان النبی ۱۱۳۶».

این تاریخ می رساند که ساختمان مسجد در آخر عصر صفویه یک سال بعد از سقوط «سلطان شاه حسین»<sup>۱</sup> در ۱۱۳۵ ق به اتمام رسیده<sup>۲</sup> و بنای مسجد در آن زمان می زیسته است. صورت کتیبه سوم که آن هم در بالای محراب ولی اندکی پایین تر از کتیبه دوم قرار دارد: این است: «لقد امر الشمس الخفی خاتم المعصومین ببناء هذا و سماه بمسجد المحدثین کتبه العبد نعمت الله بن الجعفر» (خورشید پنهان خاتم معصومین امام زمان (عج) به بنای این ساختمان امر فرمود و نام آنرا مسجد محدثین نهاد)<sup>۳</sup>

۱- پادشاه رسمی سلسله صفویه، (جلوس: ۱۱۰۵، خلع: ۱۱۳۵هـ ق) مردی ضعیف النفس و موهوم پرست بود و با رنجاندن پیروان ادیان مختلف مانند عیسویان و زردشتیان و نزاع شیعه و سنی موجب ضعف سلطنت صفوی گردید. (فرهنگ معین ج ۵ (اعلام) ص ۴۶۲)

۲- سال کتیبه ۱۱۳۶ است.

۳- بابل (شهر زیبای مازندران)، ص ۵۰۰

◀ تراجم الرجال/۳ (۱۴۲۲ ق)

در این کتاب به ترجمه ملا نصیرا اشاره شده و مؤلف آن کتیبه محراب را در بعضی از مخطوطات دیده که متأسفانه به آنها اشاره ای نکرده است و متنی را از «ابن عبدالله محمد الاشرقی» نقل می‌کند<sup>۱</sup> که سواد همین کتیبه معروف است و تاریخ کتابت آن ۱۲۳۵ می باشد که قطعاً تاریخ قمری است.

عجیب آنکه در حدود ۱۲۳۵ ق، «ابن عبدالله محمد الاشرقی» کتیبه را به چشم خود دیده (لقد رأیت هذا ببصری) و همان کتیبه معروف «لقد امر الشمس الخفی...» را یاد آور شده است. چنانکه در طبقات اعلام الشیعه، شیخ آغا بزرگ نیز از شخصی در همان حدود زمانی به نام «الحسن نهمنی الجیلانی» (متوفی سال ۱۲۴۵ق) یاد کرده که در کتاب خود موسوم به «ارشاد المتعلمین» این مسجد و مقبره را به چشم خود دیده (انی رأیت مقبرته و مسجده)<sup>۲</sup> لکن کتیبه را آنگونه که در مبحث «طبقات اعلام الشیعه» ذکر کردیم به گونه ای دیگر روایت کرده است و در آن از حکم

---

۱- و من آثاره بها «مسجد المحدثین» و قبره الان موجود فی حجره فی صحن هذا المسجد جاء فی بعض المخطوطات (؟؟؟) مانصه «لقد امر الشمس الخفی خاتم المعصومین علیه السلام ببناء هذا و سماه مسجد المحدثین» [در اصل کتیبه بمسجد المحدثین است]. لقد رأیت هذا ببصری فی کتیبه بعض مساجد بار فروش المازندران البانی لذلك البعض بامر خاتم المعصومین (علیه السلام)... (تراجم الرجال سید احمد حسینی اشکوری)، دوره چهار جلدی، ج ۲، صص ۴۱۰-۴۱۱

۲- طبقات اعلام الشیعه (القرن ۱۲)، ص ۱۳۰

و جوب نماز جمعه به دستور امام زمان (عج) خطاب به بانی مسجد نیز یاد کرده است. البته ما اشاره کردیم احتمالاً نقل یک مضمون یا آنکه کتیبه دیگری بوده و از بین رفته است. والله اعلم بحقایق الامور.

### ◀ ماهنامه خورشید مکه / ۶ (۱۳۸۱ش)

در گزارشی کوتاه با عنوان «کوی محبوب، مسجد محدثین یا جمکران ثانی» راجع به این مسجد چنین آمده است:

«یکی از مساجد قدیمی شهر بابل که در وسط شهر و در کنار «محلّه گلشن» بنا شده و حدود سه قرن قدمت دارد؛ «مسجد مقبره» معروف به «مسجد المحدثین» می باشد. بر اساس تحقیقات حاصله و شواهد موجوده، مرحوم آیت الله «محمد نصیر» معروف به «ملانصیرا» از علما و زهاد عصر خویش (قرن ۱۲ هجری) و صاحب تألیفات، فضائل، کرامات و معنویات زیادی بوده که خدمت امام زمان (عج) مشرف شده و حضرت به ایشان امر فرمود که در این مکان فعلی، مسجدی بنا کند و نام «محدثین» (روایت کنندگان حدیث) را بر آن بگذارد.<sup>۱</sup>

۱- مجله فرهنگی اعتقادی- اجتماعی خورشید مکه ۶- رجب و شعبان ۱۴۲۳ق- مهر و آبان ۱۳۸۱ش. گزارشی از محسن دره گیرایی، ص ۴۱

◀ خورشید پنهان (۱۳۸۴ش)

کتابچه ایست که اخیراً در بابل به چاپ رسیده و راجع به این مسجد، مطالبی را ذکر نموده که به همت امام جماعت جدید این مسجد تنظیم شده که چند ماهی است به این مقام منصوب شده اند. ما در این کتاب از برخی مطالب آن استفاده کرده ایم.<sup>۱</sup>

■ برخی منابع که به این مسجد اشاره نکرده اند:

بعنوان پژوهشگر این مسجد، لازم دانستیم این موارد را نیز ذکر کنیم و اشاره به آنها را خالی از فائده نمی دانیم:

◀ در کتاب «مرآة البلدان» (اعتماد السلطنه) از آثار دوران قاجاریه راجع به شهر بار فروش (بابل) چنین آمده است:

«شهر بارفروش شهر عظیمی است... مدارس متعدده در بار فروش است به خصوص مسجد و مدرسه «میرزا شفیع»<sup>۲</sup> صدراعظم مرحوم که معروف است.<sup>۱</sup>

---

۱- خورشید پنهان، حجه السلام و المسلمین عسکر نصیرایی، انتشارات مبعث، بابل، ۱۳۸۴ش

۲- میرزا شفیع مازندرانی از رجال نیمه اول قرن ۱۲ هـ ق فتحعلی شاه صدارت خود را پس از حاجی ابراهیم بدو محول کرد. (فرهنگ معین، ج ۵، ۹۰۶)



چنانکه ملاحظه شد به مسجد مقدس محدثین اشاره نشده و در نزد مولف، مسجد میرزا شفیع، صدر اعظم فتحعلیشاه از شهرت بالاتری نسبت به مسجد محدثین که حضرت صاحب الامر به بنای آن امر فرموده اند؛ برخوردار بوده که آنرا متمایز کرده است.

◀ صاحب «مرآة البلدان» در سنه ۱۲۹۲ق، سفری به همراه «ناصر الدین شاه»<sup>۱</sup> به شهر بارفروش داشته حتی در آن سفر نیز «مسجد محدثین» در نظرشان یا نیامده یا جلوه خاصی نداشته است.<sup>۲</sup>

در «سفرنامه مازندران» ناصر الدین شاه که به قلم خودش است؛ آمده: «بار فروش حمام های خوب و مساجد عالی دارد...»<sup>۳</sup>

با این حال از مساجد آنجا به مسجد محدثین به طور اختصاصی اشاره ای نشده و آنرا در صورت علم، متمایز ننموده است.

---

۱- مرآة البلدان، محمد حسن خان اعتماد السلطنه (وفات ۱۳۱۳ق) به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۲۵۷

۲- پسر محمد شاه و چهارمین پادشاه از سلسله قاجار، (ولادت: ۱۲۴۷هـ-ق، جلوس: ۱۲۶۴ وفات: ۱۳۱۳ق) (فرهنگ معین، ج ۶، ص ۲۰۹۳-۲۰۹۴)

۳- مرآة البلدان، ص ۲۵۸

۴- سفرنامه مازندران بقلم ناصر الدینشاه به نقل از: مرآة البلدان ص ۲۶۴

◀ در دو کتاب «تاریخ مازندران»<sup>۱</sup> و «دانشمندان و رجال مازندران»<sup>۲</sup> از آثار سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۳ شمسی نیز به «مسجد محدثین» بعنوان یک اثر تاریخی از «ملانصیرا» بعنوان دانشمند و رجل نامور مازندران یاد شده و این موضوع تاریک و مبهم مانده است. آنچه پیداست محققان مازندرانی هم نتوانستند آنطور که باید و شاید حق مطلب را حتی به اندازه مختصری ادا نمایند و از آن غفلت کرده‌اند.

◀ در کتاب «بابل شهر بهار نارنج» که تألیف گروه مؤلفان و محققان بابل شناس است چنانکه در مبحث پیشین اشاره کردیم به دستور حضرت مهدی (عج) در ایجاد این مسجد، اشاره ای نکرده‌اند و آنرا متمایز ننموده‌اند.<sup>۳</sup>

◀ در کتاب «سیمای میراث فرهنگی مازندران»<sup>۱</sup> که تحت نظارت «میراث فرهنگی» تنظیم شده فقط به مسجد جامع بابل به عنوان یک جاذبه گردشگری یا

---

۱- تاریخ مازندران، اسماعیل مهجوری، چاپ اثر، ساری، چاپ اول، تیر ماه ۱۳۴۵ش

۲- دانشمندان و رجال مازندران، اسماعیل مهجوری، بکوشش هدایت الله مهجوری، چاپ شرق، ۱۳۵۲ش

۳- متأسفانه این کتاب که تحقیق مجموعه ای از مؤلفین و محققین بابل شناس می باشد در آن اشاره ای به دستور حضرت ولی عصر نشده تا آنجا که اصل را نادیده گرفته و در ص ۲۶۴ راجع به کتیبه مسجد آورده‌اند: «دو کتیبه گچ بری بر بالای محراب مسجد محدثین (شیخ کبیر) واقع در محله طوق داربن اثر محمد هادی قزوینی مورخ ۱۱۳۶ هـ ق و کتیبه دیگری در همین مکان اثر نعمت الدین جعفر و دو کتیبه سنگی به خط نستعلیق مورخ ۱۱۶۹ هـ ق و ۱۱۷۰ هـ ق». لازم به ذکر است نعمت الدین جعفر اشتباه است و سواد کتیبه که شامل دستور امام عصر (عج) می باشد؛ قید و لحاظ نشده است و فقط به نام کاتب آن! و آن هم اشتباه بسنده کرده‌اند !!!

مذهبی اشاره شده و از مسجد مقدس محدثین که به امر و اشاره حضرت ولی عصر (عج) بنیان یافته یادی نشده تا چه رسد به آنکه آنرا برجسته یا متمایز نماید. حال آنکه در آینده این مسجد از بعضی مکانها و ابنیه تاریخی بیشتر جذب گردشگر و زائر مذهبی خواهد نمود. (انشاء الله)

◀ در کتاب «گنجینه دانشمندان» در ذیل مبحث مساجد و مزارات بابل به ۲۳ مسجد با ذکر اسامیشان پرداخته<sup>۲</sup> اما با کمال تعجب از مسجد محدثین که از بعضی مساجد یاد شده قدیمی تر و به تخصیص از امر حضرت ولی عصر (عج) بنیان یافته؛ یادی نشده است.

در ذیل بقاع<sup>۳</sup> بابل نیز از علمای جدید یاد شده لکن از بقعه ملانصیرا ذکری به میان نیامده است. مثلاً از شیخ کبیر که همجوار ملانصیرا مدفون شده؛ یادی به عمل آمده اما از ملانصیرا صاحب اصلی مقبره، ذکری و یادی نشده است که گواهی دیگر بر مهجوریت و غربت ملانصیرا و مسجد مقدس محدثین دارد.

---

۱- سیمای میراث فرهنگی مازندران، شهربانو وفایی، ناشر: اداره کل آموزش انتشارات و تولیدات فرهنگی، چاپ بهار، ۱۳۸۱ش

۲- گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۱۵۸

۳- پیشین، ج ۲، ص ۱۵۹، به بعد (البته در ذیل بقعه شیخ کبیر به مقام صاحب الزمان اشاره شده (ص ۱۶۲) لکن آنطور که باید و شاید حق مطلب ادا نشده است.)

◀ در کتاب «یادگارهای دینی و تاریخی باستانی مازندران» به بعضی گورها و امامزاده ها در بابل اشاره شده<sup>۱</sup> اما بر روی مقبره قدیمی ملانصیرا و مسجد محدثین پرداختی صورت نگرفته حال آنکه از «مسجد جامع» و «مسجد کاظم بیک» ذکری به میان آمده لکن از مسجد محدثین که به دستور حضرت ولی عصر (عج) بنا شده یادی نشده و آنرا تخصیص نکرده اند. سوال اینجاست: این مسجد و مقبره بزرگ در دل شهر بابل و در مرکز این شهر آیا یادگار دینی و تاریخی نیستند؟! یا آنکه به چشم نمی آیند؟!!!

◀ در کتابچه «مازندران» نیز از مسجد جامع بابل و بقعه آستانه<sup>۲</sup> یادی به عمل آمده لکن از مسجد مقدس محدثین و بقعه ملانصیرا یادی نشده است که همه و همه گواه غربت و مهجوریت مسجد، ملانصیرا و حضرت صاحب الزمان (عج) می باشد.

۱- یادگارهای دینی و تاریخی باستانی مازندران، سید حسین حجازی، ناشر: انجمن خدمات فرهنگی ایرانیان خارج از کشور، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۲، صص ۵۱-۶۰

۲- مازندران، وحید ریاحی، دفتر پژوهشهای فرهنگی تهران، ۱۳۸۰ش، ص ۷۹

### ■ بررسی کتیبه ها

کتیبه ها به سه دسته تقسیم می شوند:

کتیبه های اطراف مقبره و کتیبه های اطراف مسجد و کتیبه های پیرامون محراب.

کتیبه های اطراف مقبره و اطراف مسجد در تصویر آمده است و از سال بنا یا تعمیر

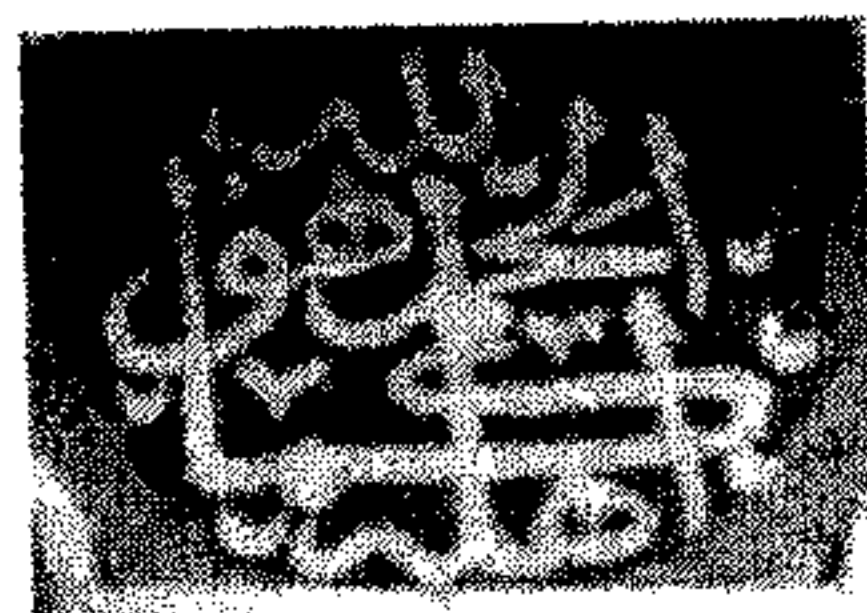
مقبره حکایت می کند. (۱۲۹۵ هـ. ق)



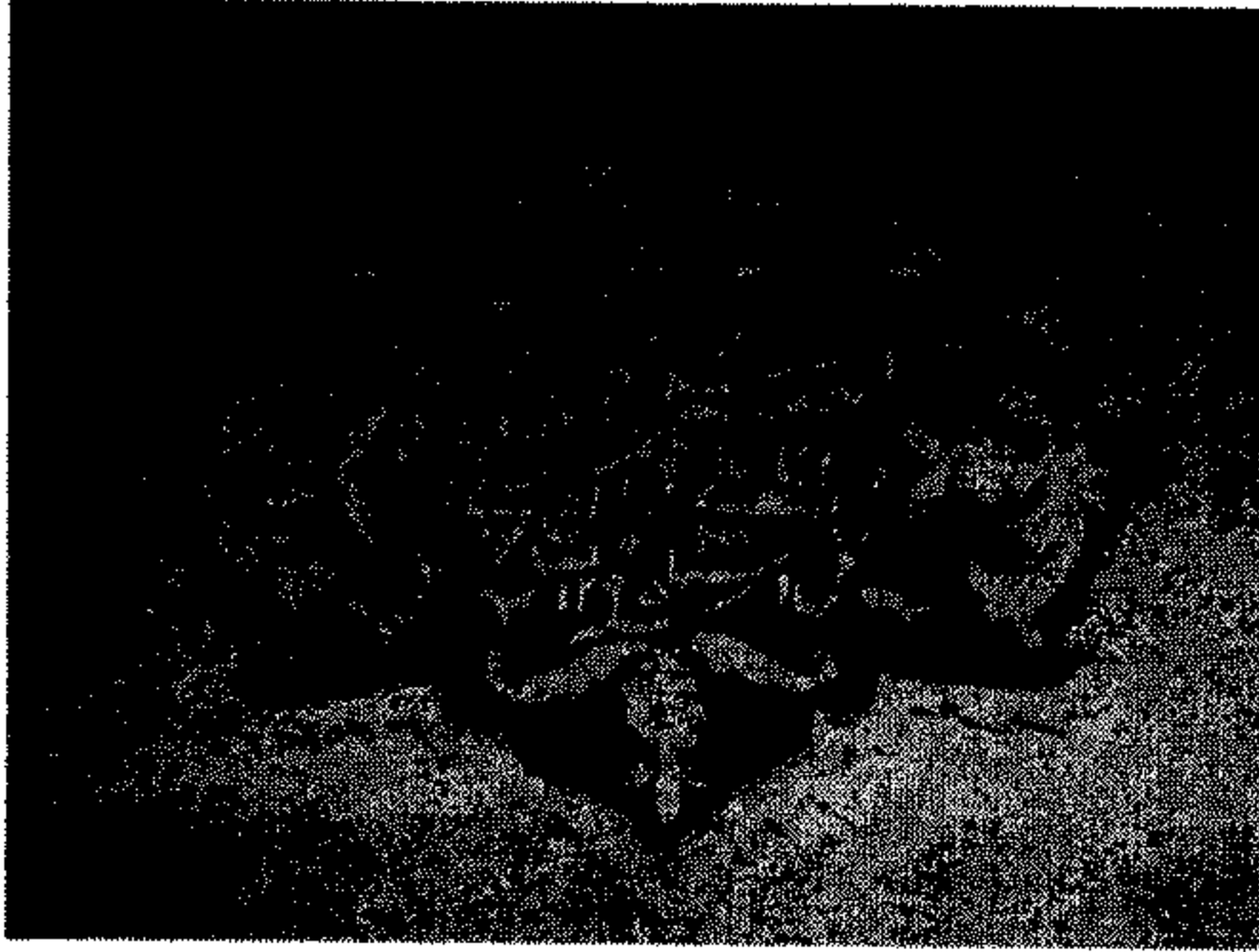
تصویر ۷- کتیبه لقد امر...



تصویر ۹- کتیبه ای که به ماه و سال ایجاد بنا  
(شعبان ۱۱۳۶) اشاره دارد.



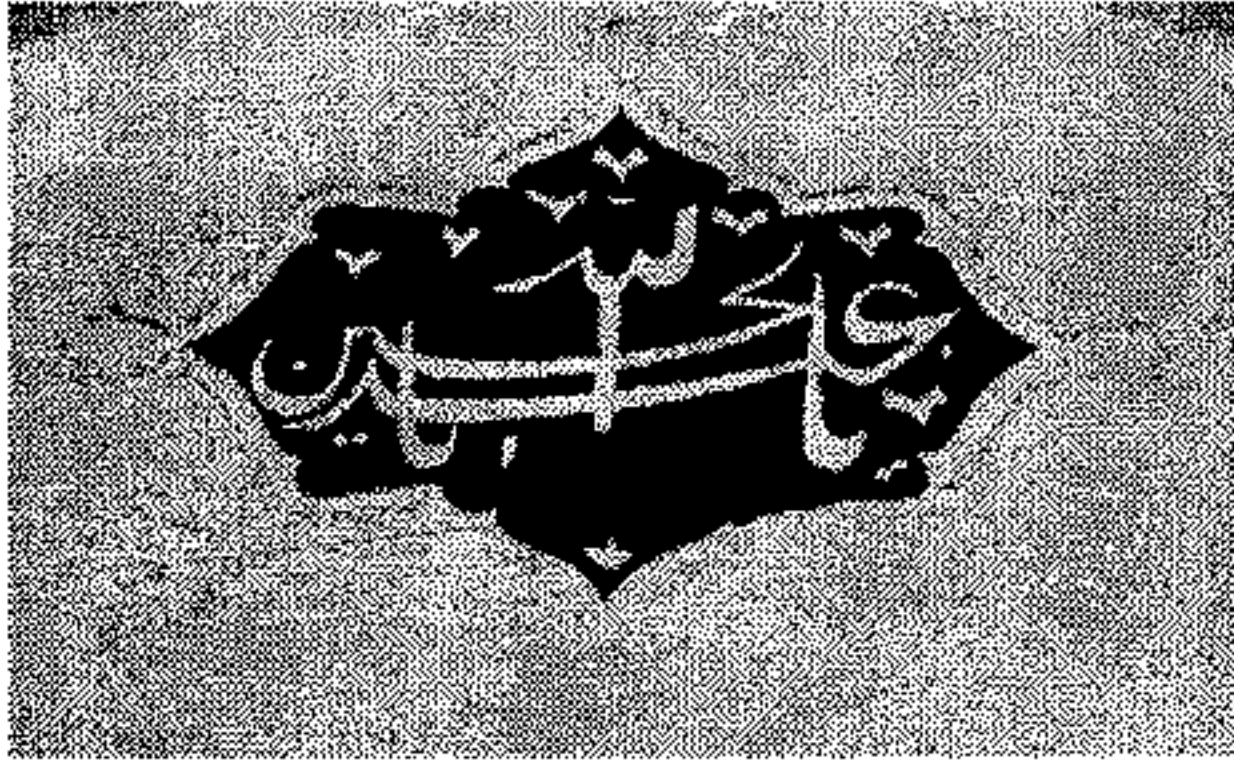
تصویر ۸



تصویر ۱۰- کتیبه ای که به سال ترمیم بنا (۱۲۹۵) و اسامی استادکاران اشاره دارد. (ایوان مقبره)



تصویر ۱۱- کتیبه انا فتحنا . . . (ایوان مقبره)



تصویر ۱۲- کتیبه یا اباعبدالله . . . (ایوان مقبره)



تصویر ۱۳- کتیبه نصر من الله . . . (ایوان مقبره)

اما کتیبه های پیرامون محراب: این کتیبه ها جدید ساخته شده اند و شاخص آنها کتیبه معروف «لقد امر الشمس الخفی خاتم المعصومین ببناء هذا و سماه بمسجد المحدثین» است.

چند نکته مختصر راجع به متن کتیبه فوق وجود دارد که تذکر داده می شود:

۱- «الشمس الخفی» به معنای (خورشید پنهان) می باشد و رمز گونه اشاره ای به حضرت مهدی (عج) دارد و معروف است که اگر کلام یا نوشتار سرشار از کنایات و استعارات باشد؛ نشانی از فصاحت صاحب کلام یا نوشتار است. از متن فوق چنین استنباط می شود که آورنده آن انسان اهل علم و با معلوماتی بوده است چنانکه شهرت دارد این متن را منسوب به «ملانصیرا» می دانند و به خوبی پیدا است که متن نمی تواند از ناحیه یک نفر از عوام صادر شده باشد بلکه کسی بوده که به لغت عربی آگاهی کامل داشته و با صناعات لفظی آن نیز آشنا بوده است.

۲- ترکیب «الشمس الخفی» برگرفته از روایات می باشد. در روایتی منسوب به حضرت مهدی (عج) راجع به شخصیتشان آمده است: «... و أما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالانتفاع بالشمس إذا غیبتها عن الابصار السحاب»<sup>۱</sup> (... واما وجه انتفاع از من در غیبتم، آن مانند انتفاع از خورشید است چون ابر آن را از دیدگان پنهان سازد.) به خوبی از این ترکیب و روایت فوق برداشت می شود

---

۱- کمال الدین و تمام النعمه، محمد ابن علی ابن بابویه القمی (شیخ صدوق)، مؤسسه النشر الاسلامی، التابعه لجماعه للمدرسين بقم المقدسه، (الجزء الاول والثانی) دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ هـ.ق، ج ۲، باب ۴۵، ص ۴۸۵



صاحب متن با روایات آشنایی کامل داشته و این با شخصیت ملانصیرا که  
مشی اخباری داشته؛ سازگاری دارد.

۳- «خاتم المعصومین» ترکیب دیگری است که باز حالت مستتر و در پرده دارد  
و به معنی (آخرین معصوم) یعنی حضرت مهدی (عج) است و این نشان از  
فصاحت کلام صاحب متن دارد که چنین تعابیر لطیف و شیوایی از شخصیت  
حضرت حجت (عج) ارائه نموده است و چنانکه در ابتدای بحث آوردیم به  
خوبی نمایان می سازد که این متن از ناحیه یک عالم متبحر صادر شده که با  
صناعات لفظی و لغت عربی آشنایی کامل داشته و این موارد با شخصیت  
ملانصیرا سازگاری دارد.

۴- لزوم استفاده از «لقد» در دستور عربی جهت تأکید است و در اینجا بر سر فعل  
«أمر» آمده؛ که به معنای «محققاً» و «به تحقیق» می باشد. یعنی: محققاً و به  
تحقیق خورشید پنهان و آخرین معصوم به بنای این مسجد امر فرمودند. یعنی  
جای هیچ شک و ریبی وجود ندارد که این مسجد به دستور امام زمان (عج)  
ساخته شده است. از کتیبه معلوم نمی شود که این امر حضرت ولی عصر  
(عج) در بیداری بوده و یا در خواب. چه بسا بتوان استنباط کرد که «لقد أمر»

و تأکید آن اشاره به یک رؤیت در بیداری دارد که فاقد شک و ریب است. و  
 الله أعلم....

### ■ چگونگی بنای مسجد به دستور حضرت ولی عصر (عج)

آنچه راجع به کیفیت بنای مسجد محدثین وجود دارد یک عده اطلاعات غیر  
 مستند و شفاهیست و به اشکال متفاوت بیان می شود و اصل ماجرا مرموز و در  
 حاله ای از ابهام است مگر آنکه سند مستدل و متقنی با تفحص بیشتر پیدا گردد.

◀ صاحب کتاب «از آستارا تا استارباد» ۴/ (چاپ ۱۳۶۶) قضیه را اینگونه روایت  
 کرده است: «عبارت قسمت آخر کتیبه یاد آور این امر است که قبله این مسجد با  
 هیچ محاسبه ای راست در نمی آمده است. ملانصیرا در عالم شهود یا در عالم خفا  
 حضرت ولی عصر امام زمان را دیده و او دستور ساختن محراب را به وضع  
 موجود داده است و ظاهراً نام این مسجد را نیز امام زمان بدان داده است.»<sup>۱</sup>

◀ صاحب کتاب «بابل سرزمین طلای سبز» (چاپ ۱۳۷۸) قصه را این گونه نقل  
 می نماید:

---

۱- از آستارا تا استارباد، ج ۴، ص ۲۴۷، روایت بر اساس فرهنگ شفاهیست و مستند نمی باشد با توجه به  
 ظواهر امر و فقدان منابع دلیلی هم بر رد آن نیست.

«می گویند: ملانصیرا شبی در خواب؛ حضرت ولی عصر (عج) را خواب نما می

شود و مسجد محدثین را ایشان به امر حضرت امام زمان (عج) بنا می کنند»<sup>۱</sup>.

اما در جایی دیگر نویسنده کتاب، ذیل مبحث مسجد محدثین روایت را از کتاب

بالا نقل می کند که با گفتار دیگر او اندکی تفاوت دارد.<sup>۲</sup>

◀ صاحب کتاب «خورشید پنهان» (چاپ ۱۳۸۴) اینچنین روایت می کند:

« در کتابهای تاریخ مازندران و تراجم علماء در کیفیت بنای این مسجد اشاره نشده

است و لیکن بنا بر نقل کهنسالان از مؤمنین و بعضی از علمای این شهر که این

مطلب سینه به سینه تاکنون نقل شده است؛ شرح بنای این مکان مقدس را چنین

بیان می کنند: «شبی درب منزل عالم ربانی، مرحوم ملانصیرا به صدا در می آید و او

در را باز می کند و شخصیتی بزرگوار و با عظمتی را می بیند که از او می خواهد؛

همراه وی بیاید. او نیز امثال می کند و با هم به راه می افتند تا به این مکان می

رسند و حضرت به ایشان امر می کند که در این مکان مسجدی بنا کند نام آن را

«محدثین» بگذارد. آن شخص بر سر چاهی در این مکان می ایستد و آب چاه بالا

۱- بابل سرزمین طلای سبز، ص ۲۳۹ روایت خواب نمای مذکور نیز بر گرفته از فرهنگ شفاهیست و مستند نیست. صاحب کتاب نیز به منبعی اشاره نکرده که غیر مستند بودن آنرا نشان می دهد. لازم به ذکر است صاحب کتاب فوق زندگی علمای بابل را با استفاده از دست نوشته های آقای (حاج محمد صادق اکبرین) تهیه و تنظیم نموده است. (پاورقی همان، ص ۲۳۹)

۲- پیشین، ص ۲۱۲، منقول از: آستارا تا آستارباد

می آید و وضو می سازد و مرحوم ملانصیرا نیز از آن چاه، وضو می گیرد و در نماز به آن شخصیت والا مقام اقتدا می کند و هنگامی که سر از سجده آخر نماز بر می دارد؛ آن شخصیت را نمی بیند و می فهمد که او مولای انس و جان حجت ابن الحسن امام زمان (عج) بود و بعد متوجه هلالی از خشت چیده شده [می شود که آن] را در گوشه ای [از] آن زمین می بیند که از قبل نبود و حکایت از محراب و قبله می کند و بعد ایشان دستور دادند در همان مکان محراب بسازند. این محراب مبنای قبله مردم شهر بابل گردید.

آن مرحوم در این ملاقات یا در تشریف دیگر این دستور ولایی را چنین بیان می کند که به صورت کتیبه های بر روی محراب مسجد نقش بسته است: «لقد امر الشمس الخفی خاتم المعصومین ببناء هذا و سماه بمسجد المحدثین (یعنی: به تأکید آن خورشید پنهان، آخرین معصوم به ساختن این مکان امر فرمود و آنرا مسجد محدثین نامید).»<sup>۱</sup>

#### ■ اسامی مختلف مسجد

این مسجد به اسامی و نامهای متفاوت خوانده می شود:

---

۱- خورشید پنهان، صص ۲۱-۲۲، روایات مستند نیست لکن نفی کننده امر حضرت ولی عصر (عج) در بناء مسجد مزبور نیز نمی باشد.

### ◀ مسجد مقبره

از آن جهت به این مسجد مسجد مقبره اطلاق می شود که قبور دو عالم برجسته «ملا نصیرا» و «شیخ کبیر» در مجاور این مسجد قرار دارد.

### ◀ مسجد شیخ کبیر

در بعضی منابع به این نام نیز خوانده شده است<sup>۱</sup>.

### ◀ مسجد جمکران مازندران

«جمکران» در یک فرسخی «قم» از یمن عنایت حضرت مهدی صاحب مسجدی می باشد<sup>۲</sup> که در سال ۳۹۳ق به دستور حضرتش و با تلاش «حسن ابن المثلثه الجمکرانی» بنا شده است و میان مساجدی که منتسب به حضرت مهدی (عج) می باشد از شهرت و معروفیت و جایگاه خاصی برخوردار است. از این رو در مقام قیاس این مسجد را مسجد جمکران مازندران یا «جمکران ثانی» نیز می گویند که

---

۱- در بعضی منابع «مسجد شیخ کبیر» نامیده اند مانند: از آستارا تا استارباد، ج ۲، ص ۲۴۷، دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، ج ۲، ص ۲۲۷، راهنمای جامع ایرانگردی استان مازندران، ص ۹۸ و نظایر اینها ...

۲- مسجد جمکران در نزدیکی شهر قم در سال ۳۹۲ هـ ق به دستور حضرت ولی عصر (عج) و توسط حسن ابن المثلثه الجمکرانی بنا شد. (جبه الماوی من فاز بقاء الحجه (علیه السلام) او معجزته فی الغیبه الکبری) تألیف: میرزا حسین الطبرسی النوری، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۸ هـ ق، ص ۲۳۰ ج ۵۲ بحار الانوار مجلسی. حضرت مهدی (عج) به مساجد سهله، زید، صعصعه و کوفه در عراق و مسجد الحرام و مسجد النبی نیز عنایت خاص دارند. مسجد المحدثین آداب خاصی ندارد مگر ۲ رکعت نماز تحیت و نماز صاحب الزمان که آن را در همه مساجد میتوان به جا آورد.

البته زیاد مصطلح نیست بعضی هم معتقدند که نباید چنین نامی به این مسجد اطلاق شود چون این مسجد جایگاه خاص خود را دارد.

### ◀ مسجد المحدثین (مسجد محدثین)

عموماً کسی نمی داند که چرا نام این مسجد، «محدثین» است. محدثین در لغت به معنی روایت کنندگان حدیث از پیامبر یا ائمه معصومین می باشد.

نکته جالب توجه این است که این مسجد تنها مسجدی است که امام زمان (عج) مستقیماً برای آن نام انتخاب کرده اند و این از کتیبه برداشت می شود: «... و سماه مسجد المحدثین» که در نوع خود جالب و بی نظیر است.

ر. گزارش چاپ شده در مجله «خورشید مکه» به مطلبی تذکر داده شده است که حالی از اشتباه نیست.<sup>۱</sup> آنجا ذکر شده: «در مورد نام محدثین و ارتباط آن با نام قدس امام زمان (عج) نسبت‌هایی وجود دارد که طبق حروف ابجد<sup>۱</sup> چنین است:

---

- برای مثال در این گزارش (ص ۴۲) آمده: «مرحوم آیت الله شیخ محمد حسن مازندرانی معروف به شیخ کبیر اگر مرحوم ملانصیرا... این در حالی است که یک سطر بالاتر سال وفات ملانصیرا را ۱۱۶۰-۱۱۵۰ قمری زارش کرده است و در آخر پاراگراف مربوط به شیخ کبیر سال وفات ایشان را ۱۳۴۵ق آورده است. مع نصف شاگری شیخ کبیر در محضر ملانصیرا غیر واقعی است و منشأ این گزارش غلط، تابلویی است که خصی به نام «دکتر طبری پور» بالای مقبره شیخ کبیر قرار داده و در آنجا به این امر اشاره کرده و صاحب ارش هم بدون تحقیق آنرا گزارش نموده است. این یک اشتباه فاحش است هر چند در همان تابلو اساتید شیخ بر را ذکر کرده است. این اشتباهات مبین این نکته است که بابلیهادر شناخت مفاخرشان با مشکل روبرو ستند خصوصاً فرهیختگانی همچون دکتر طبری پور (استاد دانشگاه) که جای تأسف دارد. ←

المحدثین = یا حجه ابن الحسن ۶۴۳

مسجدالمحدثین = الموعود ابن الحسن العسكري ۷۵۰

مسجد المحدثین الطهر فی بابل البقعه المازندرانیه = م ح م د ابن الحسن ابن علی

ابن محمد ابن علی ابن موسی ابن جعفر ابن محمد ابن علی ابن الحسین بن علی

ابن ابیطالب<sup>۲</sup>

اولاً: طبق تحقیقی ما انجام دادیم این مطلب را از متنی که یک نفر در مسجد نوشته

بوده و آنجا قرار داده؛ گزارش کرده اند و منسوب به صاحب گزارش نیست.

ثانیاً: این مطلب اشتباه است چرا که «المحدثین» با عبارت مقابله طبق حساب

جمله برابری ندارند. «المحدثین» ۶۴۳ و عبارت مقابله ۲۲۸ است و «مسجد

المحدثین الطهر فی بابل البقعه المازندرانیه» به حساب جمله برابر ۱۷۲۷ است این

در حالی است که عبارت متساوی (البته به ظاهر متساوی آن)، ۲۱۳۰ می شود که

← (ر. ک: گزارش خورشید مکه ۶، ص ۴۵) و همینطور گزارش کرده: حجه الاسلام عسکری نصرایی

[عسکر نصرایی] سالها در این مسجد اقامه جماعت فرموده اند (پیشین، ص ۴۲)، که مطلب صحیحی نیست و

ایشان جدیداً و در حدود تابستان ۱۳۸۴ ش به این مقام منصوب شده اند.

۱- حروف ابجد و به طور کل حساب ابجد (جمله) بحث مفصلی را طلب می کند اما به طور خلاصه یعنی تبدیل

حروف به اعداد یعنی هر حرفی متناظر خود عددی دارد که از مجموع آنان مطلوبی مدنظر است.

۲- خورشید مکه، ص ۴۲، متأسفانه این مطلب هم اشتباه است و کمکی به نفع حقیقت نمی کند.

این نابرابریست و ناصحیح است. گذشته از اینکه صاحب متن موجود در مسجد، عبارت متساوی را ۲۱۲۲ محاسبه کرده که غلط اندر غلط است.

معلوم نیست چه کسی و با چه نیتی این کار را انجام داده ولی مطلب به هر حال اشتباه است. به نظر مؤلف این کتاب از آنجا که «مسجد مقدس محدثین» بابل تنها مسجدی است که این افتخار را دارد که از جانب حضرت مهدی (عج) به نام محدثین نامگذاری شده است؛ پسندیده تر آن است که راز نام آنرا در بین اخبار و روایات جستجو شود.

با غور و جستجو این مطلب برای ما آشکار می شود که حدیثی وجود دارد که می تواند راهگشای این راز باشد و جالبتر آنکه حدیث، منسوب به حضرت ولی عصر (عج) نیز هست. ایشان فرموده اند:

«... و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله علیهم»<sup>۱</sup>

(... و اما حوادث واقعه (یعنی اتفاقاتی که برای انسان در طول زندگی رخ می دهد و محتاج به رجوع به عالم و کارشناس مسائل دینی است) درباره آن مسائل به

۱- کمال الدین، ج ۲، باب ۴۵، ص ۴۸۴، (ذکر التوفیعات الواردة عن القائم (عج))



راویان حدیث ما «رواه حدیثنا» (محدثین) رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند و من نیز حجت خدا بر آنها هستم).

آری، آنچه علی التحقیق در این جستار می توان اظهار داشت این است که حدیث مزبور به مسئله «محدثین» در جامعه اسلامی و جایگاهشان تذکر داده است. نامگذاری این مسجد به نام محدثین از جانب حضرت مهدی (عج) تأیید گفتار خودشان در گذشته و سوق دادن مردم به جانب روایت کنندگان حدیث در روزگار غیبت است و به شکلی یک نوع پیام رسانی رمز آلود ولی در عین حال شفاف از ناحیه مقدس ایشان می باشد که ما علت و حکمت ظاهری و آنچه را که به ذهن متبادر می شود در قسمت بعد، در مبحث علت قرار گیری مسجد در شهر بابل بدان خواهیم پرداخت.

### ■ بررسی علل قرار گیری مسجد در شهر بابل

از سئوالات مهم که در ذهن خواننده یا هر کس دیگر که اطلاعاتی از این مسجد دارد مطرح می شود این است که: چرا و به چه علت این مسجد در شهر بابل ایجاد شده و در پس پرده چه علت یا حکمت یا مصلحتی در کار بوده است؟

پاسخ در ابتدا این است که چه بسا علتها، حکمتها و مصلحتهایی از جانب خدا و جانشین او «حضرت مهدی» (عج) وجود داشته و دارد که ما در نگاه اول یا حتی عمیق تر به فهم و درک آن نائل نشویم... «لیکن از مطالعه تاریخ محلی می توان چنین برداشت کرد که این نام (مسجد المحدثین) و مکان [مسجد] حربه و پایگاهی در مقابل یهودیان و فرقه باطل باییت<sup>۱</sup> قرار گرفته است زیرا چنین نقل شده است که در این شهر، یهودیان بسیاری زندگی می کردند و بین آنان و مسلمانان همواره جنگ و ستیز بود. در دویست متری این مسجد، محله ای است که یهودیان بسیاری در آنجا سکونت داشتند و از فرقه ضاله باییت حمایت می کردند<sup>۲</sup> و در این مکان اجتماع داشتند و هم اکنون نیز آن محل به نام «یهودی

---

۱- سید علی محمد شیرازی (ولادت: شیراز ۱۲۲۵ هـ ق، ۱۸۱۹ م) این سید محمد رضای بزاز- چون مجذوب مسائل مذهبی بود توانست عده ای را به سوی خود جلب کند. در سن ۲۵ سالگی ۱۲۶۰ (ه ق) تحولی در فکر او ایجاد شد و نخست دعوی «باییت» و سپس «مهدویت» کرد. بعدها دعوت او بالا گرفت و به سبب شورش های پیایی در مازندران و زنجان و نیریز گروه بسیار از با بیان به قتل رسیدند. (فرهنگ معین ج ۵، اعلام، ص ۲۲۲) قرار گیری مسجدی به دستور حضرت مهدی (عج) در کانونی که از کانون های طرفدار مهدویت غیر راستین بوده آن هم پیش از ادعاهای دروغین آنها (۱۱۳۶ ه ق) بسیار قابل تأمل است.

۲- فتنه انگیزی یهودیان و حمایت آنها از مخالفین اسلام ناب، مسئله مهم و بسیار تکراری در تاریخ مسلمین است. بعید نیست مهاجرت مسجد نیز تا حدی در اثر تلاش های مذبوحانه آنها بوده است. والله اعلم بحقایق الامور.

محلۀ<sup>۱</sup> شهرت دارد. گویا این مسجد مقدس بعنوان پایگاه اسلام و نشر احکام و تبلیغ دین [مذهب] تشیع در مبارزه با افکار پلید آنان بنا شده است و پس از احداث این مسجد، علمای بسیاری با همت والای خود هدایت شیعیان و نقل احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و ترویج فرهنگ شیعه را بر عهده گرفتند.

[در واقع] راویان حدیث (محدثین) همان سنگرداران و پرچم داران اسلام بوده اند که در این مکان از ساحت مقدس امام زمان استعانت و یاری می جستند.

احتمال دیگر این است که این مکان شریف سنگری در مقابل فرقه ضاله بابیت و بهائیت<sup>۲</sup> بوده که چند سالی بعد از ساخت مسجد اظهار وجود و قیام کردند و شهر بابل را یکی از مراکز مهم و پایگاه خود قرار دادند و در جوار مقبره عالم جلیل‌القدر مرحوم «شیخ طبرسی» صاحب کتاب «الاحتجاج» که در قسمت شرقی این شهر واقع شده است؛ قلعه‌ای ساختند و به جنگ با مسلمین [شیعیان]

---

۱- علی‌التحقیق بعد از انقلاب اکثریت یهودیان از آنجا کوچ کرده اند و شایعه پیوستن آنها به صهیونیسم نیز در آنجا مطرح بود. از منازل و کنیسه آنها جز ویرانه‌ای نمانده است.

۲- بهائیت، آیینی است منشعب از بابیه، مؤسس آن بهاء الله (میرزا حسینعلی ابن میرزا عباس نوری) و جانشینان اویند. (فرهنگ معین، ج ۵، ص ۲۰۰)

پرداختند و با مجاهدت زعیم و مرجع عالیقدر، مرحوم «سعید العلماء»<sup>۱</sup> و حکم جهاد وی بر علیه آن فرقه، این قائله ختم شد و خونریزی ها به پایان رسید و سران فرقه بهائیت به حکم آن عالم فرزانه بر چوبه دار، محکوم به اعدام شدند.<sup>۲</sup>

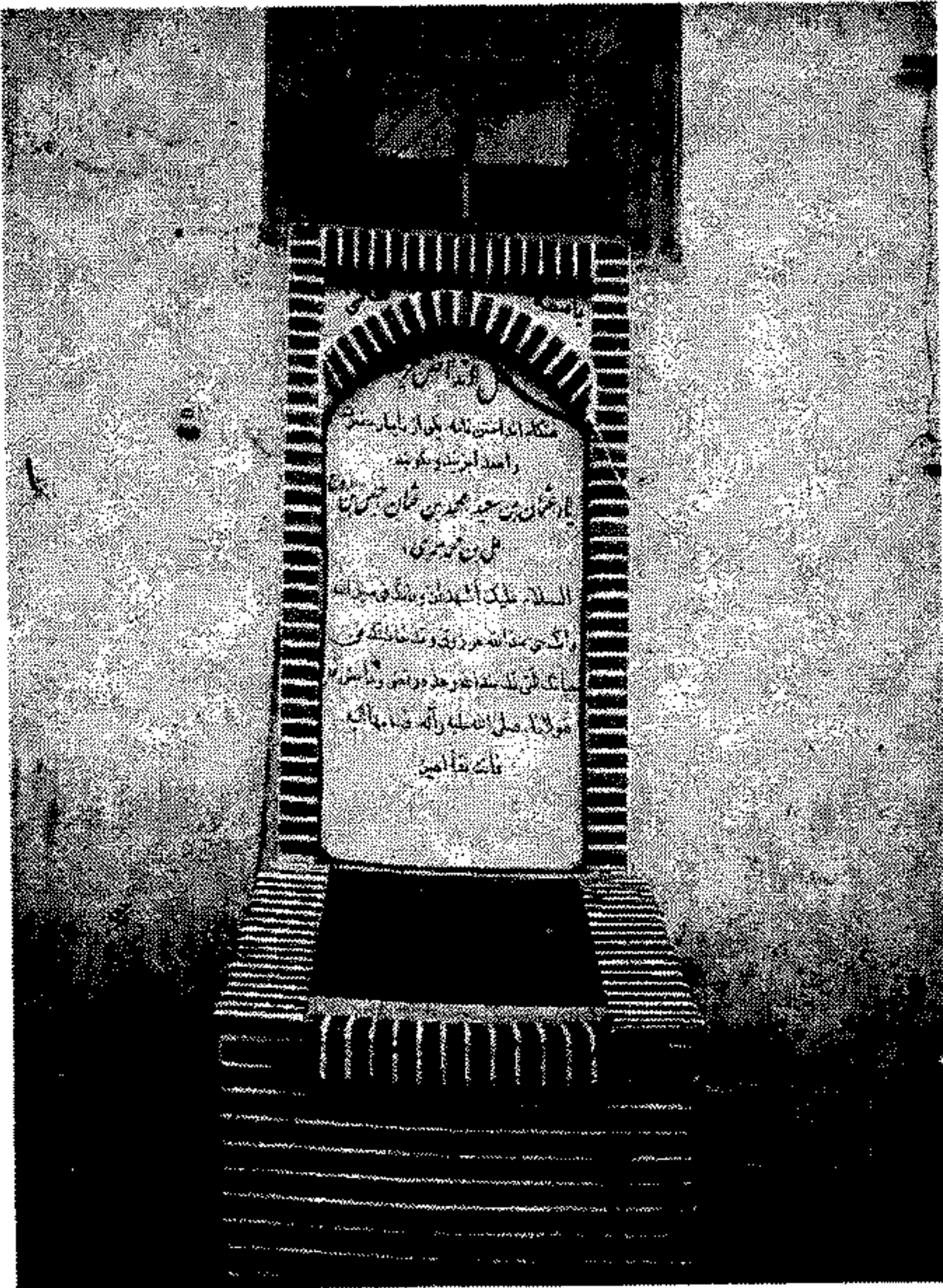
### ■ چاه مسجد

چاه مسجد طبق نقل کهنسالان و فرهنگ شفاهی و آنچه در نقل تشریف ملانصیرا ذکر شد؛ به هنگام رؤیت حضرت مهدی (عج) فوران نموده و ایشان از آن وضو ساخته اند. مردم از این چاه حاجت می گیرند و امام جماعت جدید مسجد طریقه صحیح عریضه نویسی<sup>۳</sup> را در تابلویی بالای چاه آموزش داده است و چاه را به شکلی زیبا ترمیم و تعمیر کرده اند.

۱- ملا محمد سعید بار فروشی مازندرانی ملقب به «سعید العلماء» یکی از علماء و مشاهیر دانشمندان قرن سیزدهم هـ- ق بود. او معاصر با فقیه عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی شیخ مرتضی انصاری و از شاگردان شریف العلمای مازندرانی بوده است. غیبت او از حوزه علمیه عراق و متارکه با علماء، او را از زعامت فرو آورد. هر چند در ایران مورد احترام عموم مردم بود و با احترام امرای قاجاریه (ناصرالدین شاه) مواجه گردید. (بابل سرزمین طلای سبز، ص ۲۴۱)

۲- خورشید پنهان، صص ۲۴-۲۵، (ر.ک: آشنایی با فرزندان بابل در سه قرن اخیر ص ۲۴) با توجه به روایت (و اما الحوادث الواقعة...) و فتنه بابیه و بهاییه (مهدویت دروغین) و دستور حضرت ولی عصر (عج) در ایجاد مسجد در ۱۱۲۶ ق و نام «محدثین» که ایشان برای مسجد در نظر گرفته اند می توان این نام را دریایی رمز گونه از معارف و معاریف دانست که از پس پرده غیب فریاد زده اند. این مسجد تنها مسجدی است که حضرت مهدی (عج) نام بر آن نهاده اند (علی التحقیق و آنچه به ما رسیده است) خلاف مسجد مقدس جمکران که به نام مزین نشده بلکه به آداب مزین است و مساجد دیگر که خارج از بحث این کتاب است و ما در آینده بحث خواهیم کرد. (انشاء الله) که همه قابل تأمل و بررسی است.

۳- مبحث عریضه نویسی مبحث مفصلیست که خارج از حوصله این کتاب است.



تصویر ۱۴ - چاه عریضه (ترمیم جدید)

### ■ محراب مقدس (معیار تعیین قبله شهر بابل)

مردم شهر بابل به محراب مقدس [مسجد] محدثین اعتقاد بسیار دارند. در نقل

تشریف مرحوم ملانصیرا آمده است که خشت زیرین محراب را امام زمان تعیین

کرده است.

نقل دیگر آن است که هنگام ساخت مسجد، قرار گرفتن محل محراب مورد تردید واقع شد که محراب را کدام قسمت بنا کنند. هر محلی که انتخاب می کردند؛ خشت های آن فرو می ریخت تا آن که روزی با تعجب در ابتدای صبح مشاهده کردند خشت هایی به صورت هلال، محل و جهت قبله را نشان می دهد تصمیم گرفتند روی همان خشت ها، محراب را بسازند. خشت ها روی هم چیده شدند و دیدند که محراب درست شده است و فهمیدند که آن خورشید پنهان به این نقطه از زمین برای محراب توجه و نظر دارد. هنگامی که [ برای اولین بار ] قبله نما برای تعیین قبله در دسترس مردم شهر بابل قرار گرفت<sup>۱</sup> برای درستی قبله نما، آنرا به مسجد [محدثین] می آوردند و درون محراب می گذاشتند و می دیدند که اگر همخوانی با جهت محراب داشت حکم به درست بودن قبله نما می کردند و در غیر این صورت قبله نما را معتبر نمی دانستند.

بعضی از مؤمنین چنین اظهار داشتند: هنگامی که درون محراب قدم می گذاری حس حضور در جایگاه و محضر امام زمان (عج) را می یابی!

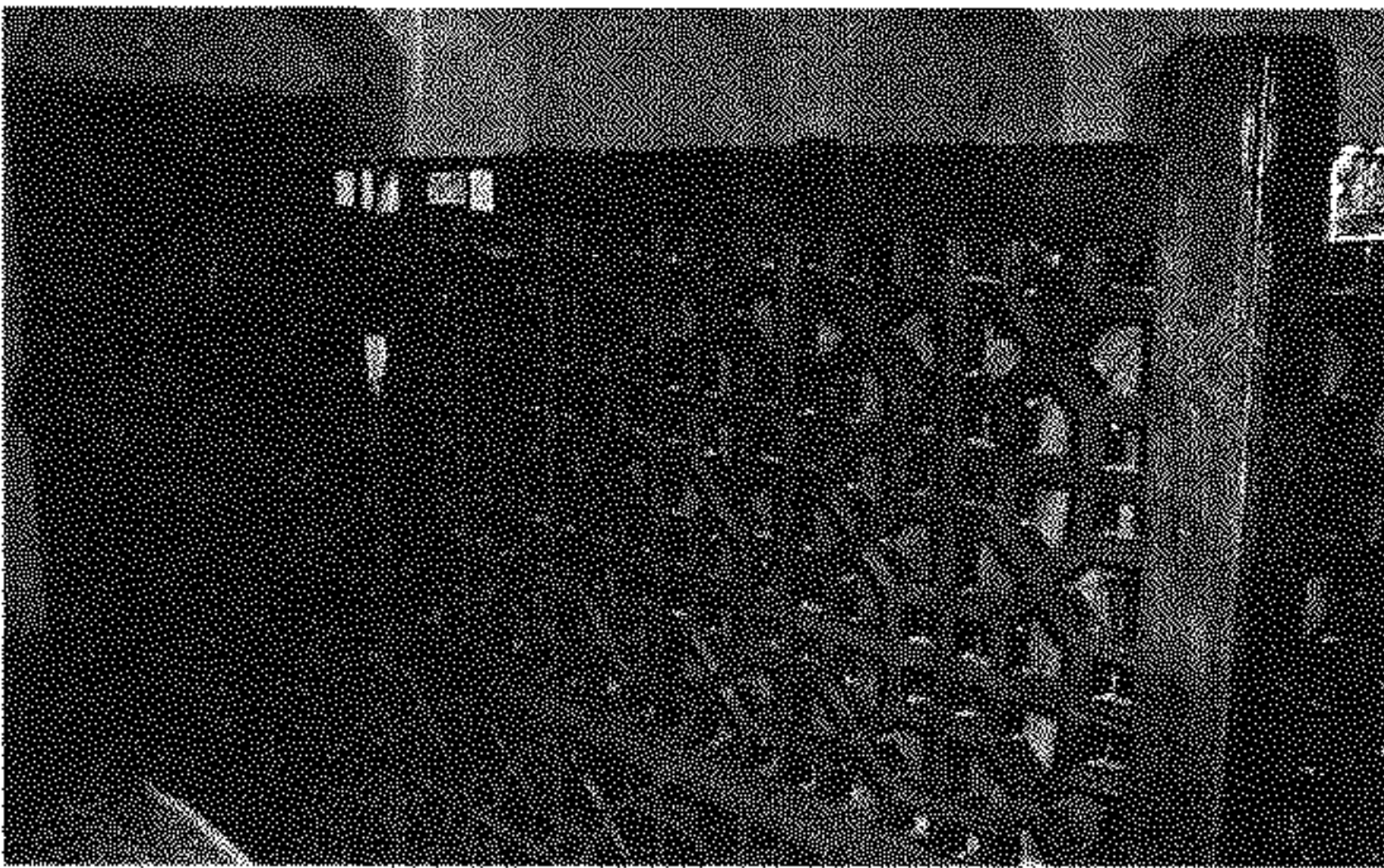
---

۱- مقصود زمانی است که قبله نما توسط رزم آرا در دوران پهلوی اختراع شد و به قبله نمای رزم آرا معروف گشت و این نقل نیز سینه به سینه رسیده است.

وجه دیگر تقدس این محراب، مشاهده شدن امام زمان (عج) در این محراب است که [آنجا] به نماز ایستاده بود.<sup>۱</sup>

#### ■ معماری مقبره

مقبره عالم ربانی «ملا نصیرا» در صحن مسجد محدثین و در یک ساختمان قدیمی با پوشش سفالی و تالارهای ستون دار با دو اتاق و دو ایوان واقع است.<sup>۲</sup> روی قبر، صندوق چوبی بزرگی گذاشته شده و بر روی صندوق هم ضریح چوبی بزرگی قرار دارد اما بر روی هیچ یک از آنها یا بر روی دیوارهای اتاق مقبره هیچ نوشته یا کتیبه‌ای وجود ندارد که دلالت به نام صاحب قبر [ملانصیرا] بنماید.<sup>۳</sup>



تصویر ۱۵- صندوقچه چوبی مقبره ملانصیرا

---

۱- پیشین، صص ۲۳-۲۴

۲- بابل سرزمین طلای سبز، ص ۲۴۰

۳- بابل (شهر زیبای مازندران)، ص ۵۰۰

سطح قبر در داخل مقبره و بالاتر از سطح زمین قرار دارد در اتاق مجاور مقبره ملانصیرا و در ضلع شرقی اتاق، قبر عالم جلیل القدر «شیخ کبیر» واقع گردیده است.<sup>۱</sup>

دور تا دور دیوار خارجی در چند جا سنه ۱۲۹۵ گچ بری شده است و در بالای قسمت خارجی در ورودی یکی از اتاقهای مقبره نیز نوشته شده است: «عمل رمضانعلی نوائی-حرر عباس»<sup>۲</sup> بدون آنکه نامی از صاحب قبر یا نام بانی ساختمان مقبره برده شده باشد. کسی هم نمی داند که این ملانصیرا چه کسی بوده و چه مقامی داشته که برای او این مقبره را ساخته اند.<sup>۳</sup>

اتاقهای مقبره علماء «ملانصیرا» و «شیخ کبیر» به وسیله یک در چوبی به یکدیگر مرتبط است. در دو طرف ضلع های شمالی و جنوبی مقبره این بزرگواران، پنجره های ارسی، حد فاصل اتاقها و ایوانها قرار دارد.<sup>۴</sup>

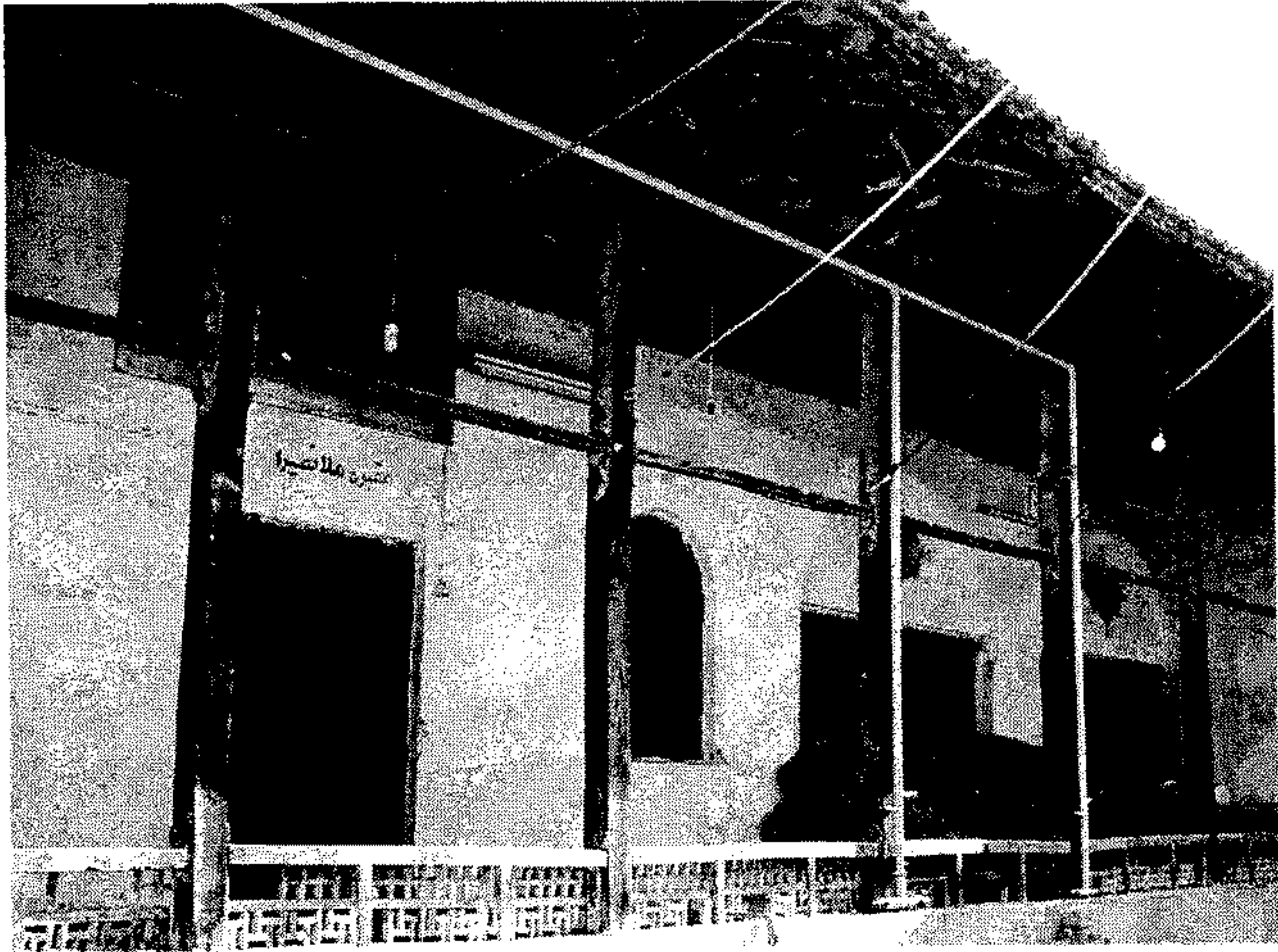
۱- بابل سرزمین طلای سبز، ص ۲۴۰

۲- با نمونه عکس و تصویر کتیبه ها قیاس شود.

۳- بابل شهر زیبای مازندران، ص ۵۰۰، لازم به ذکر است سواد کتیبه ایوان خارجی مقبره، عبارت «حرره میرزا محمود ۱۲۹۵» است که عموم منابع به آن اشاره نکرده اند.

۴- بابل سرزمین طلای سبز، ص ۲۴۰- لازم به یاد آورiest درها و پنجره های چوبی در معرض خرابی می باشند و طبق آنچه به من گفته شد و مشاهده کردم بعضی نیز سرقت شده اند.





تصویر ۱۶- مقبره ملانصیرا (نمای بیرون - ایوان داخلی)

بخش دوم

### ■ بانیان مقبره

طبق تحقیقاتی که محقق محترم دکتر «جعفر نیاکی» در سال ۱۳۴۳ شمسی از متولی مسجد و نیز از معمرین شهر بابل انجام داده اند هیچ کس اطلاعات کافی راجع به بانی اولیه مقبره و مسجد نداشته تا آنجا که صاحب مقبره «ملانصیرا» نیز از دید متولی مسجد، امامزاده خوانده شده است!!!!<sup>۱</sup> مع الوصف مدرک متقن و مستندی وجود ندارد که بانیان مقبره را بهتر معرفی نماید مگر با فحص و غور بیشتر این امر میسر شود. متولی مسجد در سال ۱۳۴۳ ش راجع به بنای ساختمان چنین اظهار کرده است:

«ساختمان مقبره از وثوق الدوله»<sup>۲</sup> می باشد. بدین توضیح که وی از علاقمندان و مریدان «درویش ظهیر الدوله» حاکم مازندران بود. بعد از آن که حاجتی از وی به نفس و دعای مراد او «ظهیر الدوله» برآورده شد؛ تمنای رجوع خدمتی کرد و آن قدر اصرار ورزید تا سرانجام ظهیر الدوله پذیرفت و به او گفت که قبر ملانصیرا را در بارفروش تعمیر کند (یا بنا کند).

۱- بابل (شهر زیبای مازندران)، ص ۵۰۱- این مطلب گواه مهاجرت و غربت شخصیت ملانصیرا است.

۲- حسن وثوق نخست وزیر عاقد قرارداد ۱۹۱۹ میلادی با انگلستان

این روایت سهو است زیرا سنه ۱۲۹۵ که بر روی دیوار های خارجی مقبره، به تکرار نوشته شده؛ طبق معمول آن زمان بر مبنای هجری قمری است و این سنه متقدم است بر زمان رشد وثوق الدوله که ربیع الاول ۱۲۹۲ متولد شده است<sup>۱</sup> ظهیر الدوله نیز در ربیع الاول ۱۲۸۱ به دنیا آمده<sup>۲</sup> و زمان سه بار حکومت او در مازندران هم: سالهای ۱۳۱۹<sup>۳</sup>، ۱۳۲۶<sup>۴</sup> و ۱۳۳۵<sup>۵</sup> ق بود. در ۱۳۳۵ هم به علت کشته شدن فرزندش و متعاقب آن قتل «شیخ غلامعلی شریعتمدار»<sup>۶</sup> در بار فروش، ظهیر الدوله با آن که به حکومت مازندران منصوب شده بود ولی اساساً به مازندران نرفت<sup>۷</sup> و اگر چه با فرضیات بعید شاید بتوان روایت فوق را توجیه کرد ولی با قدمت ساختمان مقبره و در و پنجره‌ها، مطابقت نخواهد داشت به خصوص این که درگیری های او در حکومت مازندران با روحانیون از جمله «شیخ کبیر»<sup>۸</sup> در بار

۱- آثار وثوق، ۲ ص ۱۳

۲- خاطرات و اسناد ظهیر الدوله، ۱۲۴ ج ۱

۳- منتخب التواریخ مظفری (۲۵۹ ص ۵۱۸) انتصاب اول ظهیر الدوله به حکومت مازندران ۲۵۹ ص ۵۱۸) انتصاب اول ظهیرالدوله به حکومت مازندران را در سال ۱۳۱۸ ق ضبط کرده است. همچنین خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، ۱۲۴، مقدمه دکتر ایرج افشار، ص ۱۶

۴- تاریخ مازندران، ۷۴ ج ۲ ص ۳۸۳، اما سید علی دولت آبادی در خاطرات خود، تاریخ انتصاب دوم ظهیر الدوله را ۱۱ شوال ۱۳۲۸ ضبط نموده است.

۵- همان، ص ۸۵

۶- در اصل: شریعتمدار. رجال دوره قاجاریه، ۱۳۹، همچنین: مجله یغما، ۱۳۳۹ش، شماره ۲، صص ۱۴۱-۱۴۲

۷- مخابرات استرآباد ۲۳۷ ج ۱ ص ۵۹

۸- اسناد نو یافته، ۱۵- صص ۲۰۹-۲۱۰

فروش و با «سید صادق مجتهد»<sup>۱</sup> در ساری، نشان می دهد که وی به علت درویش بودن ارادتی به روحانیون نداشت.<sup>۲</sup>

مؤلف کتاب «آشنایی با فرزندگان بابل در سه قرن اخیر» راجع به بنای قبر ملانصیرا چنین نگاشته است:

«بنای قبر ایشان را بعضی به وثوق الدوله به امر ظهیر الدوله در ۱۲۹۵ ق و بعضی آن را به میرزا یوسف مستوفی الممالک، صدر اعظم ناصر الدین شاه متوفی ۱۳۰۳ ق می دهند.»<sup>۳</sup>

با توجه به این که مدرکی ارائه نداده اند؛ نتیجه گیری می شود انتساب ایجاد بنا به «مستوفی الممالک» نیز برگرفته از فرهنگ شفاهی و غیر مستند است.

#### ■ ملانصیرا شخصیتی ناشناخته!

آنچه پیشتر راجع به شخصیت ملانصیرا بین محققان بابل در نظر می آمده، ناشناختگی زندگی شیخ «محمد نصیر» (ملانصیرا) بانی مسجد مقدس محدثین بوده؛ چنانکه این عدم شناخت را به وضوح در آثارشان مشاهده می کنیم.<sup>۴</sup>

۱- خاطرات و اسناد ظهیر الدوله، ۱۲۴ ج ۱، صص ۲۴۵ و ۲۴۶

۲- بابل (شهر زیبای مازندران)، ص ۵۰۱

۳- آشنایی با فرزندگان بابل در سه قرن اخیر، ص ۱۴

برای مثال در کتاب «شهر بابل» (۱۳۴۳ ش)<sup>۱</sup> راجع به ملانصیرا آمده است:  
 «از علمای بزرگ اواخر عهد صفویه است. از احوال و اطلاعات زیادی در دست  
 نیست».<sup>۲</sup> در کتاب «فرزانگان مازندران» (۱۳۷۷ ش)<sup>۳</sup> در ذیل مبحث شیخ کبیر که در  
 اتاق مجاور ملانصیرا مدفون است به ملانصیرا از علمای عهد صفویه اشاره شده که  
 نسبت به تحقیقی که راجع به علمای قبل و بعد ملانصیرا در کتاب آورده؛ کمک  
 خاصی به نفع حقیقت نمی‌کند. در کتابهای «تاریخ مازندران» (۱۳۴۵ ش)<sup>۴</sup> و  
 «دانشمندان و رجال مازندران» (۱۳۳۵ ش)<sup>۵</sup> حتی یاری از ملانصیرا بعنوان یک عالم  
 برجسته در خطه مازندران نشده است.

در کتاب «مازندران جغرافیایی تاریخی و اقتصادی» (۱۳۳۶ ش)<sup>۶</sup> توضیحات  
 مختصری راجع به بابل آورده و توقع نمی‌رود که به ملانصیرا اشاره ای کرده باشد.  
 به هر حال این ذکر نکردنها نشان از غربت این عالم برجسته دارد که روزگاری سر  
 آمد علماء خطه مازندران بوده است. حتی مقبره ملانصیرا هم گویی قصد راز

۱- شهر بابل، ص ۱۲۲

۲- اگر خدا بخواهد تحقیقات راجع به ملانصیرا (به طور کامل) یا خودم یا انشاءالله دیگران باید انجام دهند زیرا  
 این امر در شناخت مسجد محدثین خیلی موثر است. تحقیق راجع به ملانصیرا وقت زیادی را طلب می‌کند.

۳- فرزانگان مازندران، ص ۲۴۷

۴- تاریخ مازندران، اسماعیل مهجوری، چاپ اثر، ساری، (قبلاً اشاره شده است)

۵- دانشمندان و رجال مازندران، اسماعیل مهجوری، چاپ شرق، (قبلاً اشاره شده است)

۶- مازندران جغرافیایی تاریخی و اقتصادی، عباس شایان، ج ۱، چاپ دوم، تهران، بهمن ۱۳۶۶ ش

گشایی برای ما ندارد و یادی و نامی از او در آنجا یافت نمی‌شود «و فقط در بالای قسمت در ورودی یکی از اتاقهای مقبره نوشته شده است: عمل رمضانعلی نوایی- حرر عباس، بدون آنکه نامی از صاحب قبر یا نام بانی ساختمان مقبره برده شده باشد. کسی هم نمی‌داند که این «ملانصیر» چه کسی بوده و چه مقامی داشته که برای او این مقبره را ساخته اند و همچنین ضریح چوبی و دور تا دور اطاق مقبره نیز فاقد نوشته و کتیبه است و دلالت به نام صاحب مقبره نمی‌کند.»<sup>۱</sup>

مؤلف کتاب «بابل شهر زیبای مازندران» در سال ۱۳۴۳ ش از متولی مسجد و نیز از معمرین شهر بابل درباره نام بانی اولیه مقبره و مسجد و هویت ملانصیرا پرسشهایی می‌کند ولی هیچکس اطلاعاتی راجع به این موضوعات نداشته چنانکه اشاره کردیم متولی مسجد هم از روی عدم شناخت، صاحب قبر «ملانصیر» را یکی از امامزادگان بر شمرده است.<sup>۲</sup>

یکی از وکلای شهر بابل به نام «علی حقوقی» در همان سال به مؤلف کتاب فوق اظهار می‌کند که وی برای دستیابی به هویت «ملانصیرا» کوشش فراوانی به عمل

---

۱- بابل شهر زیبای مازندران، ص ۵۰۰

۲- پیشین، ص ۵۰۱

آورده و حتی به «قم» رفته و از آیت الله «سید شهاب الدین مرعشی» راجع به شرح زندگانی ملانصیرا استفسار نموده لکن به هیچ نتیجه ای نرسیده است.<sup>۱</sup>

مع الوصف بر چهره این شخصیت بر جسته و عالم وارسته غبار زمان نشسته تا اینکه محققان متأخر در آثارشان گوشه‌هایی پنهان از زندگی و شخصیت این عالم ربانی را برای طالبان نمایان ساختند. صاحب کتاب «بابل شهر زیبای مازندران» بعد از اینکه از خود مقبره، متولی، معمرین و تحقیق ناتمام «علی حقوقی» وکیل دادگستری بابل، مطالب قابل اهمیتی پیدا نمی‌کند دست از تلاش در جهت کشف هویت ملانصیرا بر نمی‌دارد تا اینکه موفق می‌شود سرنخهایی از زندگی و هویت پنهان این عالم دانشمند به دست آورد و در اختیار علاقه مندان قرار دهد. ایشان راجع به تحقیقاتشان چنین آورده اند:

◀ نگارنده نیز از همان موقع برای کشف هویت «ملانصیرا» به تجسس پرداخت تا اینکه همشهری ما شادروان «محمد رضا فرزاد نیا» قاضی عالی دادگستری که محقق بسیار مطلع و صاحب نظر در تاریخ مازندران به خصوص تاریخ شهر بابل بود؛ راهنمایی کرد که «ملایعقوب» نامی از نواده «ملا محمد حمزه» (شریعتمدار



بزرگ) <sup>۱</sup> در انتهای خیابان بازار بابل (نرسیده به سبزه میدان) مغازه عطاری دارد و کتابی در اختیار اوست که در مقدمه آن از «ملانصیرا» و شرح زندگی او ذکری به میان آمده است. نگارنده به نزد ملایعقوب رفت ولی به رغم شعارهای تشویق آمیز توأم با پیشنهاد مالی، ملایعقوب حاضر نشد که کتاب را حتی در همان مغازه او و در حضور او، ده دقیقه در اختیارم بگذارد.

شدم به دریا غوطه‌ور نجستم در گناه بخت من است این گناه دریانیست

◀ پس از آن آثار ناامیدی به تدریج در من ظاهر شد تا اینکه، نیک بختانه ضمن مطالعه کتاب «اسناد آستانه نیاک» <sup>۲</sup> به نام «ملا محمد نصیر» برخوردم. این کتاب شامل عکس صد و چهل و هفت طغری سندی است که از تاریخ دوم جمادی الاول ۸۳۲ آغاز می‌شود و می‌رسد تا به تاریخ ۱۲۷۵ ق.

---

۱- در اصل: شریعتدار

۲- اسناد آستانه نیاک، ۱۲ ص ۱۱۱

در یکی از اسناد<sup>۱</sup> که تاریخ آن ربیع الاخر سنه ۱۱۱۷ است نام «ملا محمد نصیر» (بدون حرف الف در آخر) به شرح زیر دیده می شود:

«بنده شاه ولایت سلطان حسین...<sup>۲</sup> حکم جهان مطاع آن که چون... میرزا محمد زمان لاریجانی به عرض رسانید که مبلغ... در وجه او مقرر بوده و ثانی الحال «ملانصیر» نام شخصی به ادعای وراثت به اسم خود گذرانید... وجه مزبور را کماکان در وجه میرمحمد زمان لاریجانی برقرار فرمودیم... هر گاه «ملا محمد نصیر» اولویت خود را به اثبات برساند... تغییری به قواعد وظیفه سیادت پناه مزبور [میر محمد زمان لاریجانی] راه ندهند و در عهده شناسند به تاریخ ربیع الاخر ۱۱۱۷»<sup>۳</sup>

◀ نگارنده تصویر سند مذکور در فوق را در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۵۹ به خدمت نادران «سید شهاب الدین مرعشی» که آن زمان وجود پر برکت ایشان، فیض رسان به همه و در قید حیات بود به قم فرستادم و ضمن شرح سوابق، توضیح دادم که آخرین سند (۱۱۱۷ ق) خیلی نزدیک است به تاریخ احداث مسجد المحدثین

۱- همان

۱- آخرین پادشاه صفویه (جلوس: ۱۱۰۵، خلع: ۱۱۳۵) فرهنگ معین، ج ۵، ص ۴۶۲

۲- اسناد آستانه نیاک، ۱۳ ص ۱۱۱

(۱۱۳۵ ق) <sup>۱</sup> و لذا به ظن قوی می توان گفت که این ملانصیر یا ملا محمد نصیر

همان صاحب قبر مقبره «طوقداربن» است. ایشان در جواب مرقوم فرمودند:

«فعلاً نظر به کسالت عدیده و شدید، مورد سئوال متأسفانه در نظرم نیست لذا

معدور از جواب خواهم بود ۱۱ ذیقعدہ ۱۴۰۰»

[محل] مهر سید شهاب الدین الحسینی المرعشی

◀ نگارنده مایوس نشده و برای آن که به سند واحد اتکا نکرده باشد؛ تجسس

خود را جهت یافتن سند یا سندهای دیگر ادامه داد تا آن که هنگام بازخوانی مجله

«یادگار» در قسمت اسناد تاریخی آن مجله، برخوردیم به سندی تحت عنوان «وثیقه

اتحاد اسلامی» در بین اسامی روحانیونی که آن وثیقه را در سال ۱۱۵۶ ق مهر کرده

اند؛ چشمم به «ملانصیرا مازندرانی» افتاد. <sup>۲</sup> لذت «یافتم یافتم» ارشمیدسی، لبخندی

شیرین بر لبانم آورد و از شدت خوشحالی:

جستم و از وجد آستین بفشاندم      یک در معلق زدم چو مردم شیدا (قآنی)

این سند نشان می دهد که ملانصیرا در شوال ۱۱۵۶ به اتفاق اجله روحانیون ایران،

از جمله «ملا طالب» شیخ الاسلام مازندران و آقای «مهدی لاریجانی» [و] هم چنین

۱- تاریخ کتیبه ۱۱۳۶ است

۲- وثیقه نامه اتحاد اسلامی، ۴۶۲ ش ۶- صص ۴۲ تا ۴۵

روحانیون بلخ و بخارا و افغانستان همراه پادشاه افشار به نجف اشرف رفت و در آنجا در شورای «علمای شیعه و سنی» مشارکت کرد و نسخه نهایی توافق را که «وثیقه اتحاد اسلامی»<sup>۱</sup> نامگذاری شد به مهر خود (ملا نصیرا مازندرانی) ممهور کرد.<sup>۲</sup>

### جمع بندی:

اینک بر اساس سندهای فوق و با توجه به:

۱- تاریخ سند ذکر شده در اسناد آستانه نیاک درباره ملانصیرا که ربیع الاخر ۱۱۱۷ است.

۲- تاریخ کتیبه مسجد المحدثین جنب مقبره ملانصیرا که شعبان ۱۱۳۵ است.<sup>۳</sup>

۳- تاریخ وثیقه اتحاد اسلامی که ۲۴ شوال ۱۱۵۶ است.

می توان قاطعانه گفت که این اسناد مربوط به همین «ملانصیرا» است که در مقبره طوقداربن مدفون است و اگر چه در نگاه اول ممکن است تصور شود که چگونه ملانصیرای سال ۱۱۵۶ ق که وثیقه نامه را مهر کرد همان ملانصیرا است که ۳۹

---

۱- متن این وثیقه نامه با مختصری از شرح مقدمات آن در «جهانگشای نادری» نقل شده است

۲- مجله یادگار، ۵۱۰ ص ۵۲، برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: الف) عالم آرای نادری، ۱۹۰ ب) مجمل التواریخ گلستانه، ۲۴۲ ص ۲۶۹ به نقل: از محمد حسن مستوفی مؤلف زبده التواریخ، ۱۴۸. پ) مجمع التواریخ، ۲۴۰ ص ۹۳ ت) تاریخچه نادرشاه، ۵۱ ص ۱۷

۳- تاریخ کتیبه ۱۱۲۶ است.

سال قبل از آن، اسم او در فرمان شاه سلطان حسین<sup>۱</sup> (۱۱۱۷ ق) به میان آمده است ولی این تصور باطل است و توضیحات زیر فاصله زمانی ۳۹ سال (بین ۱۱۱۷ و ۱۱۵۶) را توجیه می کند:

۱- بررسی محتوای سند اول نشان می دهد که ملانصیر در سال ۱۱۱۷ ق، هنوز در دوران جوانی بود. بیش از ۳۰ سال سن نداشت و به مرحله ای از کمال نرسیده بود که خود او نتیجتاً ادعای او مورد توجه و احترام شاه سلطان حسین قرار گیرد کما آنکه در ابتدای سند مذکور می خوانیم: الحال «ملا محمد نصیر» نام، شخصی وظیفه مزبوره را به ادعای وراثت به اسم خود گذرانیده...

این عبارت که ملانصیر در آن سال (۱۱۱۷ ق) معروفیتی نداشته و تا اندازه ای هم، گمنام بود و این گمنامی به احتمال زیاد مربوط به سن او بود که هنوز به مرحله کمال نرسیده بود. دلیل دیگر، عبارت ذکر شده و در پایان همان سند است که می گوید:

«هر گاه «ملا محمد نصیر» اولویت خود را به اثبات برساند و عرض دهد؛ تغییری به قواعد وظیفه سادات پناه مزبور [میر محمد زمان لاریجانی] راه ندهند...»

این عبارت بدان معنی است که حتی اگر ملا نصیر حقانیت خود را به اثبات برساند به استحقاق او توجه نگردد و تغییری در وضع قواعد و وظیفه «محمد زمان» داده نشود و آن مقرری را به ملانصیرا ندهند.

۲- تاریخ بنای مسجد المحدثین (۱۱۳۵ ق) نشان می دهد که سن ملانصیر در زمان

احداث مسجد، بین ۴۸ تا ۵۰ سال بود: (۱۱۱۷-۱۱۳۵ = ۱۸ و ۴۸ = ۱۸ + ۳۰)

در این سن، موقعیت مقامی و نفوذ کلامی او به درجه ای رسیده بود که با جمع آوری مخارج احداث مسجد از مال اندوزان بار فروش ده، مسجد المحدثین را بنا نمود.

۳- تاریخ حضور او در جلسه علمای بزرگ (۱۱۵۶ ق) در نجف و این که «نادر

شاه» او را جزء روحانیون بزرگ انتخاب کرده و همراه خود برای شرکت در مباحثه

دینی به نجف برده است؛ نشان می دهد که وی آن سال به مرحله ای از مقام

روحانیت و کمال رسیده بود که مورد توجه نادر شاه قرار گرفت. فزون بر این،

بررسی اسامی ذیل وثیقه نامه، مؤید مقام والای ملا نصیر در آن مجلس است زیرا

در ذیل وثیقه نامه، ابتدا اسامی علمای بزرگ از جمله نام ملانصیرا تحت عنوان

«طلبه رکاب» نوشته شده و سپس در ذیل آن اسامی تحت عنوان «طلبه ولایات» نام

شیخ الاسلام های ولایات از جمله نام «ملاطالبا» شیخ الاسلام مازندران نوشته شده است. پس می توان نتیجه گرفت که مقام ملانصیرا از مقام شیخ الاسلام مازندران بالاتر بوده که نام او به جای آن که در ردیف «طلبه ولایات» بنویسند در ردیف بالاتر نوشته اند.

به هر حال با محاسبه (۱۱۳۵ - ۱۱۵۶) و سپس با افزودن این رقم به ۴۸ که سن تقریبی ملانصیرا در زمان احداث مسجد المحدثین بود به رقم ۶۹ می رسیم که سن او در زمان اجلاسیه نجف نشان می دهد (با ضریب یکی دو سال کمتر یا بیشتر) با این توضیحات، تصویری که از فاصله زمانی سند اول تا سند دوم و سپس تا سند سوم متبادر به ذهن می شود؛ زایل می گردد و روشن می شود که ملانصیر در سند اول، دوران شباب را می گذرانید و هنگام احداث مسجد به میان سالی رسیده بود و در اجلاسیه نجف روزهای کهنسالی را طی می کرد.

◀ نگارنده بعد از ملاحظه اسم ملانصیرا در ذیل وثیقه نامه، چون مع الاسف در آن زمان، شادروان سید شهاب الدین مرعشی در قید حیات نبود؛ بوی گل را از گلاب جستم و نامه ای همراه تصویر آن وثیقه نامه و شرح سوابق به محضر فرزند

ارجمند ایشان «سید محمود مرعشی» در قم نوشتم و نظر صائب ایشان را استعلام کردم (لیطمئن قلبی). معظم له جواب دادند:

«متأسفانه حقیر به علت تراکم کارها در این کتابخانه [کتابخانه مرعشی قم] و مشکلات عدیده، حتی آثار تألیفی خود را موفق به ادامه آن نیستم و فرصتی هم دست نمی دهد لهذا پیشنهاد می کنم تا این مطلب را با جناب استاد «سید محمد تقی دانش پژوه» مکاتبه و اخذ پاسخ فرمایید.<sup>۱</sup>

◀ این نامه وقتی به دست نگارنده رسید که استاد سید محمد تقی دانش پژوه دانشمند بزرگ و کتاب شناس کم نظیر در بستر بیماری بود طولی نکشید که شوریختانه به سرای باقی شتافت و همه علاقه مندان را افسرده ساخت. در حال حاضر برای تشخیص هویت ملانصیرا و تعیین زمان زیست او همین اسناد کافی است.<sup>۲</sup>

تحقیقات ارزشمند و پیگیر دکتر نیاکی تا این مرحله رسیده که خود گوشه ای از زوایای پنهان زندگی ملانصیرا را برای علاقه مندان و پژوهشگران آشکار ساخته است. اما در کتاب آشنایی «با فرزندان بابل در سه قرن اخیر» تألیف «عبدالرحمن

۱- نامه شماره ۱۹۰۴ مورخ ۱۳۷۵/۶/۱۹، ۵۵۱

۲- ر. ک: بابل (شهر زیبای مازندران) ص ۵۰۰ به بعد



باقرزاده بابلی» که در پاییز ۱۳۷۷ ش به چاپ رسیده مطالب قابل توجهی راجع به این عالم وارسته به چشم می خورد. ایشان اولین ترجمه را به ملا نصیرا اختصاص داده اند و با عنوان «حضرت آیت الله ملا نصیرا مازندرانی» سرفصل را گشوده اند: «مجتهد فرزانه حضرت آیت الله محمد نصیر معروف به ملانصیرا یکی از فقهای نامدار و دانشمندان برجسته بابل در قرون گذشته بودند.

وی فرزند «محمد معصوم» و از اکابر علمای امامیه و اعظم مجتهدین مازندران در قرن دوازدهم هجری و اواخر صفویه می باشند که از شهرت به سزایی هم برخوردار بودند.

او عالمی عارف و زاهدی عابد و دارای طی الارض و کرامات بوده و مورد احترام عموم مردم منطقه و علمای اعلام قرار داشتند؛ چنانچه مرحوم آیت الله العظمی «شیخ کبیر مازندرانی» (ره) (متوفی ۱۳۴۵) در وصیتش چنین فرمودند: «قبر مرا مقابل استاد العلماء ملانصیرا (ره) قرار نداده و از قبر ایشان بلندتر نکنید.»

ظاهراً مراد معظم له این بود که شاید بلند بودن قبرستان، جسارت به مقام ملانصیرا (ره) گردد و این امر، خود بر علو منزلت آن بزرگوار دلالت می کند.

بر حسب تاریخی که از کتیبه محراب مسجد محدثین بابل معروف به «مسجد مقبره» به دست می آید این مسجد در زمان حیات آن بزرگوار و به دستور حضرت ولی عصر (عج) بنا گردید و سرپرستی و اتمام ساختمان مسجد با نظر مستقیم و نظارت ملانصیرا (ره) بوده است.

از این کتیبه و شهرت مطلب در بابل، عظمت مقام معنوی و منزلت روحانی آن بزرگوار روشن شده و نشان می دهد که او بی تردید از «اولیاء الله» بوده اند. نکته دیگری که بر شهرت علمی معظم له در عصر خود و در سطح مازندران دلالت می کند؛ اینکه:

در مجلس مؤسسانی که نادر شاه افشار در کلات نادری (اطراف دشت مغان) و در اسفند سال ۱۱۴۸ قمری با حضور علمای طراز اول استانها ترتیب داد؛ مرحوم ملانصیرا بعنوان مجتهد طراز اول مازندران و شخصیت ممتاز این استان در آن مجلس حاضر بودند. (تفصیل جریان در مجله «یادگار» سال چهارم، شماره ۶ (اسفند ۱۳۲۶) ص ۴۳ آمده است) مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی (ره) در «طبقات اعلام الشیعه قرن دوازدهم» از ایشان یاد کرده و می فرمایند: «محمد نصیر

بارفروشی اخباری مشرب و متأخر از علامه مجلسی (۱۱۱-۱۰۳۷) است چونکه در تألیفاتش از بحارالانوار روایت نقل می کند...<sup>۱</sup>

آن بزرگوار از علمایی است که با فلسفه و فلاسفه رابطه خوبی ندارند و آنرا انکار می کنند چنانکه علامه تهرانی (ره) در همان صفحه از طبقات اعلام قرن دوازدهم در شرح حال «نصیر ترشیزی» گوید: او مانند هم نام بارفروشی اش (ملانصیرا بارفروشی) معارض با حکیم ماهر «محمد صادق ارجستانی اصفهانی» متوفی ۱۱۳۴ ق بوده است. از این عبارت معارضه مرحوم ملانصیرا مازندرانی با حکیم ارجستانی به خوبی فهمیده می شود چنانچه در «الذریعه» نیز فرمود: «وی فیلسوفی است که با فلسفه مخالف است»<sup>۲</sup>

مؤلف محترم «تراجم الرجال» درباره معظم له ابتدائاً می گوید:

«فاضلی محترم و از اعلام قرن دوازدهم می باشد که بعد از فتنه افغان که بر اصفهان و نقاطی دیگر مسلط شدند؛ زندگی می کرد. ادیب و نویسنده ای است که در نوشته هایش تعبیراتی عمیق و ترکیباتی مایل به سجع و صناعات لفظی به چشم می خورد. وی جدیت زیادی در مسائل کلامی و اعتقادی داشت...» آنگاه چنین می

۱- الكواكب المنتثرة (طبقات اعلام قرن دوازدهم) ص ۷۷۹ [در نسخه چاپی الكواكب المنتثرة است.]

۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۴، ص ۲۸۷

گوید: «در آن منطقه به ملانصیرا معروف است و از مخالفان فلسفه و علوم عقلی و بدگمان به علمای این فنون می باشد. مثل بقیه افرادی که به مذهب اخباریین طی طریق می کنند. گویا مدتی در مشهد مقدس تحصیل نمود چنانچه در بعضی از تألیف خود را منسوب به «مشهد» می نماید...»<sup>۱</sup>

### ◀ تألیفات ملانصیرا:

از آیت الله ملانصیرا تألیفاتی به این شرح به دست آمده است:

۱- جنه الساعی فی الاخلاق: در ابتدای این کتاب احوال بزرگانی چون حضرت عبدالمطلب و حضرت ابوطالب (ع) و اثبات ایمان وی آورده و آنگاه احوال اصحاب رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار چون سلمان (ره) و ابی ذر (ره) و عمار (ره) و... را شرح می دهد؛ سپس کلام را در شرح جنود عقل و جهل بسط می دهد.

۲- نورالیقین فی اصول الدین: در ابتدای کتاب، ضمن معرفی خود می فرماید: «از بیست سالگی بصیرتی در دین پیدا کردم و کتابهای مختلفی را مطالعه کردم... از

---

۱- تراجم الرجال حسینی (غیر مطبوع) [این کتاب تا زمان تألیف کتاب مزبور غیر مطبوع بوده و چنانکه در مباحث قبلی اشاره شد در دوره چهار جلدی آن، این مطلب ذکر شده است]

همه کتابها ناامید گشته و بر خدا توکل کردم تا آنجا که خداوند به وجود خود بر

من منت نهاد و از معلومات خود این کتاب را به نام «نورالیقین» نگاهشتم...»

۳- مرآت المصلین فی تحقیق فروع الدین

۴- حدیقه الداعی

۵- کنز الشیعه لحذف حرف الشنیعه

۶- نورالعیون

۷- تحفه اولی الافهام فی شرح خبر هشام

۸- شمس البدور و لؤلؤ البحور

۹- مجموعه ای شامل «رساله ای در اخلاق» و «بدر المنیر» شامل احادیثی پیرامون

مسائل اخلاقی.<sup>۱</sup>

### ◀ سال وفات

آن بزرگوار پس از عمری پر برکت در حدود ۱۱۶۰-۱۱۵۰ قمری دار فانی را وداع

گفت و طبق وصیت خودشان در «مسجد محدثین» بابل مدفون گردید.

در کتاب «بابل سرزمین طلای سبز» راجع به ملانصیرا چنین آمده است:

---

۱- الذریعه، ج ۵ ص ۱۵۸، ج ۶ و ج ۲۰ ص ۲۸۷ و ج ۲۴ ص ۲۸۷ به نقل از: آشنایی با فرزندان بابل در سه قرن اخیر، صص ۱۳-۱۴

«ملانصیرا فقیهی گرانقدر و عالمی عامل و از اهالی روستای «درزی کلا» بود که در مسجد محدثین به امامت جماعت و نشر و ترویج احکام و معارف الهی مشغول بود می گویند: یک روز صبح که ملانصیر نماز صبح را به جای آورده بود دو ریال پول به خادم مسجد داد تا خود را به روستای درزی کلا برساند و این پول را به خانمی که قصد داشت مطابق معمول هر روز محموله شیر را در سطح شهر توزیع کند بدهد و ظرف حامل شیر را تخلیه کند آن شخص در نزدیکی سر پل «محمد حسن خان» بانوی شیر فروش را مشاهده کرد و قضیه را برای او تعریف کرد او هم فرمان ملانصیر را اجابت می کند پس از آنکه ظرف حامل شیر را بر روی زمین تخلیه کرد مشاهده شد ماری بزرگ و سمی از داخل ظرف شیر خارج شده است این خواب نمایی و الهام شدن ملانصیر و قضیه مار در داخل شیر ولوله ای در بابل بر پا کرد بود که این قضیه مدت ها نقل مجالس بود<sup>۱</sup> زمان تولد ملانصیر به درستی مشخص نیست.<sup>۲</sup>»

۱- مستند نیست و در فرهنگ شفاهی نقل شده است.

۲- بابل سرزمین طلای سبز، ص ۲۴۰

### ■ بررسی ابعاد زندگی شیخ کبیر [دوم] (شیخ محمد حسن)

یکی از فرزندگان و ستارگان درخشان جهان تشیع، فقیه جلیل القدر، حکیم فرزانه، عالم نامدار و مجتهد فرهیخته حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد حسن

مازندرانی معروف به «شیخ کبیر» می باشد.<sup>۱</sup>

پدرش مرحوم «شیخ صفر علی» از بزرگان عصر بوده اند که ظاهراً در زندگی و

محل اقامت وی اختلاف نظر وجود دارد عده ای از مطلعین در بابل معتقدند که

پدر مرحوم شیخ کبیر اهل بابل و منزلش نیز موجود می باشد و زادگاه شیخ نیز در

همین شهر بوده است چنانکه دانشمندان رجال مازندران آمده است: «مرحوم شیخ

کبیر «محمد حسن» پسر مرحوم صفر علی از اهالی «بابل کنار» حوزه بابل<sup>۲</sup> ولی

مشهور و معروف بین تراجم نگاران این است که پدر بزرگش از فلاسفه بزرگ و

مشهور قزوین معروف به ملاصفر علی لاهیجی قزوینی می باشد و شیخ محمد

حسن نیز در سال ۱۲۴۰ در قزوین دیده به جهان گشود.<sup>۳</sup>

---

۱- علت عدم شهرتشان اعتزال و سکونت در بابل بوده است (بنا به نقل منابع)

۲- دانشمندان و رجال مازندران، ص ۸۵

۳- نقباء البشر، ج ۱، ص ۴۰۴، (علامه تهرانی)، مستدرکات اعیان الشیعه (حسن امین)، ج ۴، ص ۱۶۱



تصویر ۱۷- شیخ کبیر

پدر بزرگوارش در تربیت وی جدیت وافر به خرج داد و از همان دوران طفولیت او را با مکتب اهل بیت (ع) آشنا ساخت و عشق به حق را در قلبش روشن ساخت او نیز از آنجا که در محیط علم و دانش و پرورش یافته و عشق به علوم اسلامی را در خود حس می کرد از همان دوران کودکی به سوی تحصیل معارف و علوم اسلامی گام برداشت تحصیلات مقدماتی چون ادبیات و منطق و غیره را در حضور اساتید بزرگوار قزوین فرا گرفت آنگاه برای کسب فقه و اصول در محضر فقهای عالیقدر چون «شیخ محمد صالح برغانی حائری» (م ۱۲۷۱) و برادر گرانقدرش «شهید برغانی» (۱۲۶۳) حاضر شد و سطوح عالی فقه و اصول را فرا گرفت و



همچنین فلسفه و عرفان الهی را در محضر پدر والامقامش آموخت.<sup>۱</sup> پس از کسب استفاده بزرگان قزوین و جهت نیل به مقامات عالی علمی راه عتبات عالیات را در پیش گرفت و وارد شهر مقدس کربلا شد. معظم له در مدت اقامت در عراق در حوزه های علمی کربلا و نجف اشرف در محفل علمی شخصیت های ارزشمند و بزرگ شیعه حضرت آیات عظام «مولی محمد تقی هروی اصفهانی» (ره) (متوفی ۱۲۹۹ ق) شیخ «محمد حسن» (ره) (صاحب جواهر)، «فاضل اردکانی» (ره)، حجت الاسلام «سید محمد باقر شفتی»، «شیخ حسن برغانی حائری» و علمای دیگر شرکت جست<sup>۲</sup> و متواضعانه زانوی ادب بر زمین زد و در رشته های مختلف علوم اسلامی چون فقه و اصول و رجال و کلام و تفسیر بهره های مختلف برد و به مقام رفیع اجتهاد دست یافت و از اساتید و علما و فقهای صاحب نام به اخذ اجازه اجتهاد و روایت مفتخر گردید و در ردیف مجتهدین محقق و علمای کامل قرار گرفت. معظم له که پیکری از زهد و تقوی و دارای نبوغ و استعداد سرشار علمی بوده مورد توجه فرزاتگان و بزرگان علمی عراق قرار گرفت و خود از

۱- همان

۲- همان، فوائد الرضویه، ص ۴۵۲- تراجم الرجال ج ۲، ص ۶۵۲- اعیان الشیعه ج ۹، ص ۱۷۱- الاجازه الکبیره (تنظیم محمد سماسی)، ص ۱۶۷

مشایخ روایی شیعه گشت و بزرگانی چون آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به دریافت اجازه از ایشان مفتخر گردید وی که از مفاخر عالم اسلام می باشد همواره مورد تجلیل بزرگان و تراجم نگاران قرار گرفتند و از وی به بزرگی یاد شده است.

◀ علامه سید محسن امین (ره) در «اعیان الشیعه» در توصیفش می فرماید: «شیخ محمد حسن بار فروشی معروف به شیخ کبیر از سالخوردهگان علمای معاصر و از شاگردان صاحب جواهر و دارای اجازه از ایشان می باشد عالمی فاضل فقیهی اصولی و محدثی رجالی و ادیب است».<sup>۱</sup>

◀ مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) [صاحب مفاتیح] نیز در «فوائد الرضویه» عیناً با عبارت فوق از وی تجلیل می کند.<sup>۲</sup>

◀ علامه بزرگ «شیخ آقا بزرگ تهرانی (ره)» نیز از وی تجلیل کرده و می فرماید: «شیخ محمد حسن بار فروشی فرزند مولی صفرعلی معروف به شیخ کبیر، عالمی جلیل القدر، مجتهدی فاضل و فقیهی بزرگ است»<sup>۳</sup>

◀ همچنین محقق توانمند «دکتر حسن امین» درباره اش می گوید:

۱- اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۷۱

۲- فوائد الرضویه، ص ۲۵۲

۳- نقباء البشر، ج ۱، ص ۴۰۴

« از اکابر علماء و مراجع تقلید در زمان خودش بوده مؤلفی محقق و از زعمای مشهور دین می باشد.»<sup>۱</sup>

در کتاب شریف «ریحانه الأدب» نیز از مقامش تجلیل شده و آمده است:

«شیخ محمد حسن ابن صفر علی بارفروشی مازندرانی معروف به «شیخ کبیر» از اکابر علمای امامیه عصر ما که عالم عامل، فاضل کامل، متبحر، محقق مدقق و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در فقه و اصول و رجال و کلام و اخلاق و غیر آنها، تألیفات نافعه بسیاری دارد که محل استفاده افاضل می باشند.»<sup>۲</sup>

◀ حضرت آیت الله العظمی «مرعشی نجفی» (ره) نیز ضمن معرفی ایشان بعنوان یکی از مشایخ روایتی خود، می فرماید:

«علامه فقیه، متکلم حکیم، پیرمرد سالخورده و پر میمنت و مبارک، آیت الله شیخ محمد حسن مشهور به شیخ کبیر مازندرانی (ره) فرزند مولی صفر علی بارفروشی (بابلی) که از علمای امامیه و از سالخوردگان بوده است...»<sup>۳</sup>

۱- مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۶۱

۲- ریحانه الادب، ج ۲، ص ۴۰۲

۳- محمد سمایی، همان

به هر حال آن عالم جلیل القدر، که مقام و منزلت وی این چنین مورد ستایش و تجلیل علمای بزرگ قرار گرفت پس از رسیدن به مقام رفیع اجتهاد جهت اقامه وظایف دینی و خدمت به مؤمنین راهی قزوین شد و پس از مدتی کوتاه دست به هجرتی دیگر زده و عازم شهر بابل گردید.<sup>۱</sup> و پس از ورود به بابل از سوی مردم شریف آن سامان مورد استقبال شایانی قرار گرفت. او که از اعظام و اکابر مجتهدین و عالمی کامل و آیتی از زهد و تواضع و تقوی بود در اکثر محافل علمی ایران و نجف اشرف آوازه اش پیچیده بود پس از فوت مرحوم «شیخ محمد حسن بارفروشی» معروف به شیخ کبیر در سال ۱۲۹۲ ق به شیخ کبیر دوم معروف گشته و شهرت فوق العاده ای یافت.<sup>۲</sup> و از مراجع تقلید شده و عده زیادی از مؤمنین مقلد ایشان گردیدند و به دنبال آن رساله عملیه معظم له تحت عنوان «صراط النجاه» به زیور طبع آراسته گردید.<sup>۳</sup> او از یک طرف زعامت و مرجعیت خطه سرسبز مازندران و به ویژه بابل را بر عهده داشت و حلال مشکلات دینی و اجتماعی مردم بود و از طرف دیگر با تکیه بر کرسی تدریس روحانیون و فضیلتی

۱- مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۶۱

۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۴، ص ۵۰

۳- همان، ج ۱۵، ص ۲۸-۲۹-الاجازه الکبیره، ص ۱۶۷، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۶۱ و نقباء البشر....

منطقه را تحت پوشش گرفته و شاگردان زیادی را از چشمه فیاض علم و معنویت خود سیراب ساخت.<sup>۱</sup>

مرحوم شیخ کبیر بعد از فوت فقیه بزرگ «ملا محمد مقدس اشرفی» (ره) به احترام آن مرحوم تا مدتی از قبول اقامه جماعت در مسجد جامع بابل امتناع می فرمود و آن را به «ملا محمد علی» فرزند ملا محمد اشرفی (ره) واگذار فرمودند تا این که وی نیز از دنیا رفت و شیخ کبیر امامت مسجد جامع را پذیرا شدند. معظم له که عارفی واصل و خود ساخته و مجسمه ای از تقوی و اخلاص و از شیفتگان و دلدادگان خاندان عصمت و طهارت (ع) بودند؛ در عین احراز مقام مرجعیت از ساختن جامعه و تهذیب نفوس مستعده و ترویج تقوی و پرهیزکاری و احکام متعالی شرع مقدس اسلام غافل نبود و ضمن اقامه جماعت، شیفتگان معرفت و مشتاقان معارف و تشنگان حقیقت را از چشمه جوشان خود سیراب می ساخت.

نفس گرم و بیانات بلیغ و شیوا و دلنشین آن رادمرد علم و تقوی در مسجد جامع هر شنونده ای را مجذوب خود می ساخت و مؤمنین را از هر سوی به آنجا می کشاند به طوری که بسیاری از اوقات حیاط و خیابانهای اطراف مسجد، مملو از

---

۱- مستدرکات اعیان الشیعه، همان و ...

جمعیت می گردید. او به خاطر حسن معاشرت و سیره عالی و برخورداری از فضایل و ملکات اخلاقی و مقامات معنوی، مورد ارادت و محبت عامه مردم مازندران حتی اقلیتهای مذهبی قرار داشت و بیت ایشان همواره محل رفت و آمد مردم و پناهگاه افرادی بود که از مشکلات مختلف رنج می بردند و برای رفع آن از وجود مبارکش استمداد می کردند.

آن فقیه فرزانه در اواخر عمر مبارکشان، بینایی خود را از دست داده بودند. یکی از علماء نقل فرمودند:

«شیخ کبیر (ره) زمانی که بینایی خود را از دست دادند؛ مجلس بزرگی تشکیل داده همه علمای شهر را به صرف ناهار دعوت کردند. پس از صرف ناهار خطاب به علماء فرمودند: حال مدتی است که بینایی خود را از دست داده‌ام از همه حضار و علمای محترم می خواهم؛ مهر من را که به حضورتان تقدیم می کنم فی المجلس نرا بشکنید تا پس از من با آن سوء استفاده ای نشود. بر حسب تقاضا و فرموده شان یکی از علمای حاضر مهر معظم له را در حضور سایرین شکستند.»<sup>۱</sup>

### ◀ فتنه بار فروش و نقش شیخ کبیر

ظهیرالدوله، مرشد و پیر درویشان فرقه صفی علیشاهی و وزیر تشریفات سلطنتی که در سال ۱۳۱۹ هـ ق با حفظ سمت به حکومت مازندران انتخاب و اعزام شده بود چون در شهر «بار فروش» بر خلاف رفتار حکام پیش از «شیخ کبیر» مجتهد مسلم و مرجع تقلید دیدن نکرد.

شیخ آن را حمل بر بی اعتنایی نموده؛ اختلاف فقیه و صوفی پیش آمد. برادر مجتهد مزبور «کربلایی عباس» در سایه عظمت شیخ، متتهای قدرت را پیدا کرده از حدود خویش تجاوز نموده و حاکم مطلق شد. به «باد کوبه»<sup>۱</sup> رفت تا در برگشت شاه از اروپا به تهران، آماده پذیرایی باشد و در نبود او «مبصر الممالک» کفالت داشت.

در آن میان یکی که آدمی را کشته بود از ترس قصاص در پناه «کربلایی عباس» در آمد. مأموران حاکم وقت که برای گرفتن قاتل رفته بودند به ممانعت نوکران کربلایی عباس روبرو شده در کشمکش، زدوخورد در گرفت و یکی از مأموران کشته شد. پس از چندی یکی از سرکردگان به واسطه حیف و میل کردن

۱- بادکوبه ← بادکوبه ← باکو. شهری جزو جمهوری آذربایجان که سابقاً برای ایران بود. (فرهنگ معین، ج ۵، ص ۲۳۲)

ابوابجمعی گرفتار تعقیب بود به کربلایی عباس پناه برد و نوکرانش او را به مأموران دولتی ندادند.

پا فشاری حاکم و اداره قشونی و لجاجت کربلایی عباس رشته انتظام را گسیخت. هواخواهان او شهر را متشنج کرده از ظهیرالدوله به شاه و صدراعظم تلگرافهای شکایت آمیز نمودند. همین که ظهیرالدوله از سفر برگشت عباس را تنبیه کرد. مرحوم شیخ کبیر از این پیشامد به خشم در آمده؛ ظهیرالدوله را تکفیر کرد. رجاله‌ای بزرگ که همه از مدیران او بودند به اداره حکومتی حمله بردند؛ شهر آشوب گردید و همه‌ها و غوغا بلند شد.

ظهیرالدوله که چنین وضعی را پیش بینی کرده بود برای احتیاط و حفظ دستگاه دولتی «فغفور میرزای مسرور السلطنه»، رئیس قشون مازندران را با نهصد نفر سپاهی از ساری به بارفروش برده بود. سپاهیان حملات شدید رجاله را بعد از دو سه روز دفع کردند و در آن زد و خورد سی نفر کشته و زخمی شدند. اثاث خانه کربلایی عباس چپاول رفت. به خانه شیخ کبیر و اداره حکومتی نیز خسارت راه یافت. چند نفر از فتنه جویان دستگیر و به مجازات رسیدند. خواستند مرحوم شیخ



[کبیر] را از شهر بیرون کنند علماء و مجتهدان مانع گردیدند ولی تا مدتی ایشان را از رفتن به مسجد و منبر و مجلس درس بازداشتند.

ظهیرالدوله در سال ۱۳۲۰ هـ ق به تهران بازگشت و از رفتن او آتش فتنه بار فروش فرونشست.<sup>۱</sup>

### ◀ شیخ کبیر و مشروطیت

در مبارزه برای مشروطیت، شیخ کبیر و اکثریت قریب به اتفاق روحانیون بار فروش به تبع او، همانند روحانیون ساری طرفدار مشروعه بودند و تلگراف های متعددی به تهران مخابره کردند.<sup>۲</sup>

### ◀ جوابیه های شیخ کبیر راجع به مشروطه

در ذیل به دو مورد اشاره می شود:

- «جواب از شیخ کبیر، بحمد الله تعالی مذهب جعفری (سلام الله علیه) مشروطه ای است که قانون آن قرآن و مبلغ پیغمبر آخر الزمان «علیه و علی اله صلوات الله الملك المنان» و مبین آن علماء اعلام و مجری آن سلطان اسلام است. دارند این

۱- تاریخ مازندران، ص ۲۲۶

۲- بابل (شهر زیبای مازندران)، ص ۵۸۱

وضع مستحدث را که بعضی برای پیشرفت مقاصد باطله خود مقدم شده؛ مشروطه‌اش نام نهادند چنانچه در این مدت مرئی و مسموع شد موجب تهدیم بنیان شریعت و تخریب آثار ملت است نمقه الجانی محمد حسن الکبیر المازندرانی<sup>۱</sup>

- «... چون اغلب از احکامات محکمه الهی (جلت عظمه) مبنی بر عنوان عدالت و دیانت می باشد مشروطیت و حریت که مشتمل است بر تسویه بین مسلم و کافر و عادل و فاسق و عالم و جاهل لاشک و لاریب فی حرمتها و چنانچه کسی حلال بداند تقویت آن را و اعانت نماید اساس آن را از ربه اسلام و ایمان و عقل خارج است. در این مدت دو سال آنچه از مشروطیت مجلس دیدیم و شنیدیم جز سفک دماء محترمه نهب اموال و تقویت اهل ضلال و نشر انواع منکرات و هتک شرف روسا دین و ملت و تجری اهل شقاق و نفاق دیگر چیزی نبود. فعليهذا اعانت مشروطه و مجلس حرام و بدعت است و تجدید آن هدم بنیاد اسلام و تقویت آن تضعیف قوانین شریعت حضرت خیر الانام (ص) و تسدید و تشیید آن معاندت و

محرابه امام زمان است... نمقه الجانی محمد حسن الکبیر، الاحقر شیخ جعفر،  
الاحقر علی اصغر...<sup>۱</sup>

### ◀ تألیفات شیخ کبیر:

۱- نتیجه المقال فی علم الدرایه و الرجال: مؤلف، این کتاب را که در موضوع  
رجال و تلخیصی از کتاب رجال استاد فرزانه اش، «شیخ محمد تقی هروی  
اصفهانی» (ره) می باشد. در تاریخ ۲۲ شوال ۱۲۸۴ ق یعنی حدود ۶۰ سال قبل از  
فوت خود به پایان رساند و در همان سال در تهران و در ۲۸۴ صفحه وزیری به  
چاپ رسید.

۲- حواشی های قیم و وزین بر «فرائد الاصول»: (رسائل) شیخ مرتضی انصاری  
(ره): در دو جلد که در سال ۱۳۳۲ ق در تهران به چاپ رسید.

۳- سراج الامه: شرحی است مفصل بر «لمعه شهید اول» در چند جلد.

۴- حدیقه العارفین: در مناقب و اخلاق و به زبان فارسی در ۱۳۲۳ و در ۵۳۵  
صفحه وزیری به چاپ رسید.

۵- حدیقه الشیعه فی الاخلاق: در مواعظ و اخلاق و به زبان فارسی به چاپ رسید.

۶- تقسیم الدرہ فی صلوة الجمعه: این کتاب با سبک شعری است و شیخ عباس قمی «فوائد الرضویه» آنرا به نهایت زیبایی و نیکی ستوده است.

۷- حاشیه بر «شرح تصریف ملا سعد الدین تفتازانی» در ۱۳۱۳ قمری به چاپ رسید.

۸- شرح بر «شرح تصریف ملا سعد الدین تفتازانی».

۹- صراط النجاه: در مسائل و احکام و به عنوان رساله علمیّه معظم له در اختیار مقلدین قرار داشت.<sup>۱</sup>

### ◀ وفات شیخ کبیر

سرانجام آن زعیم عالیقدر و مجتهد فرهیخته پس از عمری با برکت و سرشار از خدمت و معنویت که بیش از یک قرن بوده است در ماه شوال<sup>۲</sup> سال ۱۳۴۵<sup>۳</sup> قمری

۱- آشنایی با فرزندان بابل در سه قرن اخیر، ۱۴۲-۱۴۳

۲- شیخ در ۷ شوال ۱۳۴۵ ق در گذشته است (بابل شهر بهارنارنج، ص ۲۲۹)

۳- در کتاب «دانشمندان و رجال مازندران» (مهجوری) سال وفات را ۱۳۴۴ ضبط کرده است. (ص ۸۵)

دار فانی را وداع گفته و به دیار معبود شتافت.<sup>۱</sup> پیکر مطهرش با حضور دسته جات مختلف عزاداری و سینه زنی با حضور علمای اعلام و حتی اقلیتهای مذهبی منطقه با شکوه خاصی تشییع و در «مسجد محدثین» بابل در کنار مقبره عالم برجسته «مولی محمد نصیر» معروف به «ملانصیر» (ره) مدفون گردید.<sup>۲</sup>



تصویر ۱۸- مدفن شیخ کبیر در اتاق مجاور مقبره ملانصیرا که طبق وصیتش پایین تراز سطح

مقبره ملانصیرا قرار گرفته است.

---

۱- گنجینه دانشمندان، ج ۳، ص ۱۶۲، الاجازه الکبیره، ص ۱۶۷، الذریعه، ج ۲۴، ص ۵۰ نقباء البشر، ج ۱، ص ۴۰۴

۲- برگرفته از: آشنایی با فرزندان بابل در سه قرن اخیر، صص ۱۳۷-۱۴۲

بختس سوم

### ■ بهترین سند اعتبار مسجد

بدیهی است که اعتبار این مسجد به سند قطعی آن است. سندیت این مسجد همواره مورد بحث و نظر بوده و می باشد.

سند اعتبار این مسجد چیست تا مورد اعتماد مؤمنین قرار گیرد؟

در پاسخ می توان چنین گفت:

◀ وجود کتیبه ای بر روی محراب که سخن ملانصیرا مبنی بر دستور آن حضرت می باشد؛ سندی آشکار بر این اعتبار است. هر چند آن جمله معروف دلالت بر تشریف آن عالم فرزانه در خواب یا بیداری نمی کند ولیکن مشهور بین اذهان از گذشته تاکنون چنین است که این امر در بیداری صورت گرفته است.

◀ این جمله در کتیبه که از آن عالم بزرگ و صاحب کرامات عدیده در کتابهای مختلف نقل شده است؛ بعید به نظر نمی رسد چرا که همه از اهل تراجم و علماء به صراحت از آن مرد خدا به بزرگی یاد می کنند.

◀ انتساب یک مکان به امام زمان (علیه السلام) بدون اثبات و دلیل، گناه بزرگ و بدعتی آشکار است و اگر بدعت بود؛ قطعاً خود حضرت و همه علمای شیعه

الاخص مرحوم «ملانصیرا» و «سعید العلماء» و «شیخ کبیر» و «ملا محمد اشرفی»<sup>۱</sup> که در مشی اخباری به سر می بردند و دارای زهد و تقوای بسیار زیاد و کم نظیری بودند با این بدعت مخالفت می کردند همانگونه که در زمان خود با افکار باطل و بدعتها و فرقه های خرافی تا پای جان خود به مبارزه برخاستند.

◀ دلیل فلسفی است که «ادل الدلیل علی امکان الشیء وقوعه» یعنی: برترین و ویاترین دلیل بر امکان هر چیزی تحقق آن چیز می باشد. بنابراین عظمت و عنویت و مقام این مسجد مقدس بر اهل معنی پوشیده نیست و عنایات امام زمان (عج) به حاجتمندان و بیماران در این مکان ما را از هر گونه استدلال و استنباط نیاز می کند و تا امروز حاجتگاه نیازمندان از دور و نزدیک می باشد.

◀ مسجد بودن هر مکان خود به خود، خانه خدا و دارای تقدس است و آن سجده که نام امام عصر (عج) و دعا برای ظهورش بسیار برده می شود و جایگاه شقان و منتظران آن حضرت محسوب است؛ دلیل دیگر برای اتساع این مسجد امام عصر (عج) است.

---

وی متولد نیمه شعبان ۱۲۱۹ (ص ۵۶۴) و در غره رمضان ۱۳۱۵ دعوت حق را لبیک گفت. در مقبره‌ای که من او در محله مسجد جامع (شمال شرقی) بنا کردید؛ مدفون شد (ص ۵۶۷). حاج ملا محمد اشرفی ریاضت یار می کشید و برای کسب الهام مستقیم از امام زمان (عج) که فوق العاده طالب و شائق آن بود عبادت می کرد. (ص ۵۶۶) به نقل از: بابل (شهر زیبای مازندران)



◀ رایج و مشهور در اذهان از گذشته تاکنون و نقل سینه به سینه و سیره علماء در

تأیید این مکان به امام عصر (عج)، دلیل عرفی بر ویژگی این مکان شریف است.<sup>۱</sup>

### ■ شکوائیه امام جماعت مسجد محدثین

در این مجال، نامه امام جماعت مسجد محدثین جناب حجت الاسلام دکتر

نصیرایی به ریاست سازمان میراث فرهنگی کشور و دیگر ارگان های ذیربط را

آورده‌ایم که طبق تحقیق، ترتیب اثر خاصی صورت نگرفته و همچنان این مسجد

مهجور و غریب مانده است.

---

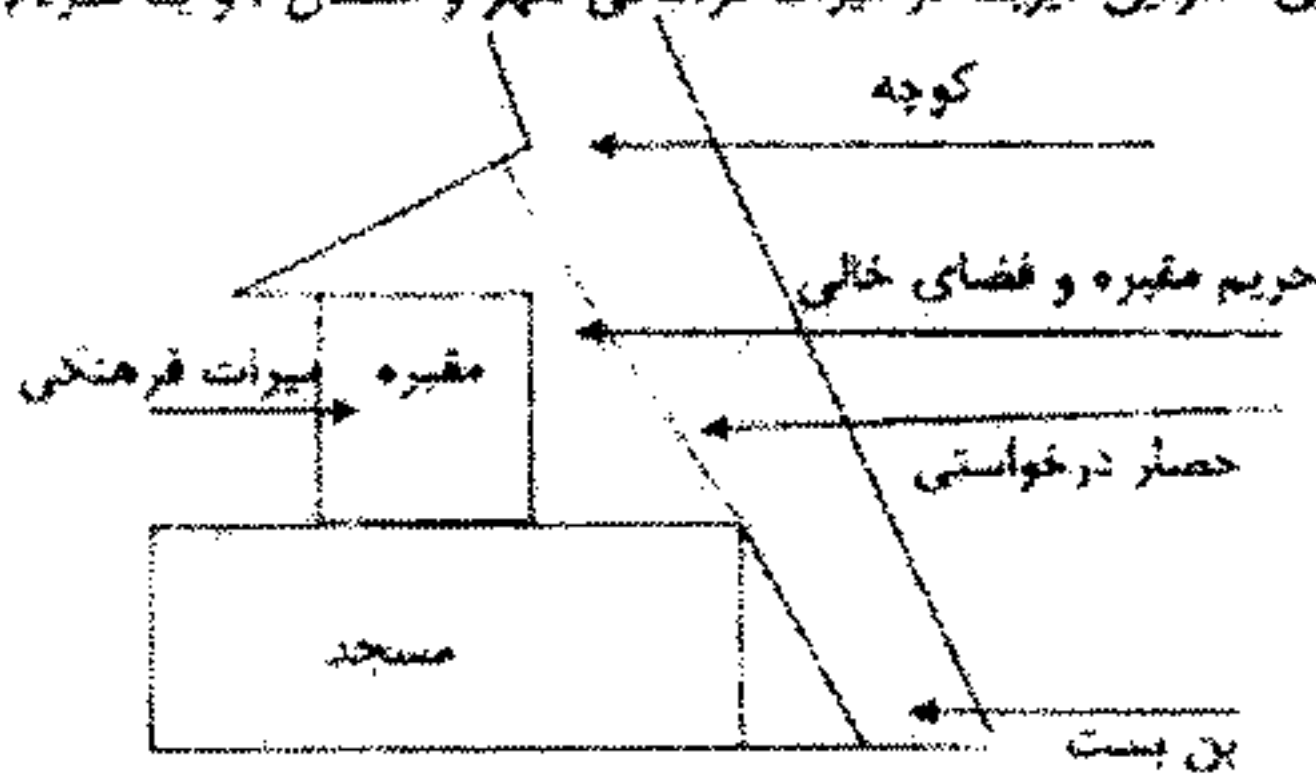
۱- خورشید پنهان، صص ۲۶-۲۷. تصور ناصحیحی که بین برخی همجواریان مسجد محدثین شیوع دارد این است که این مسجد در مقام قیاس از مسجد جمکران بالاتر است چرا که بانی مسجد جمکران (حسن مثله) دستور مبنی بر ساخت مسجد را در عالم رؤیا از امام زمان اخذ کرده اما بانی مسجد محدثین (ملانصیرا) آن را در بیداری اخذ و امتثال نموده است. در پاسخ باید گفت: اولاً خواب یا بیداری در تشریفی که حق است هیچکدام دلالت بر شرافت نمی کند ثانیاً در مراجع روایی مدرکی وجود دارد که در آن تشریف بانی مسجد جمکران را در بیداری تأکید نموده اما در حال حاضر مدرکی نال بر تشریف ملانصیرا در بیداری نیافته ایم.

شماره: ۸۴/۱۳  
 تاریخ: ۸۴/۶/۷  
 پیوست: محررات

هو العزیز  
 ریاست محترم سازمان میراث فرهنگی کشور  
 سلام علیکم

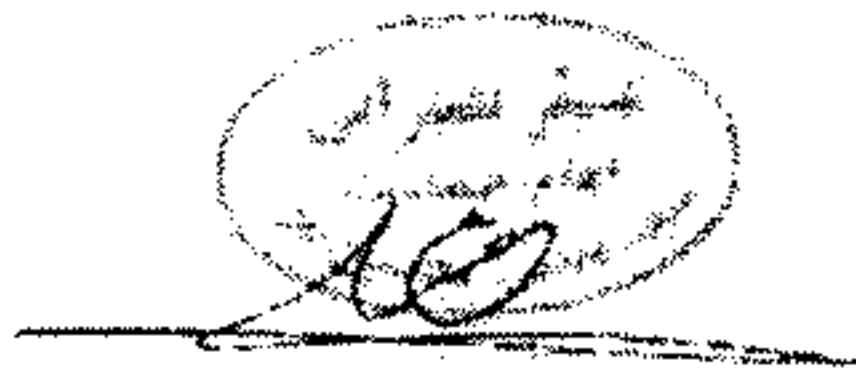
با احترام و ادب می‌رسانیم که در اعتقادات ما، محبان اقلیت (ع) چنین است که بقای نظام هستی به یمن وجود مبارک مولایمان امام زمان حجة بن الحسن «عج» است و در این دوره از آخر الزمان که دشمنان قسم خورده اسلام از داخل و خارج هجمه گسترده خود را بر علیه مقدسات دین و فرهنگ مهدویت تشدید کردند و جوانان گرامی و فرزندان ما را در مهلکه لا قیدی و بی مذهبی قرار داده اند بر خود فریضه ای می‌دانیم تا در گسترش فرهنگ دینی و حفظ آثار الهی سر سخته کوشا باشیم.

مسجد مقدس محدثین بابل که به امر امام زمان «عجل الله فرجه» احداث گردید، و مقبره دو عالم فرزانه ای را در جوار خود دارد، به علت نداشتن حصار و عدم اهتمام به حفظ این اثر کهن که حدود ۲۹۰ سال قدمت دارد، این میراث علمی و فرهنگی شهر در معرض تخریب و دستبرد نا اهلان و محلی برای ریختن زباله قرار گرفته است. برای حفظ این سرمایه منوی و ایجاد امنیت برای مسجد، احداث دیوار و یا نرده در حریم مجاور و ترمیم آثار تخریب شده و به یمنی رفته که گویا بر اثر کوتاهی و سهل انگاری مسئولین ذریبط در میراث فرهنگی شهر و استان، و یا مردم صورت گرفته است، ضروری است.



به رأسی چه کسی پاسخگوی این تقصیر است؟ اگر حفظ این آثار ارزشمند تاریخی بر عهده آن سازمان است که خود مدعی آن هستند پس چرا برای حفظ و بقای آن هزینه نمی‌کنند؟ و اگر بر عهده مردم و اهالی محل می‌باشد پس چرا از ترمیم و تعمیر آن معانقت می‌کنند؟ بنا بر این از آن مقام و سازمان تقاضا می‌شود از محل بازدید کرده و دستور لازم را در احداث حصار مبلول فرمایند.

با تشکر وافر - امام جماعت و شورای مسجد مقدس محدثین



- ۱- نوشتار: سازمان میراث فرهنگی استان مازندران
- ۲- آیت الله طهرانی نماینده ولی فقیه در استان
- ۳- امام جمعه شهر بابل
- ۴- فرمانداری شهر بابل
- ۵- شهرداری شهر بابل
- ۶- اداره اوقاف شهر بابل
- ۷- میراث فرهنگی شهر بابل

اصل نامه گلایه آمیز امام جماعت مسجد مقدس محدثین

### □ علل مهاجرت و گمنامی مسجد محدثین

علتها و عوامل بسیاری را در مهاجرت و گمنامی مسجد محدثین بابل می توان بر شمرد که به چند نمونه اشاره می شود:

- ۱- ناشناختگی شخصیت ملانصیرا به مرور زمان
- ۲- عدم تحقیق جدی محققان بابلی راجع به شخصیت ملانصیرا
- ۳- عدم توانایی مردم بابل در شناساندن این مسجد به سایر شهرها
- ۴- طبق گفته های امام جماعت مسجد محدثین و مردم محلی، عدم آشنایی روحانیون و مبلغین بابلی به اهمیت این مسجد و بی توجهی در امر تبلیغ آن
- ۵- تهیه نشدن کتاب یا تحقیقاتی مستقل راجع به این مسجد
- ۶- از بین رفتن بعضی منابع و کتابها یا در دسترس نبودن آنها
- ۷- چه بسا نزدیکی به یهودی محله و فتنه انگیزی آنها و از بین بردن منابع و مدارک مرتبط با مسجد (و الله اعلم)
- ۸- کم رنگ شدن معنویات و مشکلات اقتصادی مردم و روزمره گی و عدم استقبال عمومی مردم از مساجد

۹- کم رنگ بودن یاد حضرت مهدی و موت ذکر ایشان چنانکه در روایتی

منسوب به امام جواد (ع) به از بین رفتن یاد حضرت مهدی و مردن ذکر

ایشان اشاره شده است.<sup>۱</sup>

۱۰- کم همتی امامان جماعت این مسجد در سابق !!!

مع الوصف همه این عوامل با شدت و ضعف می توانسته باعث عدم شهرت،

گمنامی و مهجوریت این مسجد مقدس تا کنون باشد.

### ■ رشد مسجد مقدس محدثین و آینده درخشان آن

آنچه ما دیدیم و از مردم محلی شنیدیم با آمدن امام جماعت جدید به این مسجد،

گویی خونی تازه در رگهای آن به جریان افتاده است. حجه الاسلام دکتر نصیرایی

که از تابستان ۱۳۸۴ ش به امر امام جمعه بابل، امامت جماعت این مسجد مقدس

را به عهده گرفته اند ظرف مدت چند ماه باعث تحول در این مسجد شده اند.

ایشان راجع به مهجوریت و غربت مسجد مقدس محدثین به مؤلف این کتاب

---

۱- حدثنا الصقر ابي دلف قال: سمعت ابا جعفر محمد ابن علي الرضا عليهما السلام يقول: ان الامام بعدى ابني علي، امره امرى و قوله قولى و طاعته طاعته ... و الامام بعده ابني الحسن، امره امراييه و قوله قول ابيه و طاعته طاعه ابيه. ثم سكت. فقلت له: يا ابن رسول الله فمن الامام بعد الحسن؟ فبكى بكاء شديداً ثم قال ان من بعد الحسن ابني القائم يا لحق المنتظر فقلت له: يا ابن رسول الله لم سمي القائم؟ قال لانه يقوم بعد موت ذكره و ارتداد اكثر القائلين بامامته ... (كمال الدين، ج ۲، ص ۲۷۸)

گفتند: مهجوریت این مسجد با همه عنایت حضرت مهدی (عج) به وضوح روشن بود و ظلمی بود به این مسجد که از طرف مبلغین و روحانیون و آنهایی که در این مسجد سابقاً بودند صورت گرفت !!!

ایشان یک کتابچه به نام «خورشید پنهان» منتشر کردند و از آن در سطح شهر جهت آشنا شدن مردم بابل!!! با این مسجد مسابقه ای ترتیب دادند که نزدیک ۸۰۰ هزار تومان هزینه جوایز بوده که این امر اسباب تعجب مردم را فراهم کرد. از زمان فعالیت ایشان، گروههای مهدویت به همکاری با این مسجد روی آورده اند و قصد ساخت یک فیلم بر اساس تشریف ملانصیرا در سردارند.

خیلی افراد با این اقدامات پایشان به این مسجد باز شده است. ایشان شورای فرهنگی و شورای مسجد تشکیل داده اند و معتقدند در عصری که دشمن علیه مهدویت فعالیت می کند چرا ما که اینهمه پایگاههای خوب مثل مسجد مقدس محدثین داریم؛ عمل نکنیم.

این مسجد در بیشتر اوقات مهجور و غریب بوده است از سال ۱۳۶۰ ش حدود ده، دوازده نفر از بچه های مخلص شبهای چهارشنبه به این مسجد می آمدند و دعای توسل برگزار می کردند و عمده آنان در دفاع مقدس به شهادت رسیده اند.

شنیدم در جلسه «جامعه روحانیت بابل» وقتی مطرح شد که مقبره شیخ کبیر و ملانصیرا در مسجد محدثین قرار دارد خیلی از روحانیون بابلی اظهار بی اطلاعی و تعجب کردند!!! حتی خودم نیز از بعضی مردم در سطح شهر از مسجد محدثین پرسیدم ولی عده کثیری حتی نام آن را هم نشنیده بودند. همه این موارد نشان از غربت مسجدی دارد که به امر امام زمان (عج) بنا شده لکن ما آینده ای روشن و درخشان برای این مسجد مقدس می بینیم. (العاقبه للتقوی)

#### ■ کرامات مسجد مقدس محدثین

کراماتی که در ذیل از نظر خواهد گذشت به توثیق جناب حجه الاسلام دکتر نصیرایی امام جماعت مسجد محدثین که مدیر مدرسه علمیه صدر نیز هستند؛ رسیده است که طبق تحقیق این کرامات رو به تزاید و تکاثر است. مسجد مزبور در سابق محل ثبت کرامات نداشته که این چند نمونه مشتی از خروار می باشد که به همت دکتر نصیرایی ثبت شده است.<sup>۱</sup> در کراماتی که نام اشخاص ذکر نشده بی شک ملاحظاتی در نظر آمده است.

◀ تشریف فرمایی حضرت مهدی (عج) به مسجد و خواندن نماز

او پیرزنی پاکدل و بی آرایش بود و چون از سادات بود او را «سیده خانم» صدا می‌زدند او و همسرش «مش باب جان» توفیق خدمتگذاری و نظافت این مکان شریف را بر عهده داشت و در یکی از حجره های قدیمی این مسجد زندگی می‌کردند. کمتر اتفاق می‌افتاد که از مسجد خارج شود. او توفیق یافت که بارها حضور مبارک امام زمان (عج) را در این مسجد درک نماید و چنین عادت داشت که همه حوادث و اتفاقات مسجد را برای شوهرش نقل می‌کرد و مش باب جان نیز در صحبت‌هایش با مؤمنین آنها را نقل می‌کرد:

او می‌گفت: همسرش سیده خانم طبق عادت، قبل از اذان وارد شبستان زنانه می‌شد و سجاده ها را ردیف می‌کرد و همه جا را بررسی می‌کرد. بعد کنار پرده حایل بین مردان و زنان در جای مخصوص خودش می‌نشست و طبق عادت زیر پرده را بالا می‌زد و نیم‌نگاهی به شبستان قسمت مردانه می‌کرد تا از اوضاع آن با خبر شود و وقتی خیالش از مرتب بودن مسجد آسوده می‌شد؛ پرده ها را پایین می‌آورد و در انتظار نمازگزاران مدتی می‌نشست. در یکی از شبها هنگامی که در

جای خود نشسته بود؛ شنید کسی [در] قسمت مردانه نماز می خواند! دست برد زیر پرده را گرفت تا آن را بالا بزند؛ ناگهان صدای آن مرد را شنید که با زیان محلی با لحن خاصی به او می گوید: آهای! سیده خانم پرده را بالا نزن! او شگفت زده شد و شتابان به طرف اتاق آمد و جریان را به شوهرش گفت چه کسی در مسجد نماز می خواند؟! گفت: نمی دانم! برویم؛ ببینیم چه کسی است در این وقت خیلی زود وارد شبستان شده است؟

آمدند و کسی را ندیدند؛ فهمیدند کسی از بیرون وارد شده است و پی بردند که در این وقت کسی جز صاحب این خانه امام زمان (عج) نیست.

### ◀ نماز خواندن امام زمان (عج) در محراب مسجد

مش باب جان، خادم مسجد [کرامت دیگری نیز نقل کرد]:  
نیمه شبی همسرم از خواب برخاست برای کاری به حیاط مسجد رفت و دید داخل شبستان مسجد، روشن است! برای یافتن علت روشن بودن چراغها وارد شبستان شد و با کمال تعجب در داخل محراب مسجد آقای را مشاهده کرد که مشغول نماز است! با شتاب نزد من آمد و گفت: چرا در این وقت، در مسجد را باز گذاشتی؟ برو بیرون ببین چه کسی دارد؛ نماز می خواند!



من به شبستان رفتم و کسی را ندیدم و برگشتم به او گفتم: کسی در مسجد نیست! گفت: خودم همین الان شخصی را در محراب مسجد مشغول نماز خواندن دیدم! فهمیدم او همان صاحب این خانه، امام زمان (عج) بوده است نظیر این جریان مکرر برای من و همسرم اتفاق افتاده است.

### ◀ عنایت امام زمان (عج) به یک جوان هجده ساله

هجده سال از سنم می گذشت و باید به خدمت سربازی می رفتم ولی نمی خواستم به رژیم پهلوی خدمتی بکنم. تصمیم گرفتم که با توسل به آقا امام زمان (عج) به این خواسته ام برسم.

سه ماه تابستان را روزه گرفتم و صبح و عصر در «مسجد مقدس محدثین» به نماز و عبادت مشغول بودم. خادم مسجد که در آن زمان پیرمردی بود او را «مش باب جان» صدا می زدند با من صمیمی شد. روزی از او خواستم که کلید مسجد را به من بدهد تا نیمه های شب برای عبادت به مسجد بیایم او هم پذیرفت و کلید مسجد را به من داد. شبها وارد این مکان مقدس می شدم و چراغها را روشن می کردم و هنگام رفتن آنها را خاموش می کردم. اولین شب جمعه ماه مبارک رمضان

بود که برای عبادت به مسجد آمدم و با تعجب دیدم تمام چراغها روشن است؛ وارد مسجد شدم و در را از درون قفل کردم و در محراب به عبادت ایستادم. در حال رکوع بودم که صدای باز شدن در را شنیدم گویا کسی وارد مسجد می شود؛ فراموش کردم که در مسجد را قفل کرده بودم. در همان حال رکوع با گوشه چشمم فضای ورودی مسجد را نظارم می کردم؛ دیدم فردی وارد شد و کفشهایش را در قفسه کفشداری گذاشت و آهسته به درون شبستان آمد. باطمینان و وقار خاص و دارای قامتی کشیده بود. لباسی سفید بر تن داشت. مقداری از شبستان را به طرف محراب جلو آمد و با فاصله ای نزدیک، توقف کرد و با نگاهی به من خیره شد.

عرق وحشت تمام وجودم را پر کرد و حال طبیعی خود را از دست دادم چون در حال رکوع خشکم زده بود؛ نتوانستم صورتم را بر گردانم و چهره اش را واضح و روشن بینم. او نگاه تندی به من کرد و از همان راه برگشت و رفت و من نفس راحتی کشیدم! و به حال طبیعی برگشتم و نماز را با سرعت، تمام کردم تا زودتر به او برسم و ببینم او کیست. هنگامی که خواستم در را باز کنم دیدم که در ورودی قفل است با کلید در را باز کردم و آمدم نزد خادم و گفتم: آیا تو در مسجد را باز

کردی؟ گفت: خیر! من همیشه در را قفل می کنم و جز به تو به هیچ کسی کلید ندادم.

شگفت زده شدم و فهمیدم که او مولایم امام زمان (عج) بود که پس از آن همه ریاضت کشیدن و عبادت و آمدن به این مسجد، سرانجام این ملاقات چنین صورت گرفت و من او را شناختم. حسرت دیدارش بر من افزون گردید چرا که قابل نبودم چهره زیبایش را روشن بینم!

بعد به طور معجزه که برکت همان نگاه بود کار سربازی رفتن من حل شد و خدا را شاکرم که به آن رژیم خدمت نکردم و از آن روز تا کنون ملازم این مسجد هستم.

### ◀ دیدن وضو گرفتن امام زمان (عج) در مسجد

مرحوم ملکی، از مداحان اهل بیت (ع)، مردی با اخلاص و با ایمان بود که عمر خود را در خدمت به اهل بیت (ع)، در مجالس گوناگون و این مسجد سپری کرد. وی ارادت و علاقه بسیاری به این مسجد داشت. می گفت که: امام زمان (عج) را در کنار حوض کنونی مسجد در حال وضو گرفتن دیده است.

◀ کيفر بی احترامی به مسجد

او پيرمردی... بود که اواخر عمر خود را می گذرانید. وی معتقد بود که باغچه صحن مسجد جزء مسجد نیست و از آنجا که دستشویی های مسجد (در گذشته) در بیرون واقع شده بود و در شبهای تاریک، رفتن به آنجا رنج و زحمت و ترس داشت؛ بیچاره برای دفع ادرار می رفت کنار باغچه رفع حاجت می کرد. بعضی از مؤمنین که جریان را فهمیدند به او تذکر دادند که این کار تو زشت و بی احترامی به مسجد است ولی او اعتنایی به حرف آنان نمی کرد و کارش را ادامه می داد تا آن که شبی در عالم خواب دید: شخصی را که با تندی و عتاب به او خطاب می کرد و او را از آن عمل باز می داشت و از روی خشم بر صورت او سیلی زد. با خوردن سیلی محکم، وحشت زده از خواب پرید و کسی را ندید ولیکن از آن ضربه سیلی به شکل انگشتان دست، بر صورت او مانده بود.

◀ شفا یافتن چشمان نابینای جانباز بسیجی (سال ۱۳۶۵ ش)

یکی از کرامات این مکان مقدس شفای چشم یک جوان بسیجی است که به گفته شاهدان ماجرا و خواص جریان از این قرار است:

حدود پنج سال از دفاع مقدس می گذشت. در یکی از شبهای احیاء ما به اتفاق دوستان رزمنده که از جبهه آمده بودند برای مراسم شب احیاء «مسجد مقدس محدثین» رفتیم. صحن مسجد مملو از جمعیت بود فضای عطر آگین و معنوی مسجد نورانیت خاصی به مجلس داده بود. مردم دعا می خواندند و حال خوشی داشتند...

در همین اثنا برادران جانباز و معلول را به این مسجد آوردند. صدای صلوات جمعیت، چشمان گریان را به سوی آنان دوخته بود. هر یک از آنان را در حوالی محراب جای دادند. آمدن این عزیزان حال و هوای دیگر به مجلس داده بود و همه با چشمان گریان و امیدواری برای شفای آنان دست به دعا برداشته؛ گویا خود را فراموش کردند و از امام زمان (عج) شفای آنان را می طلبیدند. از میان این برادران جوانی نابینا کنار مسجد نشسته بود ناله های جانسوزی داشت و خیلی بی تابی می کرد. گویا تمام غم های عالم بر دل او نشسته است. منتظر بودیم که امشب فرجی از جانب مولا نصیب آنان گردد لذا چشمانمان را به آنان دوخته بودیم تا شفایشان را با چشمان خود ببینیم ولی تا آخر مجلس خبری نشد و کسی از آن شب شفا نگرفت.

اما فردای آن شب شنیدم همان برادر جانباز که شب گذشته در مسجد حاضر بود از امام زمان (عج) شفا گرفته است. با عده ای از برادران رزمنده، مشتاقانه به طرف بیمارستان شتافتیم. وارد اتاق شدیم؛ با سیمای بشاش و نورانی او مواجه شدیم که همه را مجذوب خود کرده بود.

آری! او همان برادر نابینایی بود که ناله‌هایش در مسجد همه را منقلب کرده بود. او بینا شده بود و لبخند ملیح بر صورتش نقش بسته بود. لبخندی حاکی از اطمینان قلبی و رضایت او که «رنگ رخسار خبر می دهد از سر درون»

از او خواستیم تا جریان شفای چشمانش را برای ما نقل کند. ایشان گفت: آن شب انقلاب عجیبی در من ایجاد شده بود و هر لحظه انتظار می کشیدم که چشمانم باز شود. امیدوار بودم جوابم را از آقا بگیرم زیرا به ما گفته بودند این مسجد، بسیار مقدس و مورد نظر امام زمان (عج) است و کرامات زیادی از این مسجد دیده شده است. آن شب خیلی ناله کردم ولی خبری نشد و من ناامید و دلشکسته از مسجد بیرون آمدم و به بیمارستان رفتم. بر تخت خود دراز کشیدم بعد از مدتی به خواب رفتم و در عالم رؤیا سیمای پر نور مولایم امام زمان (عج) را دیدم که فرمود: چرا این قدر بی تابی می کنی؟! ...

چشمانت را باز کن! چشمانت را باز کن! من چشمان خود را گشودم و در آن حال از خواب بیدار شدم و خود را بر تخت بیمارستان یافتم. منظره اتاق و در و دیوار برایم نمایان شد و حیرت زده خود را در فضای دیگر یافتم... بسیار منقلب شدم. فهمیدم امام زمان (عج) به حرمت آن مسجد مقدس لطف فرموده و نور چشمانم را بر گردانده است.

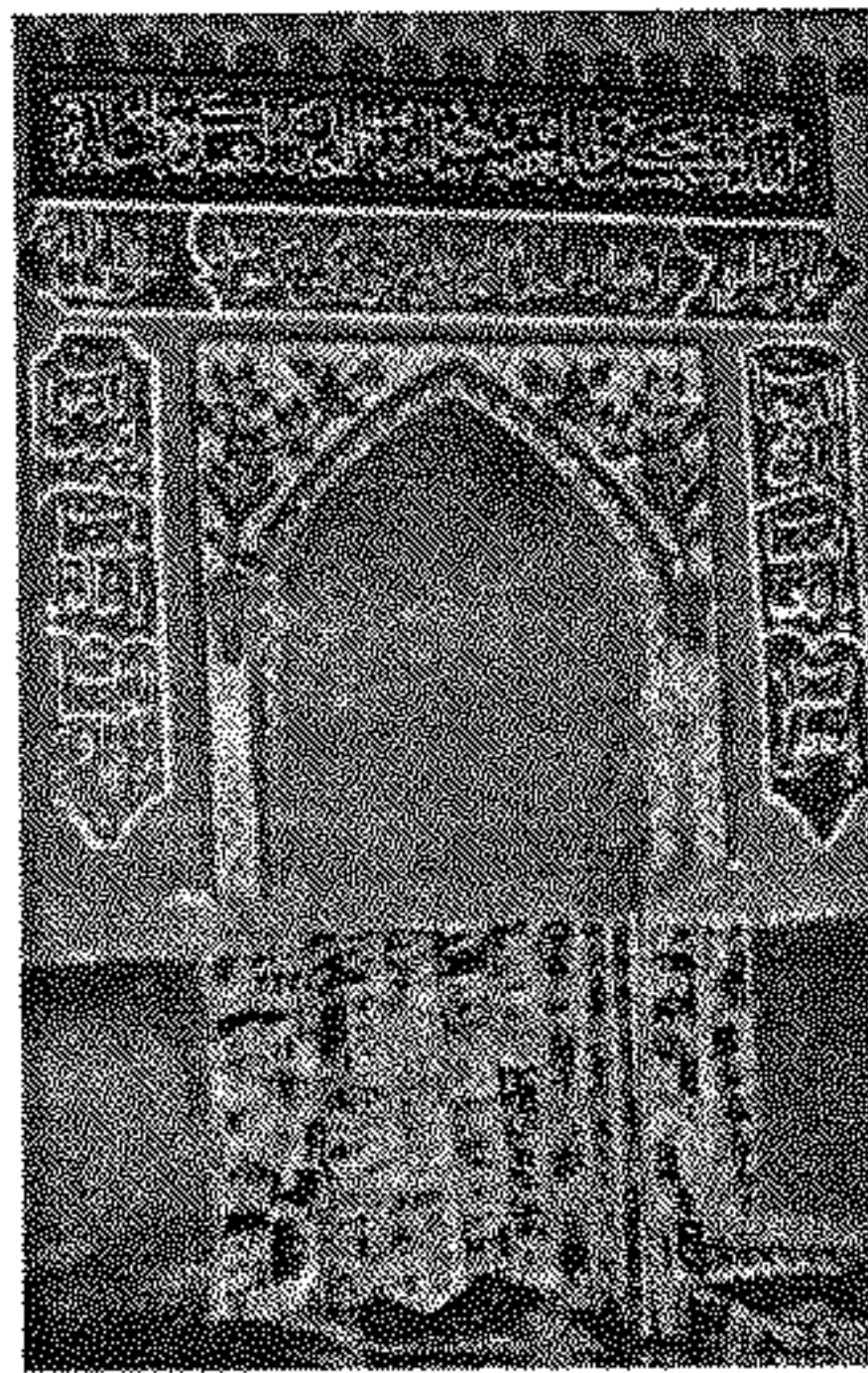
#### ◀ اهمیت محراب مسجد

یکی از اعضای هیئت امنای مسجد در سال ۱۳۷۲ نقل می کند: در این سال قرار شد محراب مسجد که بر اثر رطوبت زیاد همواره ترمیم می شد؛ اساسی باز سازی و سنگ کاری شود به طوری که نوشته و کتیبه بالایی آن خراب نشود چون دیوار محراب از خشت و مرطوب و سست بود. بازسازی آن بسیار مشکل و موجب فروریختن بالای محراب و کتیبه معروف آن می شد.

هر چه فکر و چاره جویی کردیم؛ نتوانستیم راه حلی پیدا کنیم. ناگزیر تصمیم گرفتیم در مرحله عمل با آهسته تراشیدن ظاهر محراب آن را برای سنگ کاری کردن آماده کنیم ولی در عمل با مشکل روبرو شدیم و دیوار محراب با ضربه تیشه

ای که بر آن وارد می شد؛ خود به خود فرو می ریخت! ترس ما را فرا گرفت و نگران بودیم که محراب فرو بریزد و مردم ما را نفرین کنند!

دست از کار کشیدیم و به بنا گفتم: هر دوی ما خسته شده ایم و فکر ما دیگر کار نمی کند. بهتر است به منزل برویم و بعد از ناهار و استراحت برگردیم و چاره ای پیدا کنیم. همه [هر دو] رفتیم و وقتی هنگام عصر به مسجد و کنار محراب آمدیم؛ با تعجب دیدیم دیواره [محراب] مسجد خیلی صاف و زیبا تراشیده و آماده شده است و فهمیدیم امام زمان (عج) این کار را برایمان آماده نموده اند.



تصویر ۱۹- محراب قدیم (پیش از ترمیم)



### ◀ حضرت زهرا و مسجد محدثین

آقای «سید حسن زرگر نتاج»، پیرمرد با صفایی که خادم «مسجد محدثین» بود؛ برای ما از کرامات مسجد سخن گفت و هنگام نقل این قضیه، گریه می کرد.

او می گفت: وقتی که می خواستم خادم این مسجد شوم؛ عده ای به من گفتند که تو نمی توانی در این مسجد دوام بیاوری و این کار تو نیست و مرا دچار تردید کرده بودند. یک شب در عالم رؤیا، مادرم (منظور حضرت زهرا (س) است) به همراه پنج فرزند خود به منزل ما تشریف آوردند و رو به من کردند و فرمودند: «ما با تو کار داریم» [بعد] آن حضرت مرا به مسجد آوردند و فرمودند: این آبدارخانه را می شویی و آن نردبان را بگذار و دیوارها را تمیز کن! من به حضرت زهرا (علیها السلام) عرض کردم: نردبان خیلی سنگین است! آن حضرت فرمودند: من و فرزندانم کمکت می کنیم و تو تمام آشپزخانه را تمیز کن! پسر (مقصود امام زمان (عج) است) امروز می خواهد این جا بیاید! از خواب بیدار شدم. آن روز مصادف با سه شنبه بود رفتم مسجد مشغول نظافت شدم. جالب اینکه هنگامی که آن نردبان را بر می داشتم؛ [نردبان] خود به خود از زمین بلند می شد. گویا کسی مرا کمک می کرد. من آن روز به شخصی از دوستان گفتم: آقا امام زمان (عج) امشب به

مسجد تشریف می آورند. آن شب، مجلس حال و هوای خاص و دیگری داشت و در بین همه مردم حاضر در مسجد، یکپارچه شور و گریه حاکم بود.

### ◀ شفای درد دست

آقای مقدادی که در همسایگی مسجد منزل دارد؛ اظهار داشت:

من که همسایه مسجد هستم کرامات بسیاری از آن دیدم. زمانی یکی از دستان من از کتف تا انگشتانم درد می کرد. هر چه کردم؛ مداوا نشد تا آن که شبی به خودم آمدم و گفتم: همه از هر کجا به این مسجد می آیند و جواب می گیرند تو که همسایه هستی چرا جواب نگیری!

پس از آن به مسجد آمدم و دست و شانه خود را به در ورودی مالیدم همان لحظه درد دستم برای همیشه قطع شد.

### ◀ هدایت به مسجد محدثین

حجه الاسلام و المسلمین ... از اساتید حوزه علمیه خاتم الانبیاء «صدر» بابل در آشنا شدن با مسجد اظهار داشت:

روزی برای خواندن فاتحه بر سر قبر «ملای اشرفی» واقع در کنار مسجد جامع رفتم. مردی را دیدم که برای زیارت آن قبر آمده بود. با هم آشنا شدیم. لهجه آذری داشت و می گفت: من اقوامی در شهر «قائم شهر» دارم که سالی چند بار از «آذربایجان» به دیدارشان می آیم و در هر نوبت بر خود لازم می دانم که به دو مکان در بابل بیایم. یکی قبر ملای اشرفی و دیگری «مسجد محدثین» است. (از احوال او دریافتم گویا از این دو مکان چیزهایی دیده و یا حاجاتی گرفته است که خود را مدیون این دو مکان می دانست) گفتم: من تا کنون به مسجد محدثین نرفته ام!!! گفت: اکنون عازم آنجا هستم. با هم به مسجد محدثین آمدیم. بار اول با دیدن فضای معنوی حاکم بر این مسجد تحت تأثیر قرار گرفتم.

#### ◀ شفا خواهی با نماز امام زمان (عج)

آقای ... که در همسایگی مسجد مغازه دارد برای مؤلف جریانی را نقل کرد و من از او خواستم آن را مکتوب به من بدهد و ایشان هم آن قضیه را اینچنین نوشت:

عصر روز سه شنبه در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۸ ساعت ۱۷/۳۰ به قصد رفتن به بانک از خیابان کنار مسجد محدثین عبور می کردم.

دیدم خانمی چادری در جنوبی مسجد را پی در پی می‌کوبد! فهمیدم برای رفتن به مسجد بی‌تابی می‌کند. نزدیک شدم. پس از سلام به او گفتم: با مسجد کاری دارید؟ گفت: آری! حس کنجکاویم تحریک شد و از او پرسیدم: اگر کارتان ضروری است من بروم؛ خادم مسجد را پیدا کنم تا در را برایتان باز کند.

او موافقت کرد و من هم آمدم به «حاج آقای آرامی» که او نیز مانند من مغازه در همسایگی مسجد دارد؛ گفتم: «مثنی محمد علی» خادم مسجد را سراغ نداری؛ کجاست؟

گفت: برای کاری رفت و نیم ساعت بعد می‌آید. من برگشتم به آن خانم گفتم: خادم، نیم ساعت بعد می‌آید. اگر من می‌توانم کمکی بکنم؛ حاضرم. گفت: خیر! می‌خواهم وارد مسجد بشوم.

از لهجه آذری وی فهمیدم؛ غریب است. پرسیدم: برای چه این قدر اصرار به رفتن درون مسجد را دارید؟! گفت: برادرم بیمار و بر تخت بیمارستان است. صبح روز گذشته که به عیادت او رفتم به من گفت: من دیشب خواب دیدم که تو داری در مسجد محدثین شهرستان بابل نماز می‌خوانی و از آقا امام زمان (عج) شفای بیماری مرا تقاضا می‌کنی. [بعداً] آدرس مسجد را به من داد و از آذربایجان به آن

آدرس به اینجا آمدم تا دو رکعت نماز بخوانم و شفای برادرم را از امام زمان (عج) طلب کنم. خیلی از سخنان او متأثر شدم به خودم گفتم: ما همسایه این مکان مقدس هستیم و قدر و منزلت آن را نمی دانیم ولی امام زمان (عج) مردم را برای گرفتن حاجت از راه دور به اینجا حواله می دهد!

ناگهان [در همین اثنا] یکی از اعضای هیئت امناء مسجد آمد و با احترام به آن زن، در را باز کرد.

◀ امام زمان فرمودند: مسجد محدثین هم از من است

او در دفتر ثبت کرامات مسجد نوشت:

اینجانب «رجبعلی نیک خو» در سال ۱۳۸۰ به خاطر مرگ همسر مصیبت زیادی بر من وارد شد و به خاطر بیماری قلبی در بیمارستان «شهید رجایی» تهران بستری شدم.

شب چهارشنبه متوسل به امام زمان (عج) شدم و با کاروانی که عازم مسجد مقدس جمکران بود همراه شدم. به خاطر کمی وقت نتوانستم اعمال مسجد را کامل انجام

بدهم و با ناراحتی زیاد به تهران برگشتم. قبل از خوابیدن گریه زیادی کردم و به خواب رفتم.

در عالم رؤیا، آقای را با لباس سبز دیدم که همسر مرحومم پشت سر وی ایستاده بود. همسرم به من اشاره کرد و فهماند که به آقا توجه کن! آقا از من سؤال کرد: چرا ناراحتی؟ گفتم: آقا! من با حال بیمارم آمدم «جمکران» ولی نمازم را ناقص انجام دادم!

فرمود: همان هم قبول شد؛ ناراحت نباشید از این به بعد شما و آنهایی که آنجا (شهر بابل یا شمال) هستند به دلیل کهولت سن و نداشتن بودجه مالی، بروید به «مسجد محدثین»، آنجا از من است. بروید و این موضوع را به آقای... بگوئید. دو هفته گذشت و من همسرم را دوباره در خواب دیدم و به من گفتم: چرا آن مطلب را به فلانی نگفتی؟! و بعد من به منزل آن فرد رفتم و پیام امام را به او رساندم.

پایان

### ... کلام آخر

آنچه بر دوش ما به عنوان پژوهشگر عرصه دین سنگینی می کند؛ مسئولیتی است که در قبال کیفیت پژوهش بر عهده ما نهاده اند. مسئولیتی بس خطیر که در این وانفسای نسیان و عصیان به بضاعت مزجات مادی و معنوی نیز در آمیخته است. با این همه آن چیز که باعث قوت قلب و استمرار این راه بلاخیز است از یک سو حس فطری به ساحت اقدس صاحب الامر و از سوی دیگر مشاهده دل‌های پر تپش و سینه های پر عطش مشتاقان چشمه زاینده و جوشان ولایت و امامت است که ما را ترغیب می کند تا بهترین گلهای این گلزار را برای محبان و ارادتمندان خاندان اهل بیت دستچین نمائیم.

با این اوصاف در این مجال خواستیم که امر و فرموده حضرت مهدی (عج) بر زمین نماند و در روزگاری که موت ذکر ایشان است ما به احیای یاد ایشان همت کنیم لکن از این لحظه به بعد تکلیف بر عهده روحانیون، مسئولین، مؤمنین و به ویژه صاحبان نفوذ از ایشان است که به اهتمام خویش به رشد این مسجد مقدس و مساجد نوعی پردازند که غالباً مهجور و متروک مانده اند تا در رودخانه مرور دهور که شوینده و رونده است برای یومی که مال و بنون جز ضرر، نفعی برای

انسان ندارند؛ بضاعتی به کف داشته باشند و روشن می بینم که آینده ای نیکو برای مسجد مقدس محدثین رقم خورده است و امیدوارم آنان که برای تفریح و تفرج به نگین زمردین ایران زمین رهسپار می شوند؛ علاوه بر سیاحت جهت عرض ارادت به زیارت این مسجد مقدس که نفس عطر آگین خاتم آسمان ولایت در آن سرایت نموده با شوق و طوع موفق به عبادت گردند و ما را نیز از دعای خیرشان محروم نسازند.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب و العاقبه للمتقین اللهم عجل فرجه

و سهل مخرجه و قرب زمانه و اجعلنا من انصاره و اعوانه

والمستشهدین بین یدیه بعزتک و جلالک

یا ملجاء الاملین

سید مرتضی میر سراجی

شوال ۱۴۲۶ق - پاییز ۱۳۸۴ش - تهران



□ فهرست منابع و مأخذ:

◀ کتاب:

۱- ابن بابویه، محمد (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه (الجزء الاول و

الثانی)، مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه لجماعه للمدرسين بقسم المقدسه)،

دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ هـ. ق

۲- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (و: ۱۳۱۳ ق)، مرآه البلدان، (به کوشش

دکتر عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث) ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ

دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۶۶ش

۳- باقر زاده بابلی، عبدالرحمن. آشنایی با فرزندگان بابل در سه قرن اخیر، (مقدمه

جعفر سبحانی)، ناشر: مؤلف با همکاری انتشارات مبعث، چاپ اول پاییز

۱۳۷۷ش

۴- حجازی کناری، سید حسن. یادگارهای دینی و تاریخی باستانی مازندران،

ناشر: انجمن خدمات فرهنگی ایرانیان خارج از کشور، چاپ اول، زمستان

۱۳۷۲ش

- ۵- حسین زاده، پوراندخت. شهر بابل (متن کامل سخنرانی پوراندخت حسین زاده راجع به شهر بابل در جلسه ۲۷ آذر ۱۳۴۳ ش)، دانشگاه تهران، اردیبهشت ۱۳۴۳ ش
- ۶- حسینی [اشکوری]، سید احمد. تراجم الرجال (مجموعه تراجم الاعلام اکثرهم مغمورون تنشر موادها التاريخيه لاول المره) الناشر: دليل ما، الطبعه الاولى، قم، سنه ۱۴۲۲ هـ. ق.
- ۷- ربانی، اسد الله. گوشه ای از زندگی آیت الله حاج شیخ محمد کوسانی، ناشر: سید عبدالعلی هاشمی، چاپ حکمت قم، ۱۳۵۱ ش
- ۸- ریاحی، وحید. مازندران، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰ ش
- ۹- ریسی آتنی، گلبرار، فرزندگان مازندران، ناشر: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش
- ۱۰- زنده دل، حسن (و دستیاران). مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی استان مازندران، نشر ایرانگردان، ۱۳۷۹ ش
- ۱۱- ستوده، منوچهر. از آستارا تا استارباد، ج ۴ آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی (بخش اول)، انتشارات آگاه، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۶ ش

۱۲- شایان، عباس. مازندران جغرافیایی تاریخی و اقتصادی. چاپ دوم، تهران،

۱۳۷۸ش

۱۳- شریف رازی، محمد. گنجینه دانشمندان، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ

اسلامیه، تهران ۱۳۷۸ش

۱۴- صالح طبری، صمد. بابل سرزمین طلای سبز، انتشارات فکر روز، چاپ اول،

تهران، ۱۳۷۸ش

۱۵- طهرانی، الشیخ آغا بزرگ، طبقات اعلام الشیعه، (و هو الکرام البرره فی القرن

الثالث بعد العشره)، المطبعه العلمیه فی النجف، ج ۱۳۷۴، هـ. ق. ۱۹۵۴م

۱۶- طهرانی، الشیخ آغا بزرگ، طبقات اعلام الشیعه، (الکواکب المنتشره فی القرن

الثانی بعد العشره)، (تحقیق ولده: علینقی منزوی)، ناشر: مؤسسه انتشارات و

چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، دی ماه ۱۳۷۲ ش

۱۷- گروه مؤلفان، بابل شهر بهار نارنج. نشر چشمه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹ش

۱۸- معین، محمد. فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ ۱۲، ۱۳۷۷ش

ملازاده، کاظم و محمدی، مریم. دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره

اسلامی ۳/، ناشر: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ دوم،

۱۳۷۹ش

۱۹- مهجوری، اسماعیل. دانشمندان و رجال مازندران، به کوشش هدایت الله

مهجوری، چاپ شرق، ۱۳۵۳ش

۲۰- مهجوری، اسماعیل، تاریخ مازندران، چاپ اثر ساری، چاپ اول، تیر ماه

۱۳۴۵ش

۲۱- النجار، ناجی. جزیره خضراء و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا. ترجمه و

تحقیق: علی اکبر مهدی پور، مؤسسه انتشارات رسالت، چاپ ۱۲، قم، تابستان

۱۳۸۳ش

۲۲- نصیرایی، عسکر. خورشید پنهان. انتشارات مبعث، بابل، چاپ اول، بهار

۱۳۸۴ش

۲۳- نوری، میرزا حسین. جنه المأوی. ضمیمه ج ۵۳، بحار الانوار مجلسی، المكتبه

الاسلامیه، ۱۳۹۸هـ ق

۲۴- نیاکی، جعفر. بابل (شهر زیبای مازندران)، با همکاری پوراندهخت حسین زاده،

نشر رامرنگ، چاپ اول، بهار ۱۳۷۹ش

۲۵- وفایی، شهر بانو. سیمای میراث فرهنگی مازندران، ناشر: اداره کل آموزش

انتشارات و تولیدات فرهنگی، بهار ۱۳۸۱ش

◀ مجله:

۱- دره گیرایی، محسن. (گزارش کوی محبوب، مسجد محدثین یا جمکران

ثانی)، مجله فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی، خورشید مکه ۶/، رجب و شعبان

۱۴۲۳ ق، مهر و آبان ۱۳۸۱ ش

◀ منابع شفاهی:

۱- مصاحبه با مردم بابل

۲- مصاحبه و تحقیق محلی از همجواریان مسجد مقدس محدثین

۳- مصاحبه با دکتر نصیرایی امام جماعت مسجد مقدس محدثین و مدیر مدرسه

خاتم الانبیاء (صدر) بابل